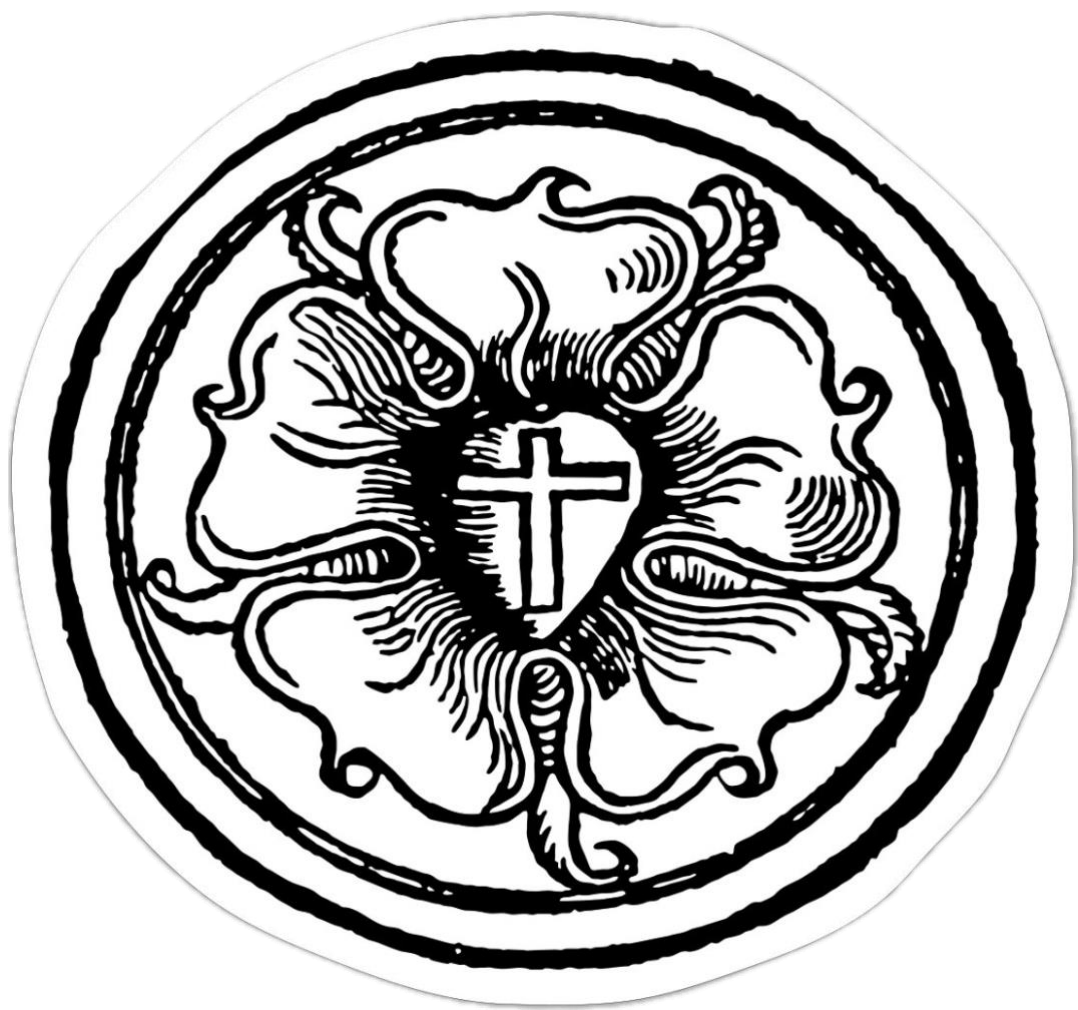


اعتراف
نامه‌ی
آگسبورگ

اعتراف نامه ی آگسبورگ



اعترافات لوتری



پیشگفتار

مارتین لوتر، کشیش و اصلاح طلب نامدار آلمانی، در قرن شانزده میلادی (1483-1546) در شهر آیسلین از ایالت زاکسن آنهالت آلمان می زیست. در آن وقت که هنگامه ی حکومت پاپ لنو دهم بود، مذهب در کلیساها و در بین مردم و جان ها، ریشه دوانده سکنی گزیده بود. عوام آمرزش گناهان و تضمین وصول به فردوس خداوند را در ازای زر و سکه از کلیساها دریافت می کردند و این خود سرمنشا آغاز فعالیت های اصلاح طلبانه ی لوتر در مقابل قدرت و غنای کلیساهای کاتولیک گشت. وی با اتکا و تأکید بر "امکان داشتن ارتباطی شخصی و فردی با خدا و پارسا شمردگی از طریق ایمان به صلیب عیسی" بعدتر اصلاحیه ای متشکل از 95 بند به کلیسا ارائه کرده بدینوسیله رسمیتی علنی بر انتقادات خود نهاد. مارتین لوتر تمام عمر با اصرار برای اصول اعتقادی و اصلاحات دینی مبارزه کرد و مشوق سایرین برای تفکر و اندیشیدن بیشتر و نقد سیستم های قدرتمند بود. وی با زندگی و مرگش تأثیری بس ژرف بر جهان مذهبی و فرهنگی نهاد. افکار و اعتقادات وی در خصوص اصلاحات دینی و اعتقادات مسیحی پشتیبان عدالت و اخلاق بعدتر توسط فیلیپ ملانژتن (1497-1560) رفیق و ملازمش در 28 ماده گنجانده شده در سال 1530 به دایت آگسبورگ (مجمع امپراتوری روم مقدس و مؤخذ تصمیمات دینی و سیاسی) ارائه گشت.

آن شامل 21 ماده ی مربوط به اعتقادات لوتری و 7 رد نظریه از تعلیم کاتولیک بود. اگرچه بخش دوم مقالات باعث عدم اتحاد پروتستان و کاتولیک گشت اما کاربرد آن چنان در سراسر اروپا ریشه دوانده بود که سرانجام در سال 1555 در صلح آگسبورگ به رسمیت شناخته شد.

شکر و سپاس خداوند را برای توفیق ترجمه و تعمق در 28 ماده ی مذکور که در سازگاری با آن چه که از مسیح عیسی مکتوب گشته سنگ بنای تعلیمات و الهیات لوتریست. آمین که نتیجه ی حاصله موجبات کسب آگاهی و تعلیم و تأمل در مسیح عیسی پسر یگانه ی خدا در خوانندگان گرامی گردد.

نیکویی و رحم خدا همواره با شما، گروه مترجمین.

فهرست مطالب

2	تیترو عنوان
3	پیشگفتار
6	ماده ی اول خدا
7	ماده ی دوم گناه اصلی
9	ماده ی سوم پسر خدا
10	ماده ی چهارم پارسایی
11	ماده ی پنجم دیوان کلیسا
12	ماده ی ششم اطاعت جدید
13	ماده ی هفتم کلیسا
14	ماده ی هشتم کلیسا چیست
15	ماده ی نهم غسل تعمید
16	ماده ی دهم عشای ربانی
17	ماده ی یازدهم اعتراف
17	ماده ی دوازدهم توبه
19	ماده ی سیزدهم کاربرد مقدسات
20	ماده ی چهاردهم آیین کلیسا
20	ماده ی پانزدهم مراسم مقدس
21	ماده ی شانزدهم هیئت مدنی

ماده ی هفدهم بازگشت مسیح برای داوری

22

- 23 ماده ی هجده اراده ی آزاد
- 25 ماده ی نوزدهم عامل گناه
- 26 ماده بیستم اعمال نیک
- 29 ماده بیست و یکم بازگشت مسیح برای داوری
- ماده ی بیست و دوم: هر دو (هم نان و هم شراب)
- 31 در آیین مقدس عشای ربانی
- 33 ماده ی بیست و سوم: ازدواج کشیش ها
- 35 ماده ی بیست و چهارم: عشای ربانی
- 38 ماده ی بیست و پنجم: اعتراف
- 40 ماده ی بیست و ششم: تمایز گوشت ها
- 44 ماده ی بیست و هفتم: نذورات مذهبی صومعه
- 48 ماده ی بیست و هشتم: اقتدار کلیسا
- 55 استنتاج

ماده ی اول: خدا

ملاحظات: مارتین لوتر هرگز قصد نداشت کلیسای جدیدی راه اندازی کند، بلکه هدف وی تطهیر یک کلیسای واحد، مقدس، کاتولیک¹ و حواری بود. اعتراف نامه ی آگسبورگ قویا تعلیم تثلیث را که در شورای² نیقیه (325) اذعان گشته، بعدتر توسط شورای قسطنطنیه (381) تصویب شد، تصدیق می کند. خدا یک ذات الهی در سه شخص متمایز است - پدر، پسر و روح القدس. کتاب مقدس از این راز بزرگ، که همه بدان معترف گشته اند، پرده بر می دارد. در دوران اصلاحات، گروه های رادیکال از اطوار مختلف بدعت های³ پیشین حمایت کردند. اعتراف نامه ی آگسبورگ بدعت های باستانی در خصوص خدا را رد می کند. مقاله ی نخست اثبات می کند که لوتریسم عمیقاً در تعالیم تاریخی مسیحیت کتاب مقدس لنگر افکنده است. این ایمان کلیسا را در طول اعصار در بر گرفته و تمام عقاید نادرستی را که کلیسا رد کرده است، رد می کند.



کلیساهای ما متفق القول تعلیم می دهند که حکم شورای نیقیه در خصوص وحدت ذات الهی و سه شخص [تثلیث] صادق است و آن را بی هیچ شبهه ای می باست باور داشت. خدا یک ذات الهیست که جاودانه است، عاری از جسم و تن، اعضا و جوارح، صاحب حکمت، قدرت و نیکویی بی پایان. خالق حیات بخش و حافظ هر چیز مرئی و نامرئی. «تویی تنها خداوند. تویی که فلک الافلاک را با تمامی لشکرشان، و زمین را با هرچه بر آن است، و دریاها را با هر چه در آن هاست، ساخته ای. تویی که به همه ی آن ها حیات می بخشی، و لشکریان آسمان پرستشت می کنند» (نحمیا 6:9). با این

¹ به یونانی: *Katholikos*، کاتولیک «جهانی» یا «عمومی». اصطلاحی که برای اولین بار در سال 110 پس از میلاد در نامه ی ایگناتیوس به کلیسای مسیحی اطلاق گشت: «هرجا مسیح است، کلیسای کاتولیک آنجاست». این کلمه در الهیات لوتری (همانطور که در مسیحیت اولیه) اغلب برای تعریف کلیسایی واحد، مقدس، کاتولیک «مسیحی» و حواری به کار برده می شود که بر اساس ایمان به مسیح متحد گشته و از زمان، مکان و همه ی موانع دیگر فراتر رفته است.

² گردهمایی رهبران کلیسا برای حل و فصل مسائل مربوط به ایمان و عمل، که قدمت آن به کلیسای اولیه باز می گردد (به اعمال رسولان 15 مراجعه کنید). هدف جنبش شورایی قرن پانزدهم هدایت کلیسا از طریق شوراها بود و نه از طریق پاپ. اعترافات لوتری تصمیمات شوراها را محترم می شمارد، اما آن ها را تابع کلام خدا می داند، زیرا شوراها در گذشته دچار اشتباه شده بودند.

³ به یونانی *hairesis*، «عمل انتخاب» پس «نظر منتخب»؛ خطای سرسختانه در یک اصل اعتقادی مغایر با کتاب مقدس.

حال، سه شخص وجود دارد؛ پدر، پسر و روح القدس؛ «پس بروید و همه ی قوم ها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید» (متی 19:28). هر سه شخص دارای ذات و قدرت یکسان هستند.

کلیساهای ما همچون پدران کلیسا⁴ اصطلاح "شخص" را به کار می برند. ما این را نه به منظور دلالت بر یک بخش یا کیفیت در دیگری، بلکه برای دلالت بر چیزی که خود موجود است، به کار می بریم. کلیساهای ما هر ارتدادی را که علیه این مقاله⁵ مطرح گردد، مانند مانویان⁶ که به دو ذات، یکی خیر و دیگری شر، اعتقاد داشتند، رد می کند. «به آن که عامل تفرقه است یک بار، و سپس برای دومین بار هشدار ده، و از آن پس، با او قطع ارتباط کن. چرا که می دانی چنین شخص منحرف است و گناهکار، و خود عامل محکومیت خویش» (تیتوس 3:10-11). آن ها همچنین ولنتاینی ها⁷، آریان ها⁸، یونومی ها⁹، مسلمانان¹⁰ و تمامی بدعت های دیگر از این جمله را محکوم می کنند. کلیساهای ما همچنین ساموساتین ها¹¹ را - خواه قدیمی و یا جدید- که ادعا می کنند خدا هست، اما یک شخص واحد، رد می کنند. آن ها به واسطه ی سفسطه ای¹² تفضیل آمیز استدلال می ورزند که کلام و روح القدس اشخاصی متمایز نیستند: از قرار آن ها کلمه برابر است با آن چه بیان می شود و روح به حرکت به وجود آمده در اشیای ساکن اطلاق می گردد.

ماده ی دوم: گناه اصلی

ملاحظات: گناه بسیار فراتر از پلیدی در پندار، گفتار و کردار است. گناه غایت مرض و بیماری است. ما جملگی در گناه آبستن گشته و زاده شده ایم. ما آن را از نخستین والدینمان، آدم و حوا¹³ به ارث

⁴ معلمین شناخته شده ی کلیسا از اواخر عصر شاگردان مسیح (عصر حواری)، تا قرن هفتم و نهم.

⁵ بخشی از یک سند یا نوشته ای دیگری که با اعداد یا حروف خاص اشاره گذاری شده است.

⁶ دینی که توسط مانی (277-216 ق.م) تاسیس شد؛ فلسفه ی طبیعت دوگانه از جمله عناصر گنوسی زرتشتی و مسیحی [غنوصیه: مجموعه ی اندیشه ها و آیین های رازآلود و جهان گریز مذهبی؛ اندیشه های دوگانه انگارانه ی ایرانی و یهودی]. مانی معتقد بود که پادشاهی نور و پادشاهی تاریکی از ازل در نبرد بودند. مانوی در امپراتوری روم گسترش یافت و تهدیدی برای کلیسا بود. آگوستین اهل هیپو [شهری در شمال آفریقا] در جوانی مانوی بود.

⁷ ولنتاینیان (قرن دوم) فرقه ای از گنوسیسم به رهبری ولنتینوس؛ بدعت باستانی که اندیشه های فلسفی یهودی، مسیحی و یونانی را در یک نظام دینی جدید در هم آمیخت.

⁸ پیروان آریوس (حدود 336)، کشیش در حومه ی اسکندریه مصر. بدعت گذار در کلیسای اولیه، تعلیم داد که عیسی الوهیت دارد اما با خدای پدر برابر نیست. شورای نیقیه بدعت وی و پیروانش را رد کرد؛ اما عواقب این مناقشه تقریباً دو قرن جهان مسیحیت را دچار مشکل کرد.

⁹ یونومیوس (حدود 339-335) بدعت گذار آریان؛ رهبر یونومی ها، اسقف سیزیکوس در میزیا [آسیای صغیر]، رد شده توسط پدران کاپادوکیه.

¹⁰ پیروان دین اسلام و محمد رسول. ترک ها در طول دوره ی اصلاحات به اروپای شرقی حمله کردند. ترس از تهاجم ترک ها باعث شد تا حاکمان مسیحی اروپا از جنگ با یکدیگر کناره گیرند. این به اصلاحات زمان برای توسعه و گسترش داد. لوتر سرود "پروردگارا ما را در کلام خود ثابت گردان" را به عنوان دعایی بر ضد ترک ها نوشت. او در خصوص اسلام برای تدارک دفاع در صورت حمله ی موفقیت آمیز ترک ها به آلمان، تحقیق کرد.

¹¹ پاول ساموساتاء؛ اسقف انطاکیه (272-260)؛ پادشاهی پویا، پیروانی با عناوین پائولیانیت، ساموساتین و ساموساتینیان.

¹² استدلال یا برهان ظریفی که برای فریب طراحی شده است.

¹³ اولین زن (تاریخ باستان)، همسر آدم (پیدایش 4-1).

برده ایم. بر بیماری گناه می توان غالب آمد، لیک تنها با یک دارو: خون تطهیرگر، شفا بخش و آمرزشگر پسر خود خدا. اعتراف نامه ی آگسبورگ با رد عقاید اشتباه پلاژیوس¹⁴ در ماده ی دوم، ماهرانه به دیدگاه رومی نسبت به گناه اشاره می کند. کلیسای روم تعلیم می داد و می دهد که هوس (تمایل ذاتی به گناه) در واقع گناه نیست. روم با تشخیص اشتباه بیماری مرگبار ما، مردم را بر این باور هدایت می کند که می توانند با فیض خدا برای نجات مساعدت ورزند. لوترانیسم تمام تعالیمی را که دلالت بر مسئولیت ما در برابر نجات خویش داشته یا مجال همدستی و یاری، در آن را جعل می کند، رد می کند.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که از زمان سقوط آدم¹⁵ همه آبستن به گناه¹⁶ و گناه کار زاده شده ایم؛ «پس، همانگونه که گناه به واسطه ی یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه ی گناه، مرگ آمد، و بدین سان مرگ دامن گیر همه ی آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کرده اند، گناه در جهان وجود داشت» (رومیان 12:5). «به راستی که تقصیرکار زاده شده ام و گناهکار، از زمانی که مادرم به من آبستن شد» (مزامیر 5:51). به بیان دقیق تر یعنی، بدون ترس از خدا، بی اعتماد به خدا و با تمایل به گناه، که هوس¹⁷ نامیده می شود، پای بر این دنیا می نهیم. هوس یک بیماری و رذیله اصلی است که به راستی گناه است. هوس لعنت و مرگ ابدی را برای کسانی که در تعمید از آب و روح القدس از نو زاده نشده اند به همراه می آورد؛ «آمین، آمین، به تو می گویم، تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی تواند به پادشاهی خدا راه یابد (یوحنا 3:5).

¹⁴ بدعت گنار پلاژیوس (حدود ۲54/۲60 - ۴18/۴20) راهب بریتانیایی یا ایرلندی. بازدید از رم (حدود ۴۰۰)، کارتاژ و فلسطین (حدود ۴۱۰-۴۱۸). جنجال پلاژیان در سال ۴۱۸ از تاریخ ناپدید شد. پلاژیوس شرح هایی بر 13 رساله ی پولس نوشت؛ کتابی درباره ی ایمان؛ رساله هایی در خصوص زندگی مسیحی؛ باکرگی، و همچنین قانون الهی. پلاژیوس و پیروان او معتقد بودند که طبیعت یک شخص از زمان سقوط آدم فاسد نگشته، بلکه همچنان در آن حالت اولیه ی بی تفاوتی اخلاقی به سر برده، توسعه ی آن برای نجات به اراده ی فرد بستگی دارد. بر طبق نظر پلاژیوس، فیض و نجات مسیح ضروری نیست.

¹⁵ آدم، (تاریخ باستان) اولین انسان، شوهر حوا (پیدایش 5:5-26:1). آدم مسئولیت سقوط به گناه را بر عهده گرفت، گناهی که همه نوع بشر را نفرین کرد. مسیح "آدم ثانویه" نامیده می شود، زیرا او گناه تمام بشر را دور می کند (رومیان 12:5-19). اعترافات لوتری اغلب به "آدم کهنه" اشاره دارد، به آن طبیعت گناه آمیز ما که از سقوط آدم به گناه نشئت گرفته است.

¹⁶ شکستن قانون خدا (رومیان 15:4؛ اول یوحنا 4:3) گناه را می توان به گناه اصلی (گرایش ارثی به گناه و محکومیت از جانب خدا) و گناه واقعی تقسیم کرد. گناه واقعی (هر فکر، احساس، کلمه یا عملی که با قانون خدا در تضاد باشد) ممکن است غیرارادی یا ناآگاهانه مرتکب گناه شویم (اعمال رسولان 30:17) و شامل ارتکاب گناه (متی 19:15؛ یعقوب 15:1) و غفلت (یعقوب 17:4) می شود. گناه خشم خدای عادل را بر می انگیزد و سزاوار مجازات اوست. گناه عمدی وجدان را می سوزاند. با تکرار قلب را سخت می کند و ممکن است منجر به گناه نابخشودنی شود.

¹⁷ عنصر مادی گناه اصلی؛ که به دنبال چیزهای نفسانی بوده، به آن ها علاقه دارد (نه تنها شهوات جسمانی، بلکه حکمت و عدالت نفسانی را نیز در بر می گیرد. خدا را نادیده گرفته، تحقیر می کند؛ از او نترسیده بر وی اعتماد ندارد، از قضاوت او متنفر است و از آن می گریزد، نسبت به او خشمگین است، از رحمت او نا امید بوده به گناه و چیزهای دنیوی اعتماد می کند (رومیان 7:7؛ 23، اول قرن تیان 14:2؛ قانون 2). کلیسای روم هوس را تمایل به گناه می داند.

کلیساهای ما پلاژیان‌ها¹⁸ و دیگرانی که انکار می‌کنند فساد اصلی گناه است و از این طریق جلال و شایستگی مسیح و مزایایش را تیره و تار می‌کنند؛ محکوم می‌کنند. پلاژیان‌ها استدلال می‌ورزند که یک شخص قادر است با اتکا بر توان و براهین خود، در نزد خدا پارسا شمرده شود.

ماده ی سوم: پسر خدا

ملاحظات: اعتراف نامه ی آگسبورگ تعلیم تاریخی و کتاب مقدسی مسیح را آموزش می‌دهد. بسیاری از مناقشات اولیه در خصوص ذات انسانی و الهی مسیح به واسطه ی مطالعه ی دقیق کلام خدا حل و فصل گشته، در اعتقادنامه ی نیقیه تجلی یافته است. مقاله ی سوم این عقیده را بازتاب می‌سازد - خداوند ما عیسی مسیح یک شخص است با دو ذات: خدای حقیقی و انسان حقیقی. این یکی دیگر از رازهای ایمان مسیحی است که با شکرگزاری و تعظیم فروتنانه در برابر مسیح دریافتش می‌کنیم. جسم پوشیدن او در رحم مادر باکره اش¹⁹، مریم، از برای نجات ما بود. او خدا-انسان است و تا ابد باقی میماند، آن که خشم خدا را در برابر گناه ما فرونشانیده، پیروزی حیات ابدی را برای ما کسب نمود. حتی اکنون نیز او به وسیله ی فیض موعود خود - انجیل و مقدسات - در کنار ما حضور می‌یابد. او می‌آید تا ما را تقویت کند، حفظ نماید و مدد رساند و ما را به سلامت به سرمنزل آسمانی مان هدایت نماید.



کلیساهای ما تعلیم می‌دهند که کلمه، پسر خداست که ماهیت²⁰ انسانی را در رحم مریم باکره ی متبارک²¹ بر خود گرفته است؛ «و کلام، انسان شد و در میان ما مسکن گزید. ما بر جلال او نگریستیم، جلالی شایسته ی آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی» (یوحنا 1:14). بنابراین دو ماهیت الهی و انسانی وجود دارد که در یک شخص به هم پیوسته اند. یک مسیح وجود دارد، خدای حقیقی و انسان حقیقی، که از مریم باکره تولد یافت، به راستی رنج کشید، مصلوب گشت، مرد و دفن شد. او چنین کرد تا پدر را آشتی داده قربانی گردد، نه تنها برای گناه اصلی، بلکه برای تمامی گناهان بشر؛ «فردای آن روز یحیی چون عیسی را دید که به سویش می‌آید گفت: این است بره ی خدا که گناه از جهان بر می‌گیرد» (یوحنا 1:29).

او همچنین به هاویه رفت و در روز سوم بر راستی از مردگان برخاست. سپس به آسمان صعود کرد تا در راست شانه ی پدر بنشیند. او در آن جا سلطنت می‌کند و بر همه ی مخلوقات تسلط دارد. او ایمان داران به خود را با فرستادن روح القدس بر قلبهای شان تقدیس می‌نماید تا بر آن ها حکم کرده،

¹⁸ فرقه ی پلاژیان، پیروان پلاژیوس، ارجاع به پاورقی 14.

¹⁹ الف. زنان جوان در تمثیل عیسی در متی ۲۵. ب. افرادی که تجرد را تمرین می‌کنند.

²⁰ ذات، یا صفات ذاتی یک چیز.

²¹ مریم مقدس، (قرن اول) مادر باکره ی عیسی. در اعترافات لوتری، نام او بیشتر در نقل قول های اعتقادنامه‌ها آمده است. او اغلب "متبرک" نامیده می‌شود. عیسی جسم خود را از مریم دریافت.

تسلای داده، حیات بخشیده؛ آن ها را در برابر شیطان²² و قدرت گناه محافظت نماید. بر اساس اعتقادنامه ی رسولان، همان مسیح دگر بار آشکارا می آید تا زندگان و مردگان را داوری نماید و چنین کند.

فصل چهارم: پارسایی

ملاحظات: یک ضرب المثل تاریخی در آیین لوتری وجود دارد که می گوید: کلیسا یا بر ماده ی پارسایی استوار می گردد و یا سقوط می نماید. پارسایی یا توجیه به معنای "اعلام حقانیت" است. اعلام قطعی و مسلم خدا مبنی بر اینکه ما به زعم او عادل هستیم، تنها به واسطه ی نجات دهنده ی ما، عیسی مسیح، میسر است. عیسی در طول زندگانی خویش طلب خدا برای اطاعت کامل را برآورده ساخت. عیسی به واسطه ی مرگش بر روی صلیب، خشم خدا را فرونشانیده، کفاره ی گناهان جهان گردید. روح القدس، به وسیله ی فیض، ایمان نجات دهنده را در ما ایجاد کرده، تقویت می نماید تا بتوانیم شخصا آنچه را که مسیح برای ما به انجام رسانیده، درک کنیم. از این رو، عادل شمرده شدن ما در برابر خدا توسط کسی که برای نجات ما زندگی کرد، رنج کشید و مرد، محقق می آید. ما نمی توانیم به مدد اطاعت خود مستحق لطف خداوند گردیم. ما نمی توانیم به منظور جبران گناهان خود قربانی دهیم. اما آنچه را که ما نمی توانیم برای خود انجام دهیم، مسیح برای ما انجام داده است. او صخره ی محکمی است که خدا کلیسای خود را بر روی آن بنا می کند. از برای او، و تنها او، ما امرزیده شده ایم.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که هیچ کس نمی تواند با قدرت، شایستگی یا اعمال خود نزد خدا پارسا²³ شمرده شود. بلکه به سبب مسیح، به واسطه ی ایمان²⁴، هنگامی که باور دارد مورد لطف قرار گرفته است و گناهانش به خاطر مسیح بخشیده شده اند، به رایگان پارسا شمرده می شود. عیسی با مرگش ضامن گناهان ما گردید و خداوند این ایمان را پارسایی یا عدالت²⁵ می

²² شیطان، شریر، ابلیس "مدعی" (اول پطرس ۵:۸). آغازگر همه شرارتها (افسیان ۲:۲)، دشمن پادشاهی خدا. او وسوسه گر ایمان داران است (اول پطرس ۵:۸-۹)؛ حوا را به گناه کشاند و بدین ترتیب آغازگر و پادشاه موت شد (عبرانیان ۱۴:۲). شیطان و ارواح شیطانی که در ابتدا نیکو آفریده شدند، به دلیل تقصیر خود سقوط کردند (نوم پطرس ۴:۲). آتش جاودانی برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده بود (متی ۴۱:۲۵).

²³ عمل قضایی خدا شامل اتهام گناه ما به مسیح و نسبت دادن عدالت مسیح به ما. این پارسایی از طریق عطای ایمان دریافت می شود. اعترافات لوتری، "پارسایی یا موجه گشتن" را مهم ترین تعلیم مکاشفه ی الهی می نامند. عادل شمرده شدن هم عینی است (که مسیح برای همه مردم به دست آورد) و هم ذهنی (که شخصا از طریق فیض اعمال می شود).

²⁴ الف. بیکر حقیقت موجود در عقاید (عینی) ب. پاسخ انسان به فعالیت الهی (ذهنی). تصاحب شخصی حقیقت الهی خود یک عطا است نه عمل (افسیان ۲: ۸-۹).

²⁵ انصاف یا عدالت خدا که کمال اساسی ذات اوست. اصطلاح عدالت در مورد مسیح نه تنها از نظر عدالت اساسی او، بلکه با توجه به عدالتی که او برای بشریت کسب کرده است، به کار می رود (ارمیا ۶:۲۳، همچنین به ماده ی ۴ رجوع کنید). عدالت قانون، اطاعتی است که اجاب می کند (به قانون مراجعه کنید؛ انجیل). عدالت مسیحی، عدالت ایمان است (رجوع کنید به تبدیل، ایمان؛ ماده ی چهارم پارسایی).

شمارد؛ «اما اکنون جدا از شریعت، آن پارسایی که از خداست به ظهور رسیده است، چنانکه شریعت و پیامبران بر آن گواهی می دهند. این پارسایی که از خداست از راه ایمان به عیسی مسیح است و نصیب همه ی کسانی می شود که ایمان می آورند. در این باره هیچ تفاوتی نیست. زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند. اما به فیض او و به واسطه ی آن بهای رهایی²⁶ که در مسیح عیسی است، به رایگان پارسا شمرده می شوند. خدا او را چون کفاره ی گناهان²⁷ عرضه داشت، کفاره ای که توسط خون او و از راه ایمان حاصل می شود. او این را برای نشان دادن عدالت خود انجام داد، زیرا در تحمل الهی خویش، از گناهانی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشیده بود. او چنین کرد تا عدالت خود را در زمان حاضر ثابت کند، و تا خود عادل²⁸ باشد و کسی را نیز که به عیسی ایمان دارد، پارسا بشمارد» (رومیان 26:3-21)؛ «اما آنکه کاری نمی کند، بلکه به خدایی توکل می دارد که بی ایمانان را پارسا می شمارد، ایمان او برایش پارسایی به شمار می آید» (رومیان 5:4).

ماده ی پنجم: دیوان کلیسا

ملاحظات: چگونه می تواند آنچه مسیح دو هزار سال پیش برای ما از طریق زندگی، مرگ و رستاخیز خود به انجام رسانید، در زندگی امروز ما مؤثر واقع گردد؟ در دوران اصلاحات، مانند امروز، برخی تصور می کردند که روح القدس را به واسطه ی بازتاب خود، با لذت بردن از طبیعت، یا با تجارب مذهبی وجد برانگیز تجربه خواهند کرد. حقیقت آرامی بخش این است که روح القدس به وسیله ی ابزار فیض عینی، ظاهری، مطمئن و معین عمل می نماید، و به مدد آن ما تنها به واسطه ی فیض و ایمان، تنها به سبب مسیح عادل شمرده می شویم. در حالی که دغدغه ی ماده ی پنجم مستقیماً اعتراف به عمل روح القدس به واسطه ی فیض است، دیوان کلیسا نیز به طور غیرمستقیم در نظر گرفته شده است و نسخه ی آلمانی اعترافات آگسبورگ آن را «دیوان موعظه» [das Predigtamt] می نامد. دیوان موعظه نه توسط انسان، بلکه توسط خود خدا بنا نهاده شده است. ماده ی چهاردهم ضرورت فراخوانی یا خواندگی کلیسا را مورد بحث قرار می دهد.



²⁶ سربها، قذیه، غرامت، پرداختی در عوض رهایی اسیر یا جریمه ی ارتکاب جرم (غالباً گناه هوس رانی)

²⁷ منظور از میان برداشتن گناه و برگرداندن غضب خدا از شخص گناهکار است. عبارت "کفاره ی گناهان" را می توان "تخت رحمت" نیز ترجمه کرد.

²⁸ آمین یا امانت دار

دیوان مقدس²⁹ و وزارت تعلیم کلام³⁰ تأسیس³¹ گشت تا ما بتوانیم این ایمان را کسب نماییم. و به واسطه ی کلام و مقدسات³² به عنوان ابزارهای صحیح، روح القدس را دریافت کنیم؛ «روح القدس را بیابید» (یوحنا 22:20). او هر زمان و هر کجا که خدا بخواهد به ایمان عمل می کند؛ «باد به هر کجا که بخواهد می وزد، صدای آن را می شنوی، اما نمی دانی از کجا می آید یا به کجا می رود. چنین است هر کس نیز که از روح زاده شود» (یوحنا 8:3). او در کسانی که مژده ی خوش پارسا شمرده می شود در نزد خداوند به واسطه ی عمل مسیح را شنیده اند و معتقدند که به واسطه ی او به رحمت خدا وارد شده اند، به ایمان عمل می کند. کلیساهای ما آنابپتیست ها³³ و دیگرانی که می پندارند به وسیله ی آماده ساختن خویش و اعمالشان بدون دخالت کلام می توانند روح القدس را دریافت کنند، محکوم می کنند.

ماده ی ششم: اطاعت جدید

ملاحظات: لوتریان گاهی متهم به رد الزام ارتکاب اعمال نیک توسط مسیحیان شده اند. این مقاله، مقالات مربوط به پارسایی و دیوان کلیسا را دنبال کرده، به وضوح بیان میکند که لوتریان بر ارتکاب اعمال نیک اصرار می ورزند. ایمانی که عطای روح القدس است، نیرویی زنده و فعال در زندگی ما که ثمره ی اعمال نیک را به بار می نشاند. ما باید مرتکب اعمال نیک شویم. خداوند امر بر آن ها می کند. با این وجود، آن ها موجب نجات ما نمی شوند. بلکه همواره نتیجه ی ایمان نجات بخش هستند. این مقاله به یکی از پدران اولیه ی کلیسا به عنوان گواهی بر این موضوع رجوع می کند. در این مقاله ما درمی یابیم که این تعلیم در آموزش و عمل تاریخی کلیسا لنگر انداخته است.

²⁹ دفتر، اداره، دفترخانه، وزارت، خانه، محل گردآوری، دفتر کار.

³⁰ کلام خدا، 1. انجیل عیسی مسیح، در معنای خاص آن مژده ی بخشش، صلح، زندگی و شادی است، مشاورت ابدی الهی رستگاری، که خود مسیح همیشه مرکز حیات، قلب و روح آن بوده است، و خواهد بود. انجیل (الف) بخشش گناه را می دهد. (ب) شادی واقعی و غیرت برای ارتکاب کارهای خوب ایجاد می کند (ج) گناه را در ظاهر و باطن از بین می برد. 2. در معنای وسیع، اصطلاح انجیل ممکن است به مجموع تعالیم مسیحی، از جمله شریعت و کلام نیز اشاره داشته باشد. 3. کلمه ی انجیل همچنین بیانگر شرح خاصی از عیسی است که توسط یکی از چهار نویسنده ی انجیل نوشته شده است.

³¹ برپا داشتن، نگاه داشتن، اجرا کردن. اداره کردن برای رساندن صادقانه ی کلام خدا و مقدسات به گیرندگان مورد نظر.

³² مراسم مقدس. لاتین، *sacramentum*؛ «چیزی که باید مقدس نگه داشته شود.» یک آیین مقدس یا عمل مقدسی است که توسط خدا ایجاد شده است، که در آن خدا خود وعده ی کلامش را به عنصری مرئی ملحق کرده است، و به وسیله ی آن آموزش گناهمانی که از مسیح است را می بخشد و بدان مهیور می کند. با این تعریف، دو آیین وجود دارد: غسل تعمید مقدس و عشاء ربانی. گاهی استغاثه [دریافت بخشش گناهان از کشیش]، آیین مقدس سوم محسوب می شود، حتی اگر هیچ عنصری از لحاظ الهی نهادینه نشده باشد. در استفاده ی کلیسای باستان و قرون وسطی، این اصطلاح معانی مختلفی داشت: 1. راز. 2. مکاشفه ی انجیل. 3. رمز و راز؛ 4. وسیله ای برای دادن و دریافت فیض (مثلاً غسل تعمید و عشاء ربانی). 5. دیوان یا وزارت مقدس. به گفته ی لوتر، مراسم مقدس، خود مسیح است.

³³ برگرفته از کلمه ی یونانی برای "تعمید مجدد". 1. اصطلاح قرن چهارم برای گروه هایی که (الف) افرادی را که توسط بدعت گزاران تعمید داده شده بودند، دوباره تعمید می دادند، (ب) افرادی که توسط روحانیون تعمید گرفته اند و بعداً در جریان آزار و اذیت از ایمان خارج شده اند. (ج) در دوران اصلاحات، نام "ملاط یا سرزنش" به گروه هایی اطلاق می شد که بر تعمید مجدد افرادی که بر کوبکی تعمید می گرفتند اصرار می کردند. آنابپتیست ها از سونیس از پایین رود راین تا هلند بیشترین نفوذ را داشتند. گروه های مدرن عبارتند از منونیت ها، آمیش ها، گروه برادران سونیس و غیره.

کلیساهای ما تعلیم می دهند که این ایمان باید ثمر دهد؛ «اما ثمره ی روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتن داری است. هیچ شریعتی مخالف این ها نیست» (غلاطیان 22-23:5)³⁴. «زیرا ساخته ی دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آن ها گام برداریم» (افسیان 10:2). ما نبایست برای پارسا شمرده شدن در حضور خدا به اعمال خود تکیه کنیم. دریافت آمرزش گناهان و پارسایی به واسطه ی ایمان است. بانگ مسیح شهادت می دهد: «پس شما نیز چون آن چه به شما فرمان داده شده است به جا آوردید، بگویید: خدمتکارانی بی منت ایم و تنها انجام وظیفه کرده ایم» (لوقا 10:17).³⁵ پدران کلیسا نیز چنین تعلیم می دادند. امبروز³⁶ می گوید: «از سوی خدا مقدر گشته است که هر که به مسیح ایمان دارد، نجات یافته، آزادانه آمرزش گناهان را بدون اعمال و تنها از طریق ایمان دریافت نماید.

ماده ی هفتم: کلیسا

ملاحظات: ماده ی هفتم به درستی مگنا کارتای³⁷ انجیلی کلیسای لوتری نام نهاده شده است. این ماده آشفتگی مراسم های ساخته شده توسط دست بشر را که تا قرن شانزدهم روی هم انباشته شده بود، از میان برداشته، بر اصل موضوع تمرکز می نماید، و کلیسا را با سادگی شیوا تعریف میکند. وحدت بیرونی در کلیسا با حقیقت کتاب مقدس (تعالیم کتاب مقدس) پدید آمده، تعریف شده و تبدیل به هنجار گشته است، و نه برعکس. همراهی کلیسا مشارکت مشترک در گنجینه های نجات بخش کلیسا است: عطایای مسیح، انجیل او، و مقدسات او. هیچ «انجیلی» نمی تواند این را به عمل رساند، بلکه

³⁴ قرن اول، اعضای جماعت (های) آسیای صغیر که پولس در مورد پارسا شمردگی و کاربرد شریعت و انجیل به آن ها نوشت.

³⁵ لوکاس (قرن اول)، پزشک و میشر. نویسنده ی انجیل به روایت قدیس لوقا و اعمال رسولان. از یاران پولس رسول (لوقا ۱: ۴-۱؛ روم تیموتائوس 11:4).

³⁶ (340-397) رهبر برجسته در کلیسای اولیه. در حرفه ی قضایی تحصیل کرد. پس از مرگ اسقف میلان، امبروز (به عنوان یک مقام دولتی) در جریان اختلاف بین نیقیه ها و آریان ها نظم را برقرار کرد؛ در این جریان مردم از او خواستند تا اسقف شود. از آنجایی که او هنوز یک کاتچومن بود، بلافاصله غسل تعمید داده شده هشت روز بعد به عنوان اسقف وقف شد (374). وی مدافع مشهور اعتقادنامه ی نیقیه می باشد. امبروز امپراتور تئودوسیوس اول را به خاطر قتل عام در تسالونیک توبیخ کرد و اقدامی بی سابقه برای تکفیر یک امپراتور مسیحی انجام داد. مثال او این ایده را پشتیبانی کرد که دولت باید از کار کلیسا حمایت کند و به آن کمک کند و کلیسا باید از کار دولت حمایت کند و به آن ادامه دهد. مشوق تجرد، فقر داوطلبانه، شهادت ایمان، تعمید دهنده ی آگوستین قدیس، کمک در توسعه ی موسیقی مذهبی.

³⁷ مگنا کارتا (معنی تحت اللفظی نامه ی عظیم) نام جزیره ای از جزایر انگلستان. مگنا کارتا اولین اساس نامه ی حقوق مدنی، دموکراسی و آزادی است که برای اولین بار همه را در مقابل قانون یکسان قرار داد و قانون اساسی را بالاتر از حتی امپراتوران نهاد. این لوح اکنون در گالری گنجینه ی کتابخانه بریتانیا در لندن نگهداری می شود.

فقط آن انجیل که در کنار آیین های مقدس (همانطور که در نسخه ی آلمانی ذکر شده است) تعلیم داده می شود.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که یک کلیسای مقدس³⁸ تا ابد باید پا برجا باشد. این کلیسا جماعت مقدسین است؛ «خداوند را سرودی تازه بسرایید، و ستایش او را در جماعت سرسپردگان» (مزامیر 1:149)، که در آن خلوص انجیل تعلیم³⁹ داده می شود و مقدسات به درستی اجرا می گردند. برای رسیدن به وحدت واقعی کلیسایی کافیت که در مورد تعلیم انجیل و اجرای مراسم مقدس به توافق رسیدیم. اما یکسان بودن سنت های بشری در همه جا، یعنی آداب⁴⁰ و مراسمی که توسط مردان بشر برپاگشته است، ضرورتی ندارد. همانطور که پولس می گوید: "یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛ و یک خدا و پدر همه که فوق همه، در میان همه، و در همه است" (افسیسیان 4:6-5).

ماده ی هشتم: کلیسا چیست؟

ملاحظات: این مقاله به تفصیل ماده ی هفتم پرداخته، واضح می سازد که کلیسا فقط متشکل از ایمان داران به مسیح است، کسانی که به رحمت او تقدیس گشته اند. این بدان معناست که ریاکاران هیچ بخشی از کلیسا نیستند. می توان به اصطلاح کلیسا به مفهوم وسیع و محدود فکر کرد. کلیسا، در اصلاح وسیع تر، استعاره از همه ی آن هایی است که حول کلمه و مقدسات جمع می آیند. و به بیان محدود، کلیسا فقط ایمان داران را در بر می گیرد. دو کلیسا وجود ندارد، یکی «مرئی» و دیگری «نامرئی». در عوض، میدانیم که اینجا روی زمین، کلیسا پنهان است، زیرا ایمان، یا زندگی روحانی تنها با مسیح میسر است؛ «زیرا مرید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است» (کولسیان 3:3). این کلیسای پنهان دارای علائم عینی و آشکاری است که با قطعیت مطلق آن را می شناسند: انجیل و مقدسات مسیح که موعظه و اجرا می گردد.



³⁸ کلمه ی قدیس در کتاب مقدس به ایمان داران روی زمین (اعمال رسولان 23:9؛ رومیان 7:1) و در آسمان (متی 52:27) اشاره دارد. در طول تاریخ کلیسا، از آن برای مشخص کردن یک مکان خاص به عنوان جایی مقدس استفاده شده است (به عنوان مثال، قدیس پولس، قدیس فرانسیس آسیزی). اصلاحات لوتری دعا و عبادت به مقدسین را رد کرد. در کاربرد لوتری، عنوان «قدیس» برای هیچ کس به کار نمی رود، مگر کسانی که قبل از اصلاحات چنین نامیده می شدند.

³⁹ تعلیم، تدریس کردن، تعلیم و آموزه ها. اصولی که توسط یک گروه اجرا و منتشر شده است.

⁴⁰ آداب، آیین، عمل تشریفاتی تجویز شده، یا یک عمل خاص به عنوان بخشی از یک مراسم عبادت رسمی.

به بیان دقیق، کلیسا جماعت مقدسین و ایمان داران حقیقیست. با این حال از آن جا که بسیاری از شروران و منافقان با آنان در این زندگی آمیخته شده اند، استفاده از آیین مقدس توسط مردان شرور بر طبق گفته ی مسیح در متی 23:2: "علمای دین و فریسیان بر مسند موسی⁴¹ نشسته اند"، مجاز است. «عیسی مثل دیگری نیز برایشان آورد: «پادشاهی آسمان همانند مردی است که در مزرعه خود بذر خوب پاشید. اما هنگامی که مردمان در خواب بودند، دشمن وی آمد و در میان گندم، علف هرز کاشت و رفت. چون گندم سبز شد و خوشه آورد، علف هرز نیز ظاهر شد. غلامان صاحب خانه نزد او رفتند و گفتند: "آقا، مگر تو بذر خوب در مزارعها نداشتی؟ پس علف هرز از کجا آمد؟" در جواب گفت: "این کار دشمن است." غلامان از او پرسیدند: "آیا میخواهی برویم و آن ها را جمع کنیم؟" گفت: "نه! اگر بخواهید علفهای هرز را جمع کنید، ممکن است گندم را نیز با آنها از ریشه برکنید. بگذارید هر دو تا فصل درو با هم نمو کنند. در آن زمان به دروگران خواهم گفت که نخست علفهای هرز را جمع کرده دسته کنند تا سوزانده شود، سپس گندم ها را گرد آورده، به انبار من بیاورند." (متی 24-30:13). مقدسات و کلام هر دو به سبب نهاد و فرمان مسیح موثرند، حتی وقتی توسط شریران به کار گرفته شوند.

کلیساهای ما دوناویست ها⁴² و دیگرانی که قانونی بودن خدمت افراد شرور در کلیسا را با اتکا بر غیرمفید و بی اثر بودن خدمت این گونه افراد رد می کنند، محکوم می کنند.

ماده ی نهم: غسل تعمید

ملاحظات: کتاب مقدس تعلیم می دهد که تعمید هدیه ای از جانب فیض خداست که بوسیله ی آن او مزایای زندگی، مرگ و رستائیز مسیح را برای ما به طور شخصی به کار می بندد. از آنجا که خلق جملگی در گناه آبستن و زاده شده اند، همه ی ما محتاج نجاتیم. از آنجا که غسل تعمید طریقت⁴³ خدا برای نجات ماست، نوزادان نیز باید تعمید داده شوند. در دوران اصلاحات نیز درست مانند اکنون، برخی از گروه های مسیحی تعمید را از عمل نجات بخش خدا مبدل به نوعی عمل اطاعت مسیحی کردند. در این دیدگاه از غسل تعمید، رستگاری در واقع از رد گناه اصلی و دیدگاه نیمه پلاژیانی حاصل می آید؛ که به موجب آن، ایمان به عمل نیکی می انجامد که ما اعانه داشته ایم. این مقاله بر آنچه خدا در این آیین مقدس عطا می کند متمرکز است.

⁴¹ قرن پانزدهم پیش از میلاد، [معنی تحت اللفظی: از آب گرفته شدم]، پیامبر عبری از قبیله ی لاوی که اسرائیل را از مصر بیرون آورد (کتاب خروج) و نویسنده ی پنج کتاب اول عهد عتیق [پیدایش الی تثنیه]. پس از اینکه موسی شریعت را از خدا دریافت کرد، پوست چهره اش با نور الهی درخشید (خروج 29: 34-35)؛ ژروم این را به عنوان "شاخ های نور" ترجمه کرد، از این رو بسیاری از هنرمندان موسی را با شاخ به تصویر کشیده اند. اعترافات لوتری گاهی اوقات از نام موسی به معنای شریعت استفاده می نمایند.

⁴² دوناویست (قرن چهارم)، احتمالاً به یکی از دو رهبر آفریقایی شمالی با این نام اشاره دارد: دوناویست مگنوس یا دوناویست کارتاژی. فرقه دوناویست پس از اعتراضات علیه تقدیس سبیلیان به عنوان اسقف کارتاژ شکل گرفت (311). دوناویست ها معتقد بودند که آزار و شکنجه شدن نشانه ی کلیسا است، آیین های مقدسی که توسط شخصی مستحق تکفیر انجام می شود، بی اعتبار است، و کلیسایی که در تکفیر این رهبران کوتاهی می کند، دیگر کلیسای واقعی نیست و غسل تعمید آن نامعتبر است. دوناویست ها معتقد بودند که فقط آن ها کلیسای واقعی هستند.

⁴³ راه، رسم، روش.



در این خصوص کلیساهای ما تعلیم می دهند که تعمید شرط نجات است؛ به همان سان که در مرقس 16:16⁴⁴ می خوانیم، «هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد». «اما چون مهربانی و انسان دوستی نجات دهنده ی ما خدا آشکار شد، ما را نه به سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم، بلکه از رحمت خوی شجاعت بخشید، به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح القدس است؛ که او را به فراوانی بر ما فرو ریخت، به واسطه ی منجی ما عیسی مسیح» (تیتوس 3:4-7). آن ها تعلیم می دهند که کودکان باید تعمید بگیرند، همان سان که در کلام آمده است؛ «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا این وعده برای شما و فرزندانان و همه ی کسانی است که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را فرا خواند» (اعمال 2:38-39). آنان که خود را در تعمید وقف خدا می کنند، به رحمت خدا در می آیند. کلیساهای ما آنابپتیست ها را که منکر تعمید کودکان بوده، بر این باورند که کودکان بدون تعمید نجات را دریافت کرده اند، رد می کنند.

ماده ی دهم: عشای ربانی

ملاحظات: در زمان نگارش اعتراف نامه ی آگسبورگ، اختلافات عمیقی در میان اصلاح طلبان مختلف در خصوص عشای ربانی (شام خداوند) پدیدار گشته بود. لوتریان بسیار مراقب بودند از کسانی که حضور خون حقیقی مسیح در عشای او و تقسیم شدن آن بین تمام افرادی که آن را می خورند و نیز می نوشند رد می کردند، فاصله بگیرند. تغییر ماهیت⁴⁵، هم تراز شدن و برابری کردن، یا هر حدس و گمان انسانی دیگر پرسش اشتباهی را مطرح می سازد: مسیح چگونه حضور دارد؟ لوترانیسم در واقع هیچ نظریه یا توضیح فلسفی ای در مورد چگونگی حضور مسیح ندارد. در عوض، لوتریان اصرار دارند بر چگونگی عشای ربانی پاسخ دهند. ما ایمان داریم، تعلیم می دهیم و اعتراف می کنیم که «عیسی نان را برگرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرد و به شاگردان داد و فرمود: "بگیرید، بخورید؛ این است بدن من." سپس جام را برگرفت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: "همه ی شما از این بنوشید. این است خون من برای عهد جدید که به خاطر

⁴⁴ مارکوس (قرن اول)، مبشر و نویسنده ی انجیل به روایت قدیس مرقس. از یاران رسولان پطرس و پولس (نوم تیموتائوس 11:4).

⁴⁵ استحاله. لاتین: "تبدیل یک ماده به ماده ای دیگر." در تعالیم کلیسای روم، عنصر مادی یا واقعیت اساسی نان و شراب در عشای ربانی با عمل کاهن به بدن و خون عیسی مسیح تبدیل می شود. در عین حال، ظاهر بیرونی، رنگ ها، طعم ها، ابعاد و غیره در آن ها بلا تغییر باقی می ماند.

بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می شود" (متی 26:28-26).⁴⁶ ما هر تعلیمی را که بر خلاف کلام خداوندمان باشد رد می کنیم.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که بدن و خون مسیح به راستی حاضر است و بین افرادی که در شام خداوند آن را دریافت می کنند، تقسیم می شود؛ «آیا جام برکت که به جهت آن شکر می گزاریم، شریک شدن در خون مسیح نیست؟ و آیا نانی که پاره می کنیم، شریک شدن در بدن مسیح نیست؟» (اول قرن‌تیان 16:10). آن‌ها دیگرانی که غیر از این را تعلیم می دهند، رد می کنند.

ماده ی یازدهم: اعتراف

ملاحظات: در زمان اصلاحات، بیش از هزار سال بود که اعتراف به گناهان به طور خصوصی و محرمانه در حضور یک کشیش، یک عمل مقبول برای کلیسا محسوب می گشت. اعتراف خصوصی و دریافت بخشش هرگز چیزی نبود که لوتریان بخواهند آن را به گوشه ای افکنند. بلکه با گذشت زمان، این عمل از بین رفت، اما ماده ی یازدهم آشکارا گمان می برد که اعتراف و بخشش خصوصی در کلیسای لوتری دگر بار برگزار خواهد شد. مسئله ای که این مقاله به آن پرداخته این است که کلیسای روم خواستار یادآوری و اعتراف تمام گناهان بود. این واضحاً از منظر انسانی ناممکن بوده و بخشش ما را وابسته به اعمالمان می نماید. محققان چنین تعلیمی برای وجدانهایی که توبه کرده‌اند، و نیاز به اطمینان راسخ دارند که مسیح تمامی گناهان را می بخشد، خطرناک است.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که بخشش خصوصی باید در کلیساهای نگاه داشته شود، اگرچه ضرورتی ندارد که فهرستی از تمام گناهان تهیه شود. چرا که این طبق مزامیر غیر ممکن می نماید. «کیست که اشتباهات خود را تشخیص دهد؟» (مزامیر 12:19)

⁴⁶ متی (قرن اول) [معنی تحت اللفظی: بخشش خدا] رسول برگزیده ی عیسی (متی 9:13-9). مبشر، نویسنده ی انجیل به روایت قدیس متی. انجیل او بیشترین استفاده را در بین معلمین اولیه ی مسیحی داشت.

ماده ی دوازدهم: توبه

ملاحظات: تعالیم رومی در مورد توبه بارقه ای بود که اصلاحات لوتری را شعله ور ساخت. وقتی لوتر آگاه شد که اعضای جامعه اش به این امید که با پرداخت پول از مجازات خدا برای گناهان جلوگیری کنند، آمرزش گناهان⁴⁷ را می خرند، برافروخته شد.

توبه به معنای «پرداخت» به خدا یا کسب رضایت او از گناه نیست. بلکه بدان معناست که حقیقت گناه خود را بشناسیم و برای رحمت خدا با ایمان به وی روی آوریم. خدا گناه ما را از طریق قانونش آشکار می سازد. او گناه ما را می بخشد و ما را به واسطه ی کلامش به یک رابطه ی درست با خودش باز می گرداند. در حالی که ما شهادت می دهیم ثمره ی توبه وجود دارد، تمرکز انجیل باید واضح باشد: گناهان ما تنها به خاطر مسیح بخشیده می شوند. زندگی ما در مسیح زندگی در توبه است، بازگشت دوباره و چند باره به سر چشمه و منبع تمامی رحمتها نجات دهنده ی ما. عنایت داشته باشید که این مقاله هرگونه تعلیمی را که حاکی از آن باشد که کارهای رضایتبخش ما بخشی از توبه حقیقیست؛ رد می کند. ماده ی دوازدهم در واقع ضربه ی مهلکی به قلب نظام مقدس رومی وارد می سازد.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که برای افرادی که پس از تعمید با وجود این که تبدیل شده اند سقوط می کنند [دچار گناه می شوند]، آمرزش گناهان وجود دارد. کلیسا می بایست به آنان که با اذعان بر تقصیر خویش و توبه⁴⁸ باز می گردند، بخشش عطا کند؛ «خداوند می فرماید، ای اسرائیل بی وفا بازگرد! من بر تو با ناخشنودی نخواهم نگریست، زیرا که من وفادار هستم، و خشم خویش را تا به ابد نگاه نخواهم داشت؛ این است فرموده ی خداوند» (ارمیا 3:12). به بیان دقیق، توبه عبارت از دو بخش است. یک بخش پشیمانی⁴⁹، یعنی وحشتی که با علم بر گناه به وجدان راه می یابد؛ و بخش دیگر ایمان است؛ «ایمان از شنیدن پیام سرچشمه می گیرد و

⁴⁷ ریشه های تعلیم رومی در مورد عیش و نوش به عمل باستانی توبه برمی گردد. همانطور که سیستم توبه ماهیت خود را تغییر داد و آیین توبه ی رومی تکامل یافت، توبه دیگر تنها به عنوان بیان غم و اندوه ناشی از گناه یا حتی به عنوان رفع مجازات کلیسا تلقی نمی شد، بلکه به عنوان رضایت خداوند، کسب شایستگی و جبران گناه تلقی می شد. تا برحسب درجه ی شایستگی، بخشی از آن کیفر موقت گناه (عمدتاً برزخ) که با دریافت آمرزش از میان برده نمی شود، حذف گردد. تخفیف های توبه یا اغماض، تبدیل به تخفیف مجازات های الهی شد که با دادن پول به کلیساهای و صومعه ها، سفرهای زیارتی و گاهی با پرداخت مستقیم به پاسنور یا کشیش حصول می گشت. توبه، از نظر تئوری برای کسب آن ضروری بود.

⁴⁸ توبه در یک مفهوم گسترده، تغییر از حالت شورشی به حالت هماهنگ با اراده ی خدا و از اعتماد به شایستگی انسانی به اعتماد به شایستگی مسیح. شامل پشیمانی و ایمان موجه. گاهی شامل ثمرات توبه نیز می شود؛ در معنای مضیق، ایمان و ثمر شامل آن نمی شوند. وسیله ی توبه کلام خداست (ارمیا 18:31؛ اعمال رسولان 31:5). گاهی معادل اذعان به تقصیر و طلب مغفرت.

⁴⁹ پشیمانی، حرکت قلب قیل از تبدیل، یعنی «این که قلب گناه را درک کند و از خشم خدا بترسد» کتاب مقدس دو حقیقت را در مورد توبه می آموزد: (1) پشیمانی همیشه مقدم بر تبدیل واقعی است. ترس از خشم و لعنت خدا همیشه مقدم بر ایمان است (یونیل 2:12؛ مرقس 1:15؛ لوقا 15:18؛ 13:24؛ اعمال رسولان 37:2؛ 29:16). پشیمانی واقعی فعال نیست، بلکه منفعل است، یعنی اندوه واقعی دل، رنج و درد مرگ. (2) از این نباید نتیجه گرفت که پشیمانی موجب بخشش است (رومیان 3:28). (3) پشیمانی به هیچ وجه از طریق ایمان عادل شمرده شده یا موجب توجیه نمی شود.

شنیدن پیام، از طریق کلام مسیح میسر می شود» (رومیان 17:10). این وجدان را آسوده ساخته، از وحشت می رهاوند. و اعمال نیک در پی خواهد داشت که توبه ثمره ی روح است؛ «اما ثمره ی روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتن داری است. هیچ شریعتی مخالف این ها نیست. آنان که به میح عیسی تعلق دارند، نفس را با همه ی هوس ها و تمایلاتش بر صلیب کشیده اند» (غلاطیان 22-23:5).

کلیساهای ما آناباپتیست ها را که انکار می کنند کسانی که زمانی پارسا شمرده شده اند، ممکن است روح القدس را از دست بدهند، رد می کنند. آن ها همچنین کسانی را که استدلال می ورزند؛ ممکن است برخی در این زندگی به چنان کمالی برسند که نتوانند دست بر گناه برند، رد می کنند. نواتیان⁵⁰ نیز که تعمیدی های سقوط کرده ای که با توبه و اذعان تقصیر به کلیسا باز می گشتند را مورد بخشش قرار نمی دادند، مردود گشته اند.

کلیساهای ما همچنین آن هایی را که تعلیم می دهند، آمرزش گناهان از طریق ایمان حاصل نگشته و امر به کسب شایستگی فیض از طریق رضایت شخصی می کنند، رد می کنند. آن ها همچنین کسانی را که تعلیم می دهند، ارتکاب اعمال رضایت بخش به فرمان قانون کلیسا، برای رفع مجازات ابدی یا برزخ⁵¹ ضروریست، رد می کنند.

ماده ی سیزدهم: کاربرد مقدسات

ملاحظات: خداوند مقدسات را به قوم خویش برای آمرزش، زندگی و نجات آن ها عطا فرمود و این امر در حالی به وقوع می پیوندد که آن ها اعتماد و اطمینان را در مسیح، نجات دهنده، فرا می خوانند. در قرن شانزدهم، کلیسای روم یک سیستم وابسته به مراسم مذهبی پیچیده ایجاد کرده بود؛ طبق این سیستم آیین مقدس به اعمال شایسته ای که توسط کشیشان انجام می شد، مبدل گشته بود. این امر به ویژه در مراسم عشای ربانی⁵² مشهود بود، جایی که کشیشان بارها و بارها مسیح را به نیابت از زندگان و مردگان "قربانی" می کردند. با این حال، کتاب مقدس کلید مقدسات را آشکار می سازد: وعده های خدا. خدا وعده ی کلام خود را به عنصر مقدس - آب، شراب، یا نان - متصل ساخته، به آنان که شام را دریافت می کنند ایمان عطا کرده، آن ایمان را تقویت می نماید.

⁵⁰ گروهی به رهبری نواتیان (قرن سوم)، یک پیشگوی سختگیر رومی. نواتیان با سیاست های ملایم اسقف ها در قبال کسانی که در جریان آزار و شکنجه فرار کردند، اما می خواستند پس از پایان آزار و انیت به کلیسا بازگردند، مخالفت کردند.

⁵¹ در تعلیم کلیسای روم، همه ی کسانی که در این زندگی به تکامل نرسیده اند با آتش در میان زمین و آسمان "پاکسازی" خواهند شد. عشای ربانی و دعاها و کارهای خیر زندگان به درمندان برزخ کمک می کند و از مجازات آنها می کاهد. کسانی که با گناه کبیره می میرند، بدون اعتراف و توبه وارد برزخ نمی شوند، بلکه وارد جهنم می شوند.

⁵² از لاتین missa، احتمالاً از کلمات پایانی عبادت عمومی، "Ite, missa est"، "برو مرخصی". نام قدیمی تری برای عشای ربانی بود که در قرون وسطی رایج ترین نام برای این مراسم در کلیسای غرب شد. لوتری ها، گرچه سوء استفاده های مسلم را بر کنار کرده بودند، مراسم Mass را برگزار می کردند.

کلیساهای ما تعلیم می دهند که مقدسات نه تنها به جهت اعتراف به ایمان در میان بشر منصوب گشته اند، بلکه بیش از آن، شاهد و گواه اراده ی خدا نسبت به ما هستند. آن ها به هدف بیداری و تأیید ایمان در کسانی که آن ها را به کار می گیرند نهادینه گشته اند. بنابراین باید مقدسات را به گونه ای به کار ببریم که منجر به رشد ایمان گردد، ایمانی که به وعده های محقق از طریق مقدسات باور دارد؛ «ای برادران، ما باید همواره خدا را به خاطر وجود شما شکر گوئیم، و سزاوار نیز همین است، زیرا ایمان شما هرچه بیشتر رشد می کند و محبت هریک از شما به یکدیگر فزونی می یابد» (دوم تسالونیکیان 3:1).

از این رو، کلیساهای ما آن هایی که تعلیم می دهند مقدسات صرفاً با اجرای آن تأیید می شود، رد می کنند. آن ها کسانی را که تعلیم نمی دهند ایمانی که به بخشش گناهان معتقد است، مورد نیاز است تا مقدسات به کار برده شوند، رد می کنند.

ماده ی چهاردهم: آیین کلیسا

ملاحظات: هنگامی که این مقاله از «فراخوانی درست» صحبت می کند، به عملکرد تاریخی کلیسا در گماشتن افراد واجد شرایط از نظر شخصیت و الهیاتی در دیوان موعظه و تعلیم انجیل و اجرای مراسم مقدس اشاره دارد. هیچ کس در کلیسا نمی تواند چنین اقتداری را برای خود قائل شود یا به تنهایی چنین اقتدار یا اختیاری را کسب نماید. این خدمت از طریق یک فراخوانی رسمی، عمومی و اداری از سوی کلیسا اعطا می گردد. ارائه ی این مقاله به درک این که اولین فراخوانی به خدمت با دعا و دست گذاری، عملی که به زمان رسولان بازمی گردد، علناً تصویب و تأیید می گردد، کمک شایانی کرد. در اعترافات لوتری، «انتصاب» اصطلاحی است که اغلب به عنوان مختصر هم برای فراخوانی [یا دعوت] و هم برای برگماری به کار برده می شود.

کلیساهای ما تعلیم می دهند که هیچ کس نباید به طور علنی در کلیسا تعلیم دهد یا مراسم مقدس را اجرا کند، بدون این که به درستی فراخوانده⁵³ شده باشد.

⁵³ شغل یا وظایف شخص در برابر خداوند. هر مسیحی تعمید یافته حداقل به یک حوزه خدماتی با مسئولیت های خاص فراخوانده شده است، خواه به عنوان مادر یا پدر، پسر یا دختر، مهندس، معلم، شهروند، کارمند و غیره. از طریق کلیسا، خدا مردان را به عنوان کشیش به خدمت فرا می خواند. به آن حرفه نیز گفته می شود.

ماده ی پانزدهم: مراسم کلیسا

ملاحظات: لوترانیسم سنت های تاریخی نیک کلیسا، به ویژه سنت های کلیسای غربی را در بر می گیرد. این ها شامل مواردی مانند پیروی از الگوی سال کلیسایی، خوانش کتاب مقدس، آیین منظم عبادی⁵⁴، اعیاد و روزهای خاص، پوشیدن لباس های مشخص توسط روحانیون، و استفاده از شمع، صلیب، و اشیاء دیگر است. همان طور که این مقاله کاملاً آشکار می سازد، در کلیسای لوتری، آیین ها، تزئینات یا سنت ها هرگز برای فرونشاندن خشم خدا یا جلب بخشش گناهان مورد استفاده قرار نمی گیرند و به این منظور پیروی نمی شوند. لوتریسم سنت های بیهوده و مضر، مانند نذر رهبانی و اصرار بر پخت و تناول برخی غذاها در ایام خاص را از کلیسا حذف کرد.



کلیساهای ما تعلیم می دهند، مراسمی که عدم ارتکاب گناه در آن رعایت شود می تواند بر پا گردد. همچنین سایر مراسم و اعمالی که برای آرامش کلیسا و رسم نیک کلیسا مفید هستند (به ویژه ایام مقدس، اعیاد و امثال آن ها) باید نگاه داشته شوند. با این حال، به مردم تعلیم داده می شود که نباید مورد محکومیت قرار گیرند، چنان که گویی رعایت چنین چیزهایی برای رستگاری ضرورت دارد. «پس مگذارید کسی در خصوص آنچه می خورید و می آشامید، یا در خصوص نگاه داشتن اعیاد و ماه نو و روز شبات، محکومتان کند. این ها تنها سایه ی امور آینده بود، اما اصل آن ها در مسیح یافت می شود» (کولسیان 2: 16-17). همچنین به آن ها تعلیم داده شده است که سنت های بشری که برای آشتی⁵⁵ خدا، شایستگی فیض و امتناع از گناه نهادینه شده اند، برخلاف انجیل و تعلیم ایمان می باشند. بنابراین نذور و سنت های مربوط به گوشت ها و روزها و سایر، که به جهت کسب شایستگی فیض و امتناع از ارتکاب گناهان نهادینه شده اند، غیر ضروری و برخلاف انجیل هستند.

ماده ی شانزدهم: هیئت مدنی

⁵⁴ به یونانی leitourgia ، "خدمات عمومی"، در معنای محدود تر، آیین عبادی به معنای ترتیب خدمات مراسم عبادی ربانی است. در معنای وسیع تر، این اصطلاح به معنای کل سیستم عبادت رسمی است.

⁵⁵ به یونانی katallage (رومیان 11: 5)؛ اغلب به معنای "آشتی" (رومیان 5: 10؛ دوم قرنتیان 19: 5). این کلمه به درستی منعکس کننده ی یک میانه متقابل از طرف هایی است که قبلاً از هم جدا شده اند. عمل خدا در مسیح برای آمرزش گناه به منظور بازگرداندن رابطه بین خود و مخلوقات سقوط کرده اش.

ملاحظات: برای لوتریان وضوح بخشیدن به متفاوت بودن اعتقاداتشان از اصلاح طلبان رادیکال قرن شانزدهم، اهمیت داشت. برخی از این رادیکال ها همه ی اشکال نظم و اقتدار را، چه در کلیسا و چه در ایالت، رد کردند، آن ها حتی خانه ها و خانواده های خود را رد کردند تا «فرا معنوی» شوند. این مقاله به تعلیم دو پادشاهی کتاب مقدس اشاره می کند، راهی برای صحبت در مورد مراقبت روحانی خدا از ما توسط کلیسا و به طور موقت از طریق نظام های گوناگون در جامعه: عمدتاً خانه و دولت. مسیحیان خواندگی های مختلف خود را در زندگی در خدمت به خدا و هموعان خود به کار می گیرند و این کار را در موقعیت ها یا وضعیت هایی انجام می دهند که خداوند آن ها را برای به انجام رسانیدن آن فراخوانده است.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که قوانین و مقررات مدنی، کارهای نیک خدا هستند. آن ها تعلیم می دهند که داشتن منصب سیاسی، خدمت به عنوان قاضی، قضاوت مسائل بر اساس قوانین امپراتوری و سایر قوانین حاضر، اعمال مجازات عادلانه، شرکت در جنگ های عادلانه، خدمت به عنوان سرباز، عقد قراردادهای قانونی، نگهداری دارایی، ادای سوگند در صورت لزوم قضاوت، ازدواج یک مرد با یک زن، یا این که زنی به عقد مردی درآید، حق مسیحیان است. (رومیان 13)؛ «به سبب بی عفتی های موجود، هر مردی باید زن خود را داشته باشد و هر زنی شوهر خود را» (اول قرنتیان 2:7).

کلیساهای ما آناباپتیست ها را که مسیحیان را از این مناسک سیاسی منع می نمایند، رد می کنند. آن ها همچنین کسانی را که کمال انجیلی⁵⁶ را در ترس از خداوند و ایمان ندانسته، بلکه آن را در ترک منصب سیاسی گنجانده اند، محکوم می کنند. «زیرا در دل است که شخص ایمان می آورد و پارسا شمرده می شود، و با زبان است که اعتراف می کند و نجات می یابد» (رومیان 10:10). در عین حال نیازی به تخریب دولت مدنی یا خانواده ندارد. انجیل خیلی بیشتر ایجاب می کند که آن ها به عنوان احکام خدا نگاه داشته شوند و عشق در چنین احکامی تجربه شود.

بنابراین بر مسیحیان واجب است که مطیع حاکمان و قوانین آن ها باشند. تنها استثنا مشمول آن هنگام است که حاکمین امر به گناه کنند. «زیرا خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد» (اعمال 29:5).

ماده ی هفدهم: بازگشت مسیح برای داوری

ملاحظات: این مقاله دیدگاه کتاب مقدس را در مورد زمان های آخر تایید می نماید. و به صراحت هر گونه گمانه زنی یا دیدگاهی را در مورد حکومت مومنان بر جهان پیش از رستاخیز نهایی

⁵⁶ انجیلی. (به یونانی euangelion، "خبر خوب") این اصطلاح به معنای "وفادار به انجیل عیسی مسیح" است. اصلاحات لوتری انجیلی بود زیرا بر تعلیم و آموزه ی کفار ی گناه مسیح تاکید داشت.

مردگان رد می‌کند. همچنین تمامی نظریه‌های مربوط به حکومت زمینی «هزارساله» مسیح را به جهت مغایرت با کلام خدا رد می‌کند.



کلیساهای ما تعلیم می‌دهند که در پایان جهان مسیح برای داوری حاضر خواهد شد و مردگان در وی برخوانند خواست. «ای برادران، نمی‌خواهیم از حال خفتگان بی‌خبر باشید، مبادا همچون دیگر مردمان که امیدی ندارند، به ماتم بنشینید (اول تسالونیکیان 4:13)». «زیرا خود نیک می‌دانید که روز خداوند همچون دزدی که شب هنگام می‌آید، فرا خواهد رسید» (اول تسالونیکیان 2:5). او خداشناسان و برگزیدگان را زندگی ابدی و شادی جاودان خواهد بخشید، اما خداشناسان و شریران را محکوم کرده به آتش جاودانی خواهد فرستاد. «هنگامی که پسر انسان با شکوه و جلال خود به همراه همه ی فرشتگان بیاید، بر تخت پرشکوه خود خواهد نشست و همه ی قوم‌ها در برابر او حاضر خواهند شد و او همچون شبانی که گوسفندها را از بزها جدا می‌کند، مردمان را به دو گروه تقسیم خواهد کرد؛ گوسفندان را در سمت راست و بزها را در سمت چپ خود قرار خواهد داد. سپس به آنان که در سمت راست او هستند خواهد گفت: «بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من، و پادشاهی ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود. زیرا گرسنه بودم، به من خوراک دادید؛ تشنه بودم، به من آب دادید؛ غریب بودم، به من جا دادید. عریان بودم، مرا پوشانیدید؛ مریض بودم، عیادت کردید؛ در زندان بودم، به دیدارم آمدید.» آنگاه پارسایان پاسخ خواهند داد: «سرور ما، کی تو را گرسنه دیدیم و به تو خوراک دادیم، یا تشنه دیدیم و به تو آب دادیم؟ کی تو را غریب دیدیم و به تو جا دادیم و یا عریان، و تو را پوشانیدیم؟ کی تو را مریض و یا در زندان دیدیم و به دیدارت آمدیم؟» پادشاه در پاسخ خواهد گفت: «آمین، به شما می‌گویم، آنچه برای یکی از کوچکترین برادران من کردید، در واقع برای من کردید.» آنگاه به آنان که در سمت چپ او هستند خواهد گفت: «ای ملعونان، از من دور شوید و به آتش جاودانی روید که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است، زیرا گرسنه بودم، خوراکم ندادید؛ تشنه بودم، آبم ندادید؛ غریب بودم، جایم ندادید؛ عریان بودم، مرا نپوشانیدید؛ مریض و زندانی بودم، به دیدارم نیامدید.» آنان پاسخ خواهند داد: «سرور ما، کی تو را گرسنه و تشنه و غریب و عریان و مریض و در زندان دیدیم و خدمت نکردیم؟» در جواب خواهد گفت: «آمین، به شما می‌گویم، آنچه برای یکی از این کوچکترین‌ها نکردید، در واقع برای من نکردید.» پس آنان به مجازات جاودان داخل خواهند شد، اما پارسایان به حیات جاودان. (متی 25:46-31).

کلیساهای ما آنابابتیست‌ها را که می‌پندارند مجازات محکومین و شیاطین روزی به آخر خواهد رسید محکوم می‌نمایند. کلیساهای ما همچنین آنانی را که عقاید یهودیان⁵⁷ را نشر می‌دهند که پیش از رستخیز مردگان، خدا پرستان پادشاهی جهان را تصاحب کرده و بی‌خدایان در همه جا سرکوب خواهند شد، محکوم و رد می‌کنند.

⁵⁷ نوادگان قبیله ی اسرائیلی یهودا و سایر بنی اسرائیل که از رهبری یهودا پیروی کردند. مریم و عیسی از این قبیله بودند. از آنجایی که رهبری یهود عیسی را به عنوان خدا رد کرد، تضاد بین یهودیان و مسیحیان از دیرباز وجود داشته است.

ماده ی هجدهم: اراده ی آزاد

ملاحظات: در زمان اصلاحات، کلیسای روم به طور کامل یک تعلیم نادرست و بالقوه لعن آور را توسعه داده بود، تعلیمی که بیان می داشت یک شخص می تواند تا حدی با تلاش خود، رحمت خدا را دریافت نماید. ماده ی هجدهم بر تعلیم کتاب مقدس تأکید می ورزد که مردم، بدون لطف خدا، کاملاً در درک چیزهای معنوی ناتوان هستند. طولانی ترین نقل قول از یک پدر کلیسا در اعتراف نامه ی آگسبورگ در اینجا آمده است. این نقل قول در ماده ی هجدهم، برخلاف اشتباه رومی نشان دهنده ی تداوم لوترانیسم با کلیسای کاتولیک است. آگوستین تعالیم کتاب مقدس را منعکس می سازد، بر این اساس که در حالی که ما انسان ها می توانیم مرتکب اعمالی که عدالت مدنی نامیده می شوند شویم، گرچه ممکن است این ها به "نیکی" یاد شوند، از نظر روحی اما شرور و دشمن خدا هستیم. با این حال، خدای مهربان ما در مسیح، دیوار خصومتی که بین ما و خودش جدایی افکنده را در هم می شکند. او با روح خود، از طریق کلامش، عدالت کامل مسیح را به عنوان هدیه به ما می بخشد. در امور بیرونی و دنیوی، ما از آزادی تصمیم گیری بر اساس عقل انسانی برخورداریم، اما این به آن معنا نیست که جدا از فیض خدا، در مسائل زندگی ابدی نیز قدرت های مشابهی داریم.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که اراده ی یک فرد در گزینش (انتخاب) عدالت مدنی و ارتکاب افعال عقلانی، دارای آزادی است. تنها اراده ی انسان بدون دخالت روح القدس هیچ قدرتی برای اعمال عدالت خدا که همان عدالت روحانی است، ندارد. «اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره ی آن ها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است» (اول قرن تیان 14:2). این عدالت با دریافت روح القدس به واسطه ی کلام در قلب ها عمل می کند. «فقط می خواهم این را بدانم: آیاروح را با انجام اعمال شریعت یافتید یا با ایمان به آنچه شنیدید؟ آیا تا این حد نادانید که با روح آغاز کردید و اکنون می خواهید با تلاش انسانی به مقصد برسید؟ آیا همه ی آن چیز ها بیهوده بر شما گذشته است؟ مگر این که به راستی بیهوده باشد! آیا خدا از آن جهت روح را به شما عطا می کند و معجزات در میان شما ظاهر می سازد که اعمال شریعت را به جا می آورید، یا از آن رو که به آنچه شنیدید ایمان دارید؟ چنانکه ابراهیم به خدا ایمان آورد و این ایمان برایش

پارسیایی شمرده شد» (غلاطیان 2-6:3). این همان چیزی است که آگوستین قدیس⁵⁸ در کتاب سوم Hypognosticon⁵⁹ می‌گوید:

ما به همه ی مردمان اراده ی آزاد عطا کردیم تا دآوری عقلانی داشته باشند، این بدان معنا نیست که آن ها از طریق اراده ی آزاد خود و بدون خدا قادرند امور خدا را آغاز کرده یا آن ها را تکمیل نمایند. بلکه فقط در امور مربوط به اعمال دنیوی از این آزادی برخوردارند، خواه نیک یا شر. من آن اعمال یا رفتار را که از سرشت نیکو سرچشمه می‌گیرند نیک می‌نامم، همچون میل به کار در مزرعه، خوردن و آشامیدن، داشتن دوست، پوشیدن لباس آراسته، ساختن خانه، ازدواج با یک زن، دامپروری، آموختن هنرهای مفید مختلف یا هر نیکویی دیگری که در این زندگی وجود دارد. زیرا تمامی

این ها بسته به مشیت الهی⁶⁰ است. آن ها از سوی او هستند و به واسطه ی او وجود دارند. و آن اعمال که مشتاق بت پرستی، ارتکاب قتل و سایر پلییدی ها هستند، شر می‌نامم.

کلیساهای ما پلاژیان ها و سایرینی که تعلیم می‌دهند ما بدون روح القدس، تنها با قدرت طبیعی خود قادریم که خداوند را بیش از هر چیز دوست داشته، احکامش را طبق رسالات انجام دهیم، محکوم می‌کنند. اگرچه سرشت و وجدان راهی درست برای انجام اعمال خارجی (مانند حفظ دستان از ارتکاب دزدی و قتل) است؛ اما نمی‌تواند احساسات درونی مانند ترس از خدا، توکل به خدا، پاکدامنی، صبر و امثال آن ها را ایجاد نماید.

ماده ی نوزدهم: عامل گناه

⁵⁸ از پدران اولیه ی کلیسا، (354-430) معلم و فیلسوف مشهور مسیحی آفریقایی شمالی. پدری بت پرست، مادری مسیحی (مونیکا) داشت. به فرقه مانوی پیوست. تحت تاثیر امبروز در میلان، در حین مطالعه ی کتاب رومیان (386) مسیحی شد. سال بعد غسل تعمید گرفت. به شمال آفریقا بازگشت، ارث خانوانگی را فروخت و صومعه ای با مدرسه روحانی تاسیس کرد. اسقف (396). به شدت با بدعت های پلاگیان، نوناتیست و دیگران مبارزه کرد. نوشته های او اساس الهیات غربی بود تا این که تحت الشعاع اسکلاستیسیسم قرار گرفت. آگوستین پارسا شمرده شدن را از طریق فیض آموخت، اما فقط برای برگزیدگان. لوتر به زاهدان آگوستین پیوست و نوشته های آگوستین را مطالعه کرد. لوتر از الهیات آگوستین جدا شد تا تنها بر کتاب مقدس تاکید کند. دیدگاه های آگوستین در مورد جبر تاثیر زیادی بر جان کالوین و الهیات اصلاح شده گذاشت.

⁵⁹ نام کتاب به یونانی، ترجمه ی تحت اللفظی: "hypo" به معنای "زیر" و "gnosis" به معنی "دانش" یا "معرفت". بنابراین، معنای اصطلاحی این واژه "معرفت زیرین" یا "معرفت از پایین" می‌باشد.

⁶⁰ فعالیت خداوند که به موجب آن او بی وقفه خلقت بی‌جان، حیات گیاهی، حیات حیوانی، دنیای انسان ها و هر آنچه را که به انسان ها مربوط می‌شود، بهشت، جهنم - در واقع همه چیز - را حفظ، نگهداری، اداره و هدایت می‌کند، (به ایوب 5-6:9 ؛ مزبور 13-14:104 ؛ 15:145 ؛ 139:1 ؛ 15:31 ؛ لوقا 12: 6-7 ؛ عبرانیان 1-3:1 مراجعه کنید).

ملاحظات: تقصیر گناه تنها بر عهده ی شیطان و ماست نه خدا. جدا از رحمت خدا در مسیح، هیچ امیدی برای شریر نیست. سال ها پس از نگارش اعتراف نامه ی آگسبورگ، برخی از لوتریان به منظور تأکید بر عمق وضعیت گناه آلود بشر، به این نکته اشاره می کنند که گناه از ذات بشر است. در نتیجه ی این تعلیم ناقص این خداوند است که مسئول و در واقع خالق گناه می شود. گناه یک فساد عمیق است که در خلقت خدا وارد آمده و کاملاً تقصیر بشر است.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که گرچه خداوند سرشت را آفریده حفظ می نماید، لیکن عامل گناه در شریران - که همچنین دارای اراده هستند - شیطان و افراد بی خدا می باشند. بدون کمک خدا این اراده از خدا روی بر می گرداند. «شما به پدران ابلیس تعلق دارید و در پی انجام خواسته های اوید. او از آغاز قائل بود و با حقیقت نسبتی نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. هرگاه دروغ می گوید از ذات خود می گوید؛ چرا که دروغگو و پدر همه ی دروغ هاست» (یوحنا 44:8).

ماده ی بیستم: اعمال نیک

ملاحظات: این یک مقاله ی کلیدی دیگر در اعتراف نامه ی آگسبورگ است. مقاله ی بیستم جزئیات بیشتری را در مورد ایمان و اعمال نسبت به آنچه قبلاً نوشته شده بود ارائه می دهد. لوتریان بر این حقیقت کتاب مقدس که اعمال نیکمان موجبات نجات ما را فراهم نمی آورند، اصرار می ورزند. از این رو گاهی متهم به مخالفت با اعمال نیک می گردند. این مقاله تعلیم روشن کتاب مقدس را بیان می دارد که اعمال نیک ثمره ی ایمان است، نه دلیل و سبب نجات ما. سرود لوتری "نجات به سوی ما آمده است" خلاصه ای کوتاه و پر قدرت از این حقایق اساسی انجیل ارائه می دهد:

ایمان تنها به صلیب عیسی وفادار است

و بی وقفه در او آرام می گیرد.

و از ثمره ی آن ایمان واقعی با عشق و امید روزافزون شناخته می شود.

زیرا تنها ایمان است که می تواند پارسایی آورد.

اعمال در خدمت همسایه است و

گواه ایمان زنده.

(ترجمه از پل اسپراتوس، 1484-1531؛

سرود لوتری، تقویت معنایی 1941).

رم همچنان اصرار دارد که نجات بشر از جانب فیض خدا است، اما نه تنها از طریق ایمان. این تعلیم به طرز خطرناکی مردم را به این باور سوق می دهد که قادرند، حتی محدود، در راه نجات خود مشارکت نمایند. این امر تمرکز آن ها را از مسیح و شایستگی های وی به اعمال خودشان منحرف می سازد. هنگامی که مردم به بزرگی گناه خود پی می برند و در شگفتی می افتند که آیا در واقع اعمالشان

برای کسب شایستگی یا سزاواری لطف خدا " کافی" است یا نه، به ناامیدی، تردید و عدم اطمینان هدایت می گردند. پس از بیان تمایز مناسب کتاب مقدس بین ایمان و اعمال نیک، اعترافات آگسبورگ به وضوح بیان می دارد که اعمال نیک ما ضروری هستند، نه برای شایستگی فیض، بلکه به این دلیل که این اراده ی خدا برای زندگی ماست. عطای خدا که ایمان نجات بخش است، ما را قادر می سازد تا مرتکب اعمال نیک شویم.



معلمین ما به اشتباه متهم به نهی از ارتکاب اعمال نیک شده اند. رسالات نشر یافته ی آن ها در مورد ده فرمان⁶¹ و سایر موارد مشابه گواهی می دهد که آن ها به نحو مفیدی در مورد همه ی دارایی ها و مکلفات زندگی تعلیم داده اند. آن ها به خوبی تعلیم داده اند که در هر کار و موقعیتی باید رضایت خدا باشد. پیش از این واعظان بسیار کمتر در مورد این چیزها تعلیم می دادند. آن ها فقط به ارتکاب اعمال کودکانه و بیهوده مانند ایام مقدس مخصوص، روزه های مخصوص، برادری، زیارت اعتاب مقدسه، مراسم بزرگداشت مقدسین، استفاده از تسبیح⁶²، رهبانیت⁶³ و امثال این ها، تشویق می کردند. از آن جا که دشمنان ما حول این محورها بودند، این عادات قدیمی اکنون تا قسمتی فراموش شده اند و این اعمال بیهوده دیگر همچون گذشته موعظه نمی شوند. سابقاً سکوت خیره کننده ای در خصوص ایمان حکم فرما بود، لیکن اکنون واعظین شروع به نام بردن از آن کرده اند. آن ها دیگر تعلیم نمی دهند که ما فقط به واسطه ی اعمال پارسا شمرده می شویم بلکه ایمان و عمل را در هم آمیخته می گویند، ما به وسیله ی ایمان و عمل است که پارسا شمرده می شویم. این از تعالیم پیشین قابل اعتمادتر است و قادر است تسلی بیشتری نسبت به تعالیم کهن به همراه آورد. تعلیم درباره ی ایمان که می بایست تعلیم اصلی کلیسا باشد، برای مدت ها ناشناخته باقی ماند. همه باید معترف گردند که در موعظه هایشان، عمیق ترین سکوت در مورد پارسایی ایمان بود و آن ها در کلیساها درباره ی ایمان تنها در خصوص اعمال تعلیم می دادند. به همین سبب است که معلمین ما به کلیساها در خصوص ایمان به این شیوه تعلیم می دهند.

اولاً، آن ها تعلیم می دادند که اعمال ما نمی توانند موجب آشتی⁶⁴ خدا با ما شوند یا ما را شایسته ی آمرزش گناهان و فیض و پارسایی نمایند. بلکه ما این آشتی را تنها به واسطه ی ایمان بدست می آوریم. وقتی که ایمان داریم به واسطه ی کار مسیح مورد رحمت قرار گرفته ایم. «زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح است؛ او که با دادن جان خود، بهای رهایی⁶⁵ جمله آدمیان را پرداخت» (اول تیموتائوس 2:5)؛ تا پدر به واسطه ی او آشتی کند. بنابراین «شما که می کوشید با اجرای شریعت پارسا شمرده شوید، از مسیح بیگانه شده و از

⁶¹ ده فرمان (یونانی *deka logoi*، "ده کلمه"، قانون اخلاقی اساسی که توسط خدا به موسی در کوه سینا داده شد: ده فرمان (خروج ۱۹؛ تثنیه ۵).

⁶² تسبیح، رشته ای از تسبیح و ابزار عبادتی که در کلیسای روم از آن استفاده می شد. 150 مهره ی کوچک تر که با قرار دادن پانزده مهره ی بزرگ تر به پانزده گروه به نام ده تقسیم می شوند. عبادت به طرق مختلف آغاز و پایان می یابد. همانطور که مهره ها لمس می شوند، برای هر مهره ی کوچک یک Ave Maria (سلام مریم) و برای هر مهره ی بزرگ تر یک دعای خداوند خوانده می شود. افراط به طور سنتی با خواندن تسبیح مرتبط است.

⁶³ راهبان، اشاره به افرادی که زندگی خود را وقف صومعه کرده، در تجرد می مانند.

⁶⁴ ارجاع به (کفار ۳) کفار، عمل آشتی و احیای روابط دوستان.

⁶⁵ یا فدیة.

فیض به دور افتاده اید» (غلاطیان 4:5). چنین فردی با این کار از نیروی انسانی بدون مسیح راهی به خدا می جوید، در حالی که عیسی خود گفته است: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس جز به واسطه ی من، نزد پدر نمی آید» (یوحنا 6:14).

این تعلیم در خصوص ایمان همه جا توسط پولس ارائه شده است: «زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته اید و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست» (افسیان 8:2). حال اگر کسی بخواهد حقه بزند و بگوید که تفسیر جدیدی از پولس کشف کرده ایم، شهادت پدران کلیسا به خوبی پشتیبان کل این موضوع خواهد بود. آگوستین در مجادلات فراوانی از فیض و عدالت از طریق ایمان در برابر شایستگی از طریق اعمال دفاع کرده است. امبروز نیز در کتابش به نام "the Calling of the Gentiles" ⁶⁶ می نویسد:

اگر پارسا شمره شدن که از راه فیض حاصل می گردد، به سبب شایستگی های پیشین باشد، رستگاری از طریق خون مسیح ارزش بسیار کمی خواهد داشت و فیض و رحمت خدا از اعمال انسان پیشی نمی گیرد. بنابراین پارسایی هدیه ی رایگان عطا کننده اش محسوب نگشته، بلکه تنها دستمزدی است که به کارگر تعلق می گیرد.

افراد عاری از تجربه ی روحانی این تعلیم را خوار می شمارند. با این حال وجدان های خدا ترس و مضطرب تجربه مند می گردند و این بزرگترین تسلی را به ارمغان می آورد. زیرا وجدان را نمی توان از طریق هیچ عملی تسلی بخشید بلکه تنها با ایمان. هنگامی که در این اطمینان به سر می برد که به خاطر مسیح خدایی بخشنده دارد. همان طور که پولوس تعلیم می دهد، «پس چون از راه ایمان پارسا شمرده شده ایم، به واسطه ی خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم» (رومیان 1:5). تمامیت این تعلیم باید با درگیری وجدان وحشت زده مرتبط باشد و نمی تواند جدا از درگیری مذکور قابل درک گردد. بنابراین افراد بی تجربه و هتاک در این خصوص قضاوت ضعیفی دارند زیرا در عالم رویا می بینند که عدالت مسیحی چیزی جز عدالت مدنی و فلسفی نیست.

تا به حال وجدان ها درگیر "اعمال" بودند. آن ها تسلی انجیل را نشنیدند. وجدان ها عده ای را در سودای یافتن فیض از طریق زندگی رهبانی به صحراها و صومعه ها کشیدند. عده ای برای استحقاق فیض و بخشش گناهان دست به اعمال دیگری زدند. به همین سبب است که نیاز به تعلیم و تجدید آموزه هایمان به مسیح بسیار زیاد بود، تا وجدان های مضطرب بی تسلی نمانند. بلکه آگاه باشند که فیض، آمرزش گناهان و پارسا شمرده شدگی با ایمان به مسیح دریافت می گردد.

همچنین به مردم هشدار داده شده که اصطلاح ایمان به معنای آگاهی از یک تاریخ نیست؛ «تو ایمان درای که خدا یکی است. نیکو می کنی! حتی دیوها نیز این گونه ایمان دارند و از ترس به خود می لرزند» (یعقوب 19:2) ⁶⁷. بلکه به معنای ایمانیست که نه صرفاً به تاریخ، بلکه به تأثیر آن نیز معتقد است. به عبارت دیگر به این ماده معتقد است: آمرزش گناهان. ما به خاطر مسیح فیض، عدالت و آمرزش گناهان را داریم.

کسی که می داند پدری دارد که به واسطه ی مسیح به او لطف دارد، حقیقتاً خدا را می شناسد؛ «اگر مرا می شناختید، پدر مرا نیز می شناختید؛ اما پس از این او را می شناسید و او را دیده اید» (یوحنا 7:14). وی همچنین می داند که خدا به فکر اوست؛ «همه ی نگرانی های خود را به او بسپارید زیرا او به فکر شما هست.» (اول پطرس 7:5) و نام او را می خواند «زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات

⁶⁶ ترجمه ی تحت اللفظی نام کتاب: فراخوانی غیر یهودیان.

⁶⁷ یعقوب (۲۰۰۶ تا ۱۸۵۹ پیش از میلاد) پسر اسحاق و بزرگ خاندان اسرائیل. خدا نام اسرائیل [او با خدا مبارزه می کند] را بر او نهاد (پیدایش 32:22-32). نویسنده ی کتاب یعقوب از عهد جدید.

خواهد یافت» (رومیان 13:10). در یک کلام، او همچون بت‌ها فارغ از خدا نیست. زیرا شیاطین و بی‌خدایان نمی‌توانند آمرزش گناهان را باور کنند. «زیرا طرز فکر انسان نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم‌ببرد.» (رومیان 7:8) و او را نمی‌خوانند «هیچ کس فهم نیست، هیچ کس جویای خدا نیست. همه گمراه گشته‌اند، و با هم باطل گردیده‌اند. نیکوکاری نیست، حتی یکی» (رومیان 12:3-11). چنین افرادی نمی‌بایست انتظار هیچ خیری نیز از خدا داشته باشند. آگوستین هم به خوانندگان در مورد کلمه‌ی ایمان هشدار می‌دهد و همچنین تعلیم می‌دهد که این اصطلاح در کتاب مقدس به کار برده شده است، نه برای آگاهی‌ای که در بی‌خدایان است [آگاهی از وجود خدا]، بلکه برای اطمینانی که ذهن وحشت زده را تسلی بخشیده، تقویت می‌نماید.

علاوه بر این تعلیم می‌دهد که ارتکاب اعمال نیک ضروریست. این بدان معنا نیست که ما به وسیله‌ی اعمال نیکمان شایسته‌ی فیض گشته‌ایم، بلکه خدا این را از پیش مهیا کرده است؛ «زیرا ساخته‌ی دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آن گام برداریم» (افسیان 10:2).

دریافت آمرزش گناهان تنها از طریق ایمان است و نه هیچ چیز دیگر. روح القدس از طریق ایمان اعطا می‌گردد، دل‌ها تجدید شده، مهری تازه در آن‌ها جای می‌گیرد و سپس قادر به پیش بردن اعمال نیک می‌گردند. امبروز می‌گوید: «ایمان مادر اراده‌ی نیک و ارتکاب فعل صحیح است. انسان‌ها بدون روح القدس سرشار از امیال خدانشناس‌اند. آن‌ها ضعیف‌تر از آنند که مرتکب اعمال خدا پسندانه شوند؛ «من تاک هستم و شما شاخه‌های آن. کسی که در من می‌ماند و من در او، میوه‌ی بسیار می‌آورد؛ زیرا جدا از من، هیچ نمی‌توانید کرد» (یوحنا 5:15). از این گذشته آن‌ها تحت قدرت شیطان هستند، او که بشر را به گناهان بسیار و عقاید خدانشناسانه سوق داده درهای جرم و جنایت را بر وی می‌گشاید. این نمونه را می‌توانیم در فیلسوفان به خوبی مشاهده کنیم، افرادی که علی‌رغم تلاش بسیار برای زیستن حیاتی صادقانه نمی‌توانند فائق آیند. بلکه به وسیله‌ی جنایات آشکار و بسیار، آلوده گشته‌اند. عاری از ایمان و روح القدس چنین است ضعف بشر، وقتی توسط قدرت بشر اداره گردد.

بنابراین به راحتی می‌توان دریافت که این تعلیم را نباید متهم به منع از اعمال نیک کرد. در عوض بیش از پیش قابل ستایش است، زیرا ناتوانی ما در ارتکاب اعمال نیک را به تصویر می‌کشاند. «اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره‌ی آن‌ها تنها از دیدگاه روحانی میسر است» (اول قرن‌تینان 14:2). بدون ایمان، انسان نفسانی خدا را نخوانده، در وی انتظاری نکشیده، صلیب بر نگرفته بر دوش نمی‌کشد؛ عیسی می‌گوید: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید» (متی 24:16). در عوض طبیعت انسانی یاری‌اش را از جانب انسانی دیگر جسته بر آن‌ها اعتماد می‌ورزد. بنابراین هنگامی که ایمان و توکل بر خدا نیست، انواع شهوات و نیات انسانی در دل حاکم است؛ «و خداوند دید که شررات انسان بر زمین بسیار است، و هر نیت اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است و بس» (پیدایش 5:6). به همین سبب است که مسیح گفته است: «جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد» (یوحنا 5:15)؛ و به همین سبب است که کلیسا در سرودهایش می‌خواند:

بدون لطف الهی تو

چیزی در انسان یافت نمی‌شود،

انسانی که هیچ چیز در او بی‌ضرر نیست.

ماده ی بیست و یکم: عبادت مقدسین

ملاحظات: کلیسای اولیه از کسانی که به ایمان خود اعتراف می کردند و گاهی اوقات در راه آن حتی جان هم می دادند، قدردانی می کرد. با این حال، فساد عمیقی در کلیسا در رابطه با عزتی که به مقدسین نهاده می شد، ریشه دوانده بود، که نتیجه ی آن چیزی بود که فقط می توان آن را همچون عبادت بت پرستان وصف و بیان کرد. کسانی که در ایمان پیش از ما رفته اند، باید با توجه به موقعیت ها و خواندگی های مختلف ما در زندگی مورد تکریم و تقلید قرار گیرند و از آن ها همواره یاد آوری گردد. این بدیهی است. با این حال، این تعلیم که باید به مقدسین دعا کرد و برای کمک از آن ها درخواست کرد، به وضوح مغایر کتاب مقدس است. هیچ فرمان، مثال، و هیچ وعده ای⁶⁸ در کتاب مقدس وجود ندارد که نشان دهد ما باید به برادران و خواهران درگذشته ی خود در مسیح دعا کنیم.



کلیساهای ما تعلیم می دهند که پیشینه ی مقدسین ممکن است پیش روی ما قرار داده شود تا بتوانیم بر حسب خواندگی خود از ایمان و اعمال نیک آن ها الگو برداری کنیم. به عنوان مثال، امپراتور ممکن است از داوود⁶⁹ (دوم سموئیل) در جنگ برای بیرون راندن ترک ها⁷⁰ از کشورش پیروی کند. زیرا هر دو پادشاه هستند. اما کتاب مقدس تعلیم نمی دهد که ما باید نام مقدسین را [در سختی] بخوانیم یا از مقدسین کمک بخواهیم. کتاب مقدس تنها یک مسیح را به عنوان واسطه، قربانی کفار، کاهن اعظم و شفیع در برابر ما قرار می دهد؛ «زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح است؛ او که با دادن جان خود، بهای رهایی جمله ی آدمیان را پرداخت. بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد» (اول تیموتائوس 2: 5-6).
تنها باید به درگاه او دعا کرد. اویی که وعده داده است دعای ما را خواهد شنید؛ «و هر آنچه در نام من درخواست کنید، من آن را انجام خواهم داد، تا پدر در پسر جلال یابد» (یوحنا 13: 14). این عبادتی⁷¹ است که او بالاتر از همه ی عبادت ها می داند، خواندن او در تمامی مصیبت ها. «ای فرزندانم، این را به شما می نویسم تا گناه نکنید. اما اگر کسی گناهی کرد، شفיעی نزد پدر داریم، یعنی عیسی مسیح پارسا» (اول یوحنا 1: 2).

یک شرح مختصر

⁶⁸ معنی لاتین: "فرستادن." اعلامیه ای الزام آور که حق انتظار برای تحقق آنچه معین گشته است را می دهد. اصطلاحی از اوایل لوتری برای انجیل.

⁶⁹ (وفات حدود ۹۷۰ پیش از میلاد) پادشاه اسرائیل، پیامبر و سراینده ی مزامیر. اعترافات لوتری، داوود را به عنوان نمونه ای از توبه و ایمان خالصانه توصیف می کند.

⁷⁰ پیروان دین اسلام و محمد رسول، به پانویس شماره ی ده مراجعه شود.

⁷¹ پرستش، نیایش، طاعت. وسیع ترین تعریف عبادت، پاسخ مخلوق به خالق است. با این حال، عبادت مسیحی را تنها می توان با تعریف بیشتر «خالق» به عنوان «کسی که خود را در عیسی مسیح آشکار ساخت و خود را به واسطه ی روح القدس شناساند» به طور دقیق تعریف کرد. در کاربرد رایج، عبادت به درستی به معنای دریافت فیض الهی - غسل تعمید، آمرزش گناهان، خواندن کلام و عشای ربانی - است. با این حال، عبادت همچنین پاسخ بشر به خدا را در دعا، ستایش، اعتراف به ایمان و شکرگزاری توصیف می کند. این محدود به خود مراسم عبادت نیست، بلکه در هر کجا و هر زمان، تمام آنچه یک مسیحی با ایمان به عیسی مسیح می گوید و انجام می دهد را در بر می گیرد (رومیان 1: 12).

این تقریباً خلاصه ای کامل از تعلیم ماست. همان طور که مشاهده می شود، چیزی مغایر کتاب مقدس، یا کلیسای جهانی، یا کلیسای روم، چنانچه از نویسندگان آن می دانیم، وجود ندارد. از آنجایی که چنین است، کسانی که اصرار دارند معلمین ما را بدعت گذار بدانند، سخت در قضاوتند. با این حال، در خصوص برخی سوء استفاده ها که بدون مجوز قانونی به کلیسا رخنه کرده اند، اختلاف نظر به چشم می خورد. حتی در اینجا، اگر تفاوت هایی وجود دارد، اسقف ها 72 باید به دلیل اعترافاتی که اخیراً بررسی کردیم، ما را با صبر و حوصله متحمل گردند. حتی قانون شرعی کلیسا آنقدر شدید نیست که همه جا تشریفات یکسانی را بطلاند. و همچنین، آیین و مناسک همه ی کلیساها هرگز یکسان نبوده است. گرچه با پشتکار تا حد زیادی آیین های باستانی در میان ما نگاه داشته شده اند. این که کلیساهای ما تمام مراسمی را که در دوران باستان برپا می گردید لغو کرده اند، یک اتهام نابجا و آکنده از نفرت است. اما سوء استفاده های مرتبط با آداب و رسوم رایج منبع مشترک شکایات بوده است. اما از آنجایی که قابل تایید قلب و وجدان نبودند تا حدودی اصلاح شده اند.

مروری بر سوء استفاده های مختلف که اصلاح شده اند

کلیساهای ما با هیچ یک از اصول اعتقادی کلیساهای کاتولیک مخالف نیستند. آن ها فقط برخی از سوء استفاده هایی که به تازگی افزوده شده اند را حذف می کنند. آن ها بر خلاف هدف قانون شرع⁷³ به اشتباه از جانب فساد روزگار پذیرفته شده اند. از این رو، ما دعا می کنیم که رب الارباب با مهربانی بشنوند که چه چیزی تغییر کرده است و به چه جهت مردم مجبور به رعایت آن چیزهایی که استفاده ی سو از وجدان ها و قلوبشان است، نیستند. باشد که رب الارباب کسانی را که با نشر اکاذیب عجیب در بین مردم سعی در برانگیختن نفرت علیه ما دارند، باور نکنند. آن ها با برانگیختن اذهان افراد نیک باعث بروز این بحث و جدل شده اند. اکنون با تکیه بر همین روش ها سعی می کنند جنجال را فزونی دهند. رب الارباب بدون شک بر این که شکل تعالیم و مراسم در بین ما آنقدرها که این مردان بی خدا و بد نیت ادعا می کنند غیرقابل تحمل نیست، واقف هستند. علاوه بر این، گردآوری حقیقت از شایعات رایج یا حملات دشمنان ناممکن می نماید. به راحتی می توان قضاوت کرد که اگر کلیساها مراسم را به درستی انجام می دادند، کرامت آنها حفظ گشته، تکریم و تقوا⁷⁴ در بین مردم فزونی می یافت.

72 اسقف، به یونانی: *episkopos*، "ناظر". در عهد جدید برای کسانی که بر جوامع مسیحی حکومت و آن ها را هدایت می کردند به کار رفته است. عهد جدید بین اسقف ها و شبانان فرقی نمی گذارد (اعمال رسولان ۱۴: ۲۳؛ ۱۷: ۲۰، ۲۸). نماد های لوتری رتبه ی اسقف ها را به رسمیت شناختند و کارکرد واقعی آن ها را موعظه ی انجیل، اجرای مقدسات و استفاده از کلید ها توصیف کردند (ماده ی بیست و هشت اعترافات لوتری؛ ماده بیست و هشت آپولوژی لوتری؛ ترنت ۸۲-۶۰، اسمالکالد ۲: ۴؛ ۹: ۱۰-۱۳).

73 قانون کلیسایی، یونانی: *kanon*، "قاعده" یا "معیار". ممکن است به (الف) یک سیرت متعصب و بیژده، مصوب شوراهای کلیسا؛ (ب) فهرست معتبر کتاب های کتاب مقدس؛ یا (ج) نهایت ثبات عشای ربانی حاوی کلمات حین اجرا و دعا های خاص اشاره داشته باشد.

74 پارسایی، مؤمن، مطابق با یک باور یا معیار رفتاری خاص، به ویژه در امور مذهبی.

ماده ی بیست و دوم: هر دو (هم نان و هم شراب) در آیین مقدس عشای ربانی

ملاحظات: قبل از اصلاحات، این رویه ایجاد شده بود که شراب تقدیس شده را در طول عشای ربانی از افراد غیر روحانی⁷⁵ دور نگاه دارند و تنها نان متبرک بین آنها تقسیم می گشت. با این حال، کشیشانی که مراسم عشای ربانی را برگزار می کردند، از جام نوشیدند. تئوری هایی در کلیسا ایجاد گشت تا به حمایت از این عمل برآید. یکی اظهار داشت که نان به تنهایی برای افراد غیر روحانی کافی است، بدین دلیل که بدن مسیح باید حاوی خون او نیز باشد. عمل محفوظ نگه داشتن جام از جامعه، آشکارا بر خلاف کتاب مقدس و اهانتی به کاهنان ملوکانه ی خدا و تمام آن هایی بود که برای آموزش گناهان به مسیح اعتماد دارند. سخنان پدران اولیه ی کلیسا در مورد تمامی افراد قوم خدا بود، که هر دو بخش یا عنصر این وعده ی مقدس را دریافت نمایند.



در آیین مقدس عشای ربانی، هم نان و هم شراب به افراد غیر مذهبی داده شده است، به این دلیل که این عمل فرمان خداوند را با خود دارد، «سپس جام را برگرفت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: همه ی شما از این بنوشید» (متی ۲۶: ۲۷). مسیح به وضوح امر کرده است که همه باید از جام بنوشند. و مبادا کسی به گونه ای گمراه کننده اذعان دارد که این تنها مختص روحانیون است، پولس در اول قرن تیان 27:11 مثالی را ذکر می نماید، «پس هر که به شیوه ای ناشایسته نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود». از آیه ی مذکور اتخاذ می گردد که کل جماعت کلیسا از هر دو بخش بهره مند می گشتند. این عمل از دیرباز در کلیسا بدین گونه تداوم یافته بود. مشخص نیست در چه زمانی، توسط چه کسی و یا تحت اقتدار چه کسی دستخوش تغییر گشت. اما کاردینال کوسانوس⁷⁶ زمان تصویب آن را متذکر شده است. سیپریان⁷⁷ در جاهایی شهادت می

⁷⁵ عوام، مردم عادی. تقسیم اعضای کلیسا به روحانی و غیر روحانی در صورتی معتبر است که این کلمات صرفاً کسانی را که به خدمت فراخوانده شده اند از کسانی که چنین فراخوانده نشده اند، متمایز سازند. اما با ظهور نظام کاهنی، که به پاپی ختم شد، این ایده که کاهنان یک طبقه ی میانجی بین خدا و مردم تشکیل می دهند، رواج یافت و اصطلاح روحانیت در آن زمینه معنای سلسله مراتبی بیشتری به خود گرفت. تعلیم پارسایی صرفاً از طریق ایمان، واسطه گری انسان بین مردم و خدا را از بین برد. لوتر عملاً برگزیده بودن همه ی ایمان داران را اعلام کرد (به اول پطرس 9:2 مراجعه کنید). در نتیجه، عوام جایگاه مناسب خود را بازیافتند و نمایندگی عوام دوباره امکان پذیر شد.

⁷⁶ نیکلاس کوزا، (1401-1464) عضو شورای بازل؛ ابتدا از مجلس و سپس حزب پاپ حمایت کرد. کاردینال (1448)؛ اسقف و اصلاح طلب بریکسن (برسانونه)، ایتالیا. مکتب براهین مشکوک حقایق کلامی؛ "جاهلیت آموخته شده" را تحسین کرد. معتقد بود که خدا تصادف و نقیض هاست. سعی کرد به شهود معنای شناختی در اصطلاحات ریاضی بدهد. کوپرنیک را با نظریه ی چرخش زمین حول محور خود را پیش بینی کرد. پیشنهاد اصلاح تقویم؛ گفت که جهان در سال 1734 به پایان خواهد رسید.

⁷⁷ سیپریان، (حدود 200-258) پسر یک سناتور کارتاژی. بلاغت آموخت. به مسیحیت گروید (حدود 245). اسقف کارتاژ با استقبال مردمی (حدود 248). در جریان آزار و شکنجه ی سیان گریخت. بازگشت (251) در زمان گالوس، جانشین سیوس. تحت اقتدار والرین محکوم و سر بریده شد. طبق نظر او، اسقف ها جانشین رسولان هستند و مانند آن ها به ویژه از روح القدس برخوردارند. اسقف یک وحدت است، اسقف نماینده ی کل دفتر است. از وحدت اسقفی وحدت کلیسا سرچشمه می گیرد که خارج از آن نجاتی وجود ندارد. سیپریان اگرچه اسقف رم را جانشین سنت پطرس می دانست، اما او را همسان خطاب می کرد.

دهد که خون بین مردم تقسیم شده است. ژروم⁷⁸ نیز در این گفته به همین امر شهادت می دهد: "کاهنان مراسم عشای ربانی را برپا می دارند و خون مسیح را بین مردم تقسیم می نمایند." در واقع، این پاپ⁷⁹ گلاسیوس⁸⁰ است که دستور می دهد مقدسات تقسیم نگردد (dist. II., De Consecratione, cap. Comperi-mus)⁸¹. این را تنها یک رسم اخیر تغییر داده است. همانگونه که قانون کلیسا گواهی می دهد، روشن است که هر رسم و روشی که بر خلاف احکام خداست مجاز نیست (dist. III., cap. Veritate)⁸². این رسم نه تنها بر خلاف کتاب مقدس، بلکه بر خلاف قانون کلیسایی کهن و نیز نمونه ی کلیسا ایجاد شده است. از این رو، اگر کسی ترجیح داد که از هر دو بخش در آیین مقدس بهره مند گردد، نباید به عنوان توهین به وجدان خود مجبور به انجام آن به نوعی دیگر شود. از آنجا که این نوع تقسیم مقدسات در واقع با فرمان مسیح مطابقت ندارد، رسم ما این است که از تشریفاتی که قبلاً مورد استفاده قرار گرفته است، صرف نظر کنیم.

ماده ی بیست و سوم: ازدواج کشیش ها

ملاحظات: زیربنای مسئله ی مجرد اجباری کشیش ها نیز همچون سایر سوءاستفاده های نشات گرفته از کلیسا، اقتدار کلیسا برای امر و نهی چیزی است که در کتاب مقدس مذکور نگشته است. لوتری ها معتقد بودند که کلیسا هیچ اقتداری از جانب خدا ندارد تا به آنچه که او امر نکرده است فرمان دهد یا از آنچه که او ممنوع نکرده است، منع نماید. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می دهد که پطرس رسول دارای همسر بود. این مثال باید به عنوان مدرک قانع کننده ای مبنی بر اینکه ازدواج کشیش ها خوش آیند خدا بوده است، در نظر گرفته می شد. واضحاً مردانی وجود دارند که موهبت عفت به آن ها عطا گشته است، اما این نقطه نظر که کلیسا می تواند و باید تمامی کسانی را که می خواهند کشیش شوند از ازدواج منع نماید، قویاً رد می شود. ازدواج هدیه ای از جانب خداست که می بایست توسط غیر روحانیون و نیز روحانیون با شکرگزاری دریافت گردد. خلاف این را ذکر نمودن در واقع وارد ساختن تعلیم شریک به کلیسا است.



⁷⁸ (حدود 420 تا 340)، او در سن 19 سالگی در رم، شهری که برای تحصیل سخنوری و فلسفه بدان رفته بود، تعمید گرفت. سفرهایی داشت و در نهایت در بیت لحم مستقر شد. او از تحصیلات دنیوی به مسائل مذهبی گرایش پیدا کرد و در سفر اول خود به آنتیوک به امور مرتبط با خداوند پرداخت. وی در آنتیوک منشی اسقف داماس یکم رم بود. از آثار او بازنگری کتاب مقدس لاتین (Vulgate) و تفسیر کتاب مقدس است. با این حال به نظر می رسد او هرگز به طور واضح عمل نجات بخش مسیح را درک نکرده است.

⁷⁹ یونانی و لاتین: "پدر". این عنوان برای اولین بار در سال 1073 برای تمام اسقف ها استفاده شد. گرگوری هفتم به این نتیجه رسید که این اصطلاح فقط برای اسقف رم قابل استفاده می باشد.

⁸⁰ گلاسیوس اول (وفات 496) پاپ 496-492. مدعی برتری پاپ ها.

⁸¹ با استناد بر کتاب مذکور، نام کتاب و فصل، اشاره به فصل 2 کتاب.

⁸² با استناد بر کتاب مذکور، نام کتاب و فصل، اشاره به فصل 3 کتاب.

شکایت از کشیش های بی عفت رایج است. پلاتینا⁸³ می نویسد به همین دلیل است که گفته می شود پاپ پیوس⁸⁴ بیان داشته اگرچه دلایلی وجود دارد که چرا ازدواج از کشیش ها صلب گشته است، اما دلایل بسیار مهم تری مبنی بر استرداد مجدد آن وجود دارد. از آنجایی که کشیش های ما می خواستند از بروز این رسوایی های آشکار اجتناب ورزند، همسر اختیار کردند و تعلیم دادند که ازدواج برای آن ها یک امر قانونی است.

اولاً، به این دلیل که پولس می گوید: «به سبب بی عفتی های موجود، هر مردی باید زن خود را داشته باشد و هر زنی شوهر خود را» و «اما اگر خویشتن داری نمی کنند، همسر اختیار کنند، زیرا ازدواج از سوختن در آتش هوس بهتر است» (اول قرن تیان 2:7، 9).

دوماً، مسیح می گوید: «همه نمی توانند این کلام را بپذیرند مگر کسانی که به ایشان عطا شده باشد» (متی ۱۹:۱۱)، بدینوسیله او تعلیم می دهد که همه قادر به پیش بردن یک زندگی مجردی نیستند. خدا انسان را برکت داد و بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جاندار که بر زمین حرکت می کند، فرمان برانید» (پیدایش ۱:۲۸). بدون عطای منحصر به فرد خدا، تغییر این خلقت در توان هیچ انسانی نمی گنجد. (زیرا همان گونه که بسیاری معترف گشته اند، آشکار است که هیچ زندگانی نیک، صادقانه، عقیفانه، مسیحی، خالصانه و درستکارانه ای از تلاش برای داشتن یک زندگی مجردی حاصل نگشته است. در عوض، بسیاری تا پایان عمر، نا آرامی و عذاب وجدان مهیب و ناگواری را احساس کرده اند.)

از این جهت، آن اشخاصی که قادر به پیش بردن یک زندگی مجردی نیستند، باید ازدواج کنند. هیچ قانون انسانی، هیچ شرطی نمی تواند فرمان و حکم خدا را براندازد. به جهت دلایل نامبرده، کشیش ها تعلیم می دهند که ازدواج و اختیار همسر برای آن ها امری قانونی است.

واضح است که در کلیسای باستان، کشیش ها مردان متاهل بودند. زیرا پولس می گوید: «ناظر کلیسا باید به دور از ملامت شوهر وفادار یک زن، معتدل، خویشتن دار، آبرومند، میهمان نواز و قادر به تعلیم باشد» (اول تیموتائوس ۳:۲). چهارصد سال پیش در آلمان، برای نخستین بار، کشیش ها با خشونت مجبور به زندگی مجردی شدند. آن ها چنان مقاومتی از خود نشان دادند که وقتی اسقف اعظم ماینز قصد داشت حکم پاپ در مورد تجرد را منتشر کند، نزدیک بود در شورش توسط کشیش های خشمگین کشته شود. با این امر چنان برخورد شدیدی صورت گرفت که نه تنها ازدواج در آینده ممنوع شد، بلکه ازدواج های موجود نیز برخلاف قوانین الهی و انسانی، از هم پاشید. این حتی برخلاف خود قانون کلیسا [کلیسای روم] بود، که نه تنها توسط پاپ ها، بلکه توسط مشهورترین شوراها⁸⁵ وضع گشته بود.

با توجه به این که ذات انسان به تدریج با بیش تر شدن عمر جهان ضعیف تر می گردد، خوب است که از وارد آمدن رذایلی دیگر به آلمان مراقبت ورزیم.

⁸³ پلاتینا، بارتولومئو (۱۴۸۱-۱۴۲۱)، انسان شناس و تاریخ نگار برجسته ی اومانیست ایتالیایی. نویسنده ی کتاب «زندگی نامه های پاپ ها».

⁸⁴ پیوس دوم (1405-1464) پاپ از ۶۴-۱۴۵۸؛ پیش از آنکه پاپ شود، از جنبش شورایی ها حمایت می کرد، اما در 1460 آن را در منشور خود با عنوان Execrabilis محکوم کرد.

⁸⁵ شوراها، مجامع کلیسایی که برای بحث و حل و فصل مسائلی که در ایمان و نظم کلیسا تاثیر دارند، تشکیل می شوند. در تعالیم لوتری، مبنای الهیاتی شوراها در اعمال رسولان ۱۵ یافت می شود. در شوراها، جماعت ها با یکدیگر گفتگو می کنند و وحدت در تعالیم، نظم و زندگی را ابراز می ورزند. اقتدار شوراها از فعالیت روح القدس ناشی می گردد.

علاوه بر این، خدا ازدواج را مقدر ساخته است تا مددی در برابر ضعف بشر باشد. قانون خود می‌گوید که به دلیل ضعف بشر، سخت‌گیری‌های قدیمی می‌بایست گهگاه کاهش یابند. ما آرزو می‌کنیم که در این مورد نیز چنین شود. اما باید انتظار داشته باشیم که اگر ممنوعیت ازدواج همچنان ادامه یافت، کلیساها در مقطعی فاقد کشیش شوند.

در حالی که فرمان خدا لازم الاجرا است و رسم کلیسا به وضوح مشخص است، مجرد توأم با بی‌عفتی موجب رسوایی‌ها، زناها و سایر جرایمی می‌گردد که سزاوار مجازات از سوی حاکمان عادل می‌باشند. با در نظر گرفتن همه‌ی این موارد، ممنوع بودن ازدواج کشیش‌ها فوق‌العاده ظالمانه است. خدا امر کرده است که ازدواج ارج نهاده شود. ازدواج در قانون تمامی کشورهای منظم، حتی در میان بت پرستان، امری بسیار گرامی محسوب می‌گردد.

اما اکنون مردان، حتی کشیش‌ها، برخلاف منظور قانون کلیسا، به دلیل ازدواج، بی‌رحمانه به قتل می‌رسند. پولس در اول تیموتائوس فصل چهار می‌گوید: «اما روح، آشکارا می‌گوید که در زمان‌های اخیر، برخی از ایمان‌روی‌گردان شده از ارواح گمراه‌کننده و تعالیم دیوها پیروی خواهند کرد. این تعالیم را دروغ‌گویان و ریاکارانی می‌آورند که وجدان‌شان بی‌حس شده است. ایشان ازدواج را منع می‌کنند و به پرهیز از خوراکی‌هایی فرمان می‌دهند که خدا آفریده تا مومنان که از حقیقت آگاهند، با شکرگزاری از آن بهره‌مند شوند» (آیات ۳-۱). این امر به وضوح از نحوه‌ی اجرای قوانین علیه ازدواج با چنین مجازات‌هایی قابل مشاهده است.

از این رو هیچ قانون و شرط انسانی‌ای نمی‌تواند حکم و فرمان خدا را براندازد. بنابراین، سپریان به زنایی که به وعده‌ی خود برای پاکدامن ماندن عمل نمی‌کنند [مقصود زنایی است که زندگی خویش را وقف صومعه کرده‌اند]، توصیه می‌کند که ازدواج کنند. او در یازدهمین رساله از کتاب اول خود می‌گوید، «اگر آن‌ها نمی‌خواهند یا نمی‌توانند استقامت به خرج دهند، بهتر است ازدواج کنند تا این که به خاطر شهوت خود در آتش بیفتند. یقیناً بی‌آنکه نسبت به برادر و خواهر خود بی‌حرمتی کنند.» و حتی قانون کلیسایی نسبت به کسانی که قبل از سن مناسب سوگند مجرد یاد کرده‌اند، تا حدودی ملایمت نشان می‌دهد، همانطور که تاکنون نیز چنین بوده است.

ماده‌ی بیست و چهارم: عشای ربانی

ملاحظات: این مقاله به وضوح تمایل لوترانیسم را به ادامه - و نه به رد کردن - اعمال عبادی سالم، مفید و تاریخی کلیسا نشان می‌دهد. لوترانیسم شکل سنتی مراسم عشای ربانی، یعنی مراسم عشای ربانی مقدس را حفظ نمود. از بسیاری جهات، مراسم و آیین‌های کلیسای لوتری شباهت زیادی به کلیسای روم دارد. تفاوت در رد تعالیم نادرست توسط لوترانیسم در خصوص مراسم عشای ربانی بود: اینکه به نحوی و بدون ایمان، صرفاً با حضور و مشاهده‌ی مراسم عشای ربانی، مردم می‌توانند شایسته‌ی آمرزش گناهان شوند. بدتر از همه، تعلیم روم بود که کشیشی که مراسم عشای ربانی را برگزار می‌کند، در واقع مسیح را به شیوه‌ای غیرخونین برای خشنود کردن خدا و جلب مرحمت او تقدیم می‌کند. مراسم عشای ربانی به منبع درآمد قابل توجهی برای کلیسا تبدیل گشت، زیرا مردم تشویق می‌شدند که با برگزاری مراسم عشای ربانی از دوستان و بستگان زنده و مرده‌ی خود "حمایت" کنند. تمامی این‌ها کاملاً مغایر با نهاد مسیح در مورد شام خداوند است. او این آیین مقدس را به عنوان ارمان و برکتی به کلیسا عطا کرد تا قوم خدا آن را با ایمان به کار گیرند.



کلیساهای ما به دروغ متهم به لغو مراسم عشای ربانی شده اند. مراسم عشای ربانی در میان ما برگزار می شود و با بالاترین احترام جشن گرفته می شود. تقریباً تمام مراسم معمول نیز محفوظ مانده اند، به جز برخی بخش ها که به زبان لاتین خوانده می شدند، در جاهایی به منظور افزایش تعلیم مردم، با سرودهای آلمانی جایگزین شده اند. زیرا مراسم تنها به همین دلیل لازم است که به افرادی که تعلیم ندیده اند آنچه را که می بایست در مورد مسیح بدانند، آموزش داده شود. نه تنها پولس بلکه قانون انسانی نیز امر کرده است ربانی که مردم می فهمند در کلیسا مورد استفاده قرار گیرد؛ «زیرا آن که به زبان غیر سخن می گوید، نه با انسان ها بلکه با خدا سخن می گوید. زیرا هیچ کس سخنش را درک نمی کند؛ او به واسطه ی روح راز ها را بیان می کند»، «در مورد شما نیز چنین است. اگر به زبان خود کلماتی مفهومی نگویید، چگونه می توان فهمید که چه می گوید؟ در آن صورت، بدین می ماند که با هوا سخن بگویید» (اول قرن تیان ۲: ۱۴، ۹)، همه ی کسانی که قادر به انجام این کار هستند، با هم در مراسم عشای ربانی شرکت می کنند. این امر همچنین احترام و ارادت نسبت به عبادت عمومی را افزایش می دهد. هیچ کس بدون بررسی اولیه به مراسم عشای ربانی پذیرفته نمی شود. همچنین به مردم در خصوص شان و کاربرد مراسم عشای ربانی، در خصوص این که چگونه برای وجدان های مضطرب آرامی و تسلی زیادی به ارمغان می آورد، توصیه می شود تا آن ها نیز یاد بگیرند که به خدا ایمان بیاورند و در او انتظار بکشند و از او هر آنچه نیکو است را طلب نمایند. «بلکه پیوسته از خدا می خواهیم که شما از شناخت اراده ی او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید، تا رفتار شما شایسته ی خداوند باشد، و بتوانید او را از هر جهت خشنود سازید: یعنی در هر کار نیک ثمر آورید و در شناخت خدا رشد کنید» (کولسیان ۱: ۹-۱۰). چنین استفاده ای از آیین مقدس، خلوص راستین نسبت به خدا را تقویت می نماید. بنابراین، به نظر نمی رسد که مراسم عشای ربانی با خلوص بیشتری در میان مخالفین ما نسبت به ما، برگزار شود.

واضح است که برای مدت های مدید، عمومی ترین و جدی ترین شکایت در میان افراد نیک بی حرمت شدن مراسم عشای ربانی بر اثر سوء استفاده در جهت کسب ثروت بوده است. «از این رو، ناظر کلیسا باید به دور از ملامت، شوهر وفادار یک زن، معتدل، خویشنندار، آبرومند، میهمان نواز و قادر به تعلیم باشد؛ نه میگسار، یا خشن، بلکه ملایم؛ و نه ستیزه جو یا پول دوست» (اول تیموتائوس ۳: ۳). وسعت این سوء استفاده در کلیساهای بر همگان واضح است. همه می دانند که چه نوع افرادی از آن کسب درآمد کرده و چه افرادی آن را برخلاف قوانین مراسم عشای ربانی در کلیسا برگزار می نمایند. پولس تشر شدیدی به کسانی که عشای ربانی⁸⁶ را به شیوه ای ناشایست به کار می برند، میزند: «هر که به شیوه ای ناشایسته نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود» (اول قرن تیان ۱۱: ۲۷). از این رو، هنگامی که به کشیش های ما در مورد این گناه هشدار داده شد، مراسم عشای ربانی خصوصی در میان ما متوقف گردید، زیرا به ندرت مراسم خصوصی برگزار می شد، مگر به جهت کسب ثروت آلوده.

حقیقتاً اسقف ها از این سوء استفاده ها بی اطلاع نبودند. اگر آن ها را به موقع اصلاح می کردند، اکنون اختلاف کمتری جریان داشت. لیکن آن ها تا کنون مسئول فسادهای بسیاری که به کلیسا رخنه کرده اند، بوده اند. حال که بسیار دیر شده است، آن ها شروع به شکایت از مشکلات کلیسا کرده اند. این آشفتگی صرفاً به دلیل سوء استفاده هایی است که آنقدر آشکار بودند که دیگر توان تاب آوردنشان نبوده است. اختلافات زیادی در مورد مراسم عشای ربانی، یا همان آیین مقدس، وجود داشته است.

⁸⁶ یونانی: *eucharistesas* "هنگامی که مسیح شکرگزاری نمود"، اول قرن تیان ۲۴: ۱۱. پاره کردن نان (متی 26: 26؛ اول قرن تیان 16: 10)، عشای ربانی (اول قرن تیان 16-17: 10)، شام خداوند (اول قرن تیان 10: 21)، جام خداوند (اول قرن تیان 20: 11)، مراسم عشای ربانی.

شاید جهان به دلیل بی‌حرمتی دیرینه به مراسم عشای ربانی و تحمل آن در کلیساها برای قرن های متعددی، آن هم توسط همان مردانی که قادر و موظف به اصلاح آن بودند، مورد مجازات قرار گرفته است. در ده فرمان آمده است: «نام یهوه خدایت را به ناشایستگی مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به ناشایستگی برد، بی سزا نخواهد گذاشت» (خروج ۲۰:۷). اما به نظر نمی رسد از آغاز جهان، هیچ چیزی که خدا ساخته است، به اندازه ی مراسم عشای ربانی برای کسب ثروت ناپاک مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشد.

در واقع افزودن یک عقیده، موجبات افزایش بی شمار تعداد مراسم عشای ربانی خصوصی را فراهم آورد. این نظر اظهار می دارد که مسیح، با رنج و عذاب خود، فدیة ی گناه اصلی را پرداخت و مراسم عشای ربانی را به عنوان قربانی برای گناهان روزانه، چه صغیره⁸⁷ و چه کبیره⁸⁸، بنیاد نهاد. بر اساس این عقیده، این باور رایج پدید آمده است که مراسم عشای ربانی، گناهان زندگان و مردگان را صرفا با انجام اعمال و ارکان ظاهری از میان بر می دارد. سپس آن ها شروع به بحث کردند که یک مراسم عشای ربانی که برای بسیاری نگاه داشته می شود، آیا به اندازه ی مراسمی خاص و ویژه برای افراد ارزش دارد یا خیر. نتیجه ی آن برگزاری تعداد نامحدودی مراسم عشای ربانی گشت. با این کار، مردم می خواستند هر آنچه را که نیاز داشتند از خدا وصول نمایند و در این میان، اعتماد به مسیح و عبادت واقعی از نظرها محو گردید.

معلمین ما هشدار داده اند که این عقاید و نظرات از کتاب مقدس فاصله گرفته، جلال رنج های مسیح را کاهش می دهند. زیرا رنج های او یک قربانی و فدیة ی گناهان، نه تنها برای گناه اصلی، بلکه برای تمامی گناهان دیگر نیز، بود. همانطور که مکتوب است: «به واسطه ی همین اراده، ما یک بار برای همیشه به واسطه ی قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس⁸⁹ شده ایم» (عبرانیان ۱۰:۱۰). همچنین، «او با یک قربانی، تقدیس شدگان را تا ابد کامل ساخته است» (عبرانیان ۱۰:۱۴). این تعلیم که مسیح با مرگ خود فقط گناه اصلی، و نه تمامی گناهان دیگر را پاک کرده است، یک بدعت بی سابقه در کلیسا است. بنابراین امید است که همه درک کنند که این ایراد به دلایل خوب و موجهی مورد عتاب قرار گرفته است.

کتاب مقدس تعلیم می دهد که ما به واسطه ی ایمان به مسیح، زمانی که باور داریم گناهانمان به خاطر مسیح بخشیده شده است، در حضور خدا پارسا شمرده می شویم. حال اگر مراسم عشای ربانی قادر است تا گناهان زندگان و مردگان را صرفا با مشارکت در آن پاک گرداند، پارسا شمرده گی با انجام مراسم عشای ربانی حصول می گردد، نه از طریق ایمان. کتاب مقدس این را رد می کند.

از آن روی که مسیح به ما فرمان می دهد: «این را به یاد من به جا آرید» (لوقا ۲۲:۱۹). بنابراین، مراسم عشای ربانی بنیاد نهاده شد تا کسانی که از این آیین مقدس استفاده می کنند، در ایمان

⁸⁷ گناهان صغیره. اعترافات لوتری از گناهانی سخن می گوید که فانی یا مهلک است، یعنی با ایمان ناسازگار است (باب چهارم، آیات ۴۸، ۶۴، ۱۰۹، ۱۱۵). وقتی ایمان داران آشکارا مرتکب گناه می شوند، ایمان از ایشان رخت بر بسته است (باب سوم، آیات ۴۴-۴۳). کسی که از شهوت اطاعت می کند، ایمان خود را حفظ نمی نماید (باب چهارم، آیه ی ۱۴۴). گناهان صغیره، در حالی که مورد محکومیت قرار می گیرند، انسان را از فیض روح القدس و ایمان محروم نمی سازند، برای نمونه از دست دادن صبر یک گناه صغیره است که می توان به کشیش اعتراف کرد.

⁸⁸ گناهان کبیره یا گناهان مرگبار، گناهانی جدی علیه خدا هستند که شامل گناه، آگاهی کامل و انتخاب آگاهانه می شوند. آن ها شدیدتر از گناهان صغیره محسوب می شوند و در صورت عدم توبه قبل از مرگ، می توانند منجر به مجازات ابدی شوند. نمونه هایی از آن شامل قتل، زنا، کفر و بت پرستی است.

⁸⁹ مقدس، به معنای وسیع، تقدیس شامل تمام تأثیرات کلام خدا می گردد (اعمال رسولان 18:26؛ افسسیان 26:5؛ دوم تسالونیکیان 13:2؛ عبرانیان 14:10؛ اول پطرس 2:1). به معنای محدود، تقدیس رشد معنوی است (اول قرنتیان 9:3؛ 24:9؛ افسسیان 15:4؛ فیلیپیان 12:3) که از پارسایی (متی 16:18-7؛ یوحنا 6:3؛ افسسیان 10:2) حاصل می گردد. به فیض خدا (غلاطیان 5:22-23؛ فیلیپیان 13:2)، یک مسیحی خود در این امر همیاری می کند (دوم قرنتیان 1:6؛ 1:7؛ فیلیپیان 12:2؛ اول تیموتائوس 14:4؛ 65-66 FC SD II). به واسطه ی عمل روح القدس، ایمان روزانه رشد می کند، عشق تقویت می گردد و تصویر خدا در این زندگی تجدید می گردد، اما کامل نه.

عطایایی را که به وسیله ی مسیح دریافت می کنند و این که چگونه وجدان مضطربشان شاد و آرام می گردد، همواره به یاد آورند. زیرا که به یاد آوردن مسیح برابر است با به یاد آوردن مزایای⁹⁰ با او بودن. این به آن معناست که در می یابیم تمامی آن عطایا و مزایا حقیقتاً پیش روی ما گذاره شده است. تنها به خاطر آوردن تاریخ [عمل مسیح روی صلیب] کافی نیست. (قوم یهود و کافران نیز این را به یاد دارند.) بنابراین، مراسم عشای ربانی باید برای اجرای آیین عشای ربانی برای کسانی که به تسلی نیاز دارند، به کار گرفته شود. امروز می گوید: «من همیشه گناه می کنم، به همین دلیل همیشه نیاز به مصرف دارو دارم.»

از آن جا که این مراسم به منظور عطای آیین مقدس است، ما هر روز مقدس آن را برگزار می کنیم و اگر کسی خواهان دریافت آن باشد، آن را در روزهای دیگر نیز نگاه می داریم، زیرا که عشای ربانی بر تمام کسانی که خواهان آنند، بخشیده شده است. این رسم در کلیسا چیز جدیدی نیست. پدران قبل از گرگوری⁹¹ هیچ اشاره ای به مراسم عشای ربانی خصوصی نکرده اند، در عوض بسیار درباره ی مراسم عشای ربانی عمومی سخن گفته اند. کریسوستوم⁹² می گوید: «کشیش روزانه در محراب می ایستد، برخی را به عشای ربانی دعوت می کند و برخی دیگر را از آن باز می دارد.» از تصمیمات شورای باستانی چنین برمی آید که یک نفر مراسم عشای ربانی را برگزار می کرد و جملگی کشیشان⁹³ و شماسان⁹⁴ دیگر از او پیکر خداوند را دریافت می نمودند. سوابق تصمیمات شورای نیقیه بیان می دارد: «بگذارید شماسان، طبق رتبه ی خود، عشای ربانی را پس از کشیشان، از اسقف یا یک کشیش دریافت نمایند.» پولس در اول قرن تیان ۱۱:۳۳، این را در مورد عشای ربانی امر می کند: «منتظر یکدیگر باشید» تا مشارکت در گردهمایی شما وجود داشته باشد.

بنابراین، از آن جایی که مراسم عشای ربانی در میان ما از الگوی کلیسا که از کتاب مقدس و پدران کلیسا گرفته شده است، پیروی می کند، مطمئن هستیم که ناپسند نگاه داشته نمی شود. این امر به ویژه به آن دلیل است که ما مراسم عمومی را که تا حد زیادی مشابه مراسم های قبلی می باشند، محفوظ نگاه می داریم. تنها تعداد دفعات برگزاری آن متفاوت است. بی شک، به دلیل سوءاستفاده های بس کلان و آشکار، این مراسم ممکن است به روشی مفید کاهش یابد. زیرا در زمان های قدیم، حتی در کلیساهایی که اکثر مردم در آن ها شرکت می کردند، مراسم عشای ربانی هر روز برگزار نمی شد، همانطور که کتاب *Tripartite History*⁹⁵ (کتاب ۹، فصل ۳۳) گواهی می دهد: «در اسکندریه، هر

⁹⁰ فایده، سود، مزیت، رحمت یا مرحمت که منجر به برکات معنوی یا دنیوی می گردد.

⁹¹ قدیس گرگوری اول، گرگوری کبیر. (حدود ۶۰۴-۵۴۰) اسقف روم، «معلم کلیسا». قانون شبانی او معیاری برای مراقبت شبانی بود.

⁹² کریسوستوم، یوحنا. (حدود ۴۰۷-۳۴۵) شیخ قسطنطنیه از سال ۳۹۸. نام او به معنای "دهان طلایی" است. قصد داشت از قانون پیروی کند، اما در عوض به کتاب مقدس روی آورد و در سال های اول پس از غسل تعمید، زندگی یک زاهد سختگیر را پیش گرفت. اصلاحات را در قسطنطنیه آغاز کرد و پایه و اساس امور خیریه ی اصولی را بنا نهاد. از مقام خود برکنار و به آسیای صغیر تبعید شد (۴۰۳)؛ در راه درگذشت. شهرت او عمدتاً به جهت موعظه هایش است که در آن ها به اوج سخنوری رسید.

⁹³ اصطلاح «پیر». این اصطلاح از عهد عتیق (خروج 16:3) و عهد جدید (لوقا 3:7) گرفته شده است. کلمه ی یونانی «*presbyteros*» به معنای «پیر»، مترادف با «*episkopos*» به معنای «اسقف» (اعمال رسولان 17:20، ۲۸)، «مشایخ» (اول تیموتائوس 17:5) و «کشیش» (اول پطرس ۴:5-۱) است. اجتماع های بزرگ شماری کشیش یا «پیر» داشتند (یعقوب 14:5؛ اعمال رسولان 4:15، ۶، ۲۳؛ 17:20، ۲۸؛ 18:21). مشایخی که در کار موعظه و تعلیم زحمت می کشند (اول تیموتائوس 17:5).

⁹⁴ شماسان، شبانان، از کلمه ی یونانی به معنای "خدمتگزار". منصبی در مسیحیت اولیه که توسط رسولان تاسیس شد (اعمال رسولان ۶:۱-۱۰؛ فیلیپیان ۱:۱؛ اول تیموتائوس ۳:۸-۱۳). در کلیسای اولیه، شماسان در رتبه ای پایین تر از اسقف ها و کشیشان قرار داشتند. آن ها شام خداوند را بین کسانی که نمی توانستند در کلیسا شرکت کنند توزیع می کردند و در طول مراسم الهی کمک می کردند. لوتری ها مقام شماسی را به عنوان دستیاران کشیشان حفظ کردند.

⁹⁵ نام کتاب، ترجمه ی تحت اللفظی نام: تاریخ سه گانه.

چهارشنبه و جمعه کتاب مقدس خوانده می شود و پزشکان آیات آن را تفسیر می نمایند و همه ی این ها به وقوع می پیوندد، به جز آیین رسمی عشای ربانی.»

ماده ی بیست و پنجم: اعتراف

ملاحظات: عمل اعتراف و بخشش خصوصی در حضور کشیش در بسیاری از کلیساهای لوتری منسوخ گشته است. در صورتی که این هرگز مقصود لوتر نبود. اعتراف و بخشش خصوصی هیچ کدام در طول دو قرن اول تاریخ لوتری بر کنار نشدند. آنچه اصلاحات لوتری تصحیح کرد، تعالیم نادرست در مورد اعتراف بود. مشکلات در کلیسا زمانی بر آمدند که تعالیم مربوط به اعتراف، «رضایت» را به بخش برجسته ای از آن تبدیل کرد. وقتی به مردم گفته می شد که برای «جبران» گناهان خود، فعالیت هایی خاص (مثلاً ذکر سلام بر مریم مقدس یا اعمال توبه) را انجام دهند، بر انجیل عیسی مسیح سایه افکنده می شد، اگر چه نه کاملاً پنهان، اما تاریک می گشت. از این رو، لوترانیسم تعالیم ضد کتاب مقدس در مورد رضایت از گناهان و الزام مردم به یاد آوری و اعتراف هر گناهی که مرتکب شده اند را بر کنار ساخت.



اعتراف در کلیساهای در میان ما منسوخ نگشته است. بدن خداوند معمولاً به کسانی که شایستگی کافی ندارند و بخشش را دریافت نکرده اند، داده نمی شود؛ «زیرا هر که به شیوه ای ناشایسته نان را بخورد و از جام بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود. اما هر کس پیش از آن که از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید (اول قرن تیان 11: 27-28). ایمان به آمرزش گناهان با دقت زیادی به مردم تعلیم داده می شود.

پیش از این، سکوت عمیقی در مورد ایمان حکم فرما بود. به اعضای ما آموخته می شود که باید آمرزش گناهان را به عنوان ندای خدا و به فرمان خدا بسیار گرامی بدارند. در انجیل آمده است: «کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو می دهم. آن چه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آن چه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد» (متی 16: 19). بدینوسیله به ایمان داران یادآوری می گردد که چه تسلی بزرگی برای وجدان های مضطرب عطا گشته و این که خدا ایمان را برای باور به چنین آمرزشی به عنوان ندایی که از آسمان می آید لازم می داند؛ «پدر، نام خود را جلال ده! آن گاه ندایی از آسمان در رسید که: جلال داده ام و باز جلال خواهم داد. پس مردمی که آن جا بودند و این را شنیدند، گفتند: رعد بود. دیگران گفتند: فرشته ای با او سخن گفت. اما عیسی گفت: این ندا برای شما بود، نه برای من» (یوحنا 12: 28-30). به آن ها آموخته می شود که چنین ایمانی به مسیح در حقیقت بخشش گناهان را به ارمان می آورد. پیش از این، رضایت [رضایت از گناهان به واسطه ی کار مسیح روی صلیب] بدون هیچ قید و شرطی ستایش می شد، اما در مورد ایمان، شایستگی مسیح و عدالت ایمان چیز کمی گفته می شد. بنابراین، در این مورد، کلیساهای ما به هیچ وجه نباید سرزنش شوند. حتی دشمنان ما باید این نکته را بپذیرند که معلمین ما با پشتکار در مورد توبه تعلیم داده و آن را آشکار ساخته اند.

کلیساهای ما تعلیم می دهند که نام بردن یکایک گناهان ضروری نیست و وجدان ها نباید با نگرانی از نام بردن هر گناهی سنگین بار شوند. بر شمردن تمامی گناهان غیر ممکن می نماید، همانطور که مزمو 19: 12 گواهی می دهد: «کیست که اشتباهات خود را تشخیص دهد؟» همچنین

ارمیا 9:17: «دل از همه چیز فریبده‌تر است و بسیار بیمار؛ کیست که آن را بشناسد؟»⁹⁶ اگر تنها گناهانی که می‌توان نام برد بخشیده شوند، وجدان‌ها هرگز نمی‌توانند آرامش یابند. زیرا بسیاری از گناهان را نمی‌توان دید یا به خاطر آورد. نویسندگان باستان نیز شهادت می‌دهند که فهرست کردن تمامی گناهان ضرورتی ندارد. زیرا در کتاب Decrees⁹⁷، از کریسوستوم نقل قول شده است:

من نمی‌گویم که گناهان خود را در ملاء عام آشکار سازید، و یا خود را در برابر دیگران متهم کنید، بلکه می‌خواهم از رسولی اطاعت کنید که می‌گوید: «راه خود را به خداوند بسپار، و بر او توکل کن، که او عمل خواهد کرد» (مزمور ۵۰:۳۷). بنابراین، گناهان خود را در برابر خدا، قاضی اصلی، با دعا اعتراف کنید. اشتباهات خود را نه با زبان، بلکه با یادآوری آن در وجدان خود بیان کنید.

و نیز تفسیر (Of Repentance, Distinct. V, Cap. Consideret)⁹⁸ اذعان می‌دارد که اعتراف حق انسان است. با این وجود، به دلیل نتیجه‌ی سودمند آموزش، و همچنین به این دلیل که برای وجدان مفید است، اعتراف در میان ما محفوظ مانده است.

ماده ی بیست و ششم: تمایز گوشت‌ها

ملاحظات: انتخاب نخوردن غذاهای خاص، یا اصلاً هیچ غذایی، در زمان‌ها یا مناسبت‌های خاص، کاملاً به موضوع آزادی مسیحی مربوط می‌گردد. با این حال، در زمان اصلاحات، کلیسا مقررات پیچیده‌ای را وضع کرده بود که امر به پرهیز از غذاهای خاص در روزهای خاص می‌کرد. این تعالیم کلیسا در واقع اعضا را به این‌باور گمراه می‌ساخت که با پیروی از چنین مقرراتی، شایسته‌ی فیض و لطف خدا می‌شوند. چنین نظریه‌ای کاملاً مغایر با انجیل است، چرا که شایستگی کامل عیسی مسیح را برانداخته و آن را با اعمال انسانی جایگزین می‌سازد.

قوانین ساختگی از این جمله، بار عظیمی را بر دوش مردم عادی مینهاد، که اغلب خود را کمتر از راهبین⁹⁹ و راهبه‌هایی¹⁰⁰ که به این مقررات غذایی بسیار پایبند بودند، معنوی می‌دانستند. انضباط بدنی و تلاش برای مهار امیال گناه‌آلود کاملاً پسندیده و ضروری است، اما هرگز نباید پیشنهاد شود که چنین فعالیت‌هایی موجب کسب لطف خدا می‌گردند. با تأکید بر مسئله‌ی محدودیت‌های غذایی، اعتراف‌نامه‌ی آگسبورگ بار دیگر خاطر نشان می‌سازد که لوتری‌ها سنت‌ها و اعمال نیک، مانند ترتیب خوانش کتاب مقدس در مراسم عشای ربانی، را کنار نمی‌گذارند، بلکه فقط مواردی را که طبق کلام نیستند، حذف می‌نمایند.

⁹⁶ ارمیا (وفات حدود ۵۸۵ پیش از میلاد) پیامبر در عهد عتیق، یهودا.

⁹⁷ نام کتاب، ترجمه‌ی تحت اللفظی نام کتاب. فرامین.

⁹⁸ نام کتاب، ترجمه‌ی تحت اللفظی نام کتاب. از توبه یا تفسیر توبه.

⁹⁹ راهبان، اعضای مذکر یک نظم رهبانی یا کسی که در بازنشستگی انفرادی از دنیا زندگی می‌کند تا زهد را به جا آورد. بسیاری از راهبان از لوتر پیروی کردند، اما بیشتر آن‌ها با اصلاحات مخالفت کردند، زیرا این اصلاحات به عدالت خواهی انفرادی آن‌ها حمله می‌کرد.

¹⁰⁰ راهبه‌ها، دختران و زنان متعلق به یک فرقه‌ی مذهبی که در مراقبت و ریاضت زندگی می‌کنند.



نه تنها عوام، بلکه معلمینی که در کلیساها تعلیم می دهند نیز، عموماً متقاعد شده اند که به تمایز قائل شدن بین غذاها و سنت های مشابه انسانی باور داشته باشند. آن ها معتقدند که این ها اعمالی مفید برای کسب فیض می باشند و می توانند گناهان را جبران کنند. از این رو، این دیدگاه شکل گرفت که روزانه مراسم جدید، احکام جدید، ایام مقدس جدید و روزه های جدید ایجاد گردد. معلمین کلیسا این اعمال را به عنوان یک خدمت ضروری برای کسب فیض لازم می دانستند. آن ها با حذف هر یک از این موارد، وجدان مردم را به شدت وحشت زده می ساختند. به دلیل این نقطه نظر، کلیسا متحمل آسیب مهیبی گشته است.

اولاً، بخش اصلی انجیل - تعلیم فیض و عدالت ایمان - توسط این نقطه نظر ابهام آمیز شده است. انجیل می بایست برجسته ترین تعلیم در کلیسا باشد تا شایستگی مسیح به خوبی شناخته شود و ایمان، که باور دارد گناهان به خاطر کار مسیح بخشیده می شوند، بسی والاتر از اعمال قرار گیرد. بنابراین، پولس نیز در این مقاله بیشترین تأکید را داشته، شریعت و سنت های انسانی را بر کنار می سازد تا نشان دهد که عدالت مسیحی چیزی غیر از چنین اعمالی است. «زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی، سلامتی و شادی در روح القدس است» (رومان ۱۴: ۱۷). عدالت مسیحی ایمانی است که باور دارد گناهان به خاطر مسیح آزادانه مورد بخشش قرار می گیرند. اما این تعلیم پولس تقریباً به طور کامل توسط سنت هایی که این عقیده را ایجاد کرده اند که ما باید با ایجاد تمایز در گوشت ها و خدمات مشابه، شایسته فیض و عدالت باشیم، مستتر گشته است. هنگامی که توبه تعلیم داده می شد، هیچ اشاره ای به ایمان نشده بود. بلکه تنها اعمال رضایت بخش مطرح می گشت. و بنابراین به نظر می رسید که توبه کاملاً بر این اعمال استوار است.

دوماً، این سنت ها مانع از اجرای فرامین خدا شدند، زیرا سنت ها بسی والاتر از فرامین خدا قرار می گرفتند. این تصور ایجاد شده بود که مسیحیت کاملاً بر رعایت برخی از روزه های مقدس، آیین ها، روزه ها و لباس های مذهبی استوار است. این اعمال عنوان والای "زندگی معنوی" و "زندگی کامل" را کسب می نمودند. در حالی که، فرامین خدا، مطابق با خواندگی یا مأموریت هر کس، ارج نهاده نمی شدند. این اعمال ثمر بخش همچون مادری که فرزندان می زاید، پدری که فرزندان را رشد می دهد، و شاهزاده ای که بر کشورش حکومت می کند - اعمال دنیوی و از این رو ناکافی تلقی گشته، بسی کمتر از مناسک درخشان کلیسا قرار می گرفتند. این اشتباه برای افرادی که در وجدان دارای ایمان بودند، بسیار عذاب آور بود. آن ها از این که در وضعیت ناکاملی از زندگی، خواه در ازدواج، منصب حکومت یا سایر خدمات مدنی، قرار داشتند، اندوهگین بودند. در عوض راهبان و امثال آن ها را تحسین می نمودند. آن ها به اشتباه می پنداشتند مناسک این افراد نزد خدا قابل قبول تر است.

سوماً، سنت ها بار سنگینی بر وجدان ها بودند. حفظ تک تک سنت ها غیر ممکن می نمود، ولیکن مردم این مناسک را اعمال عبادی ضروری می دانستند. گرسون¹⁰¹ می نویسد که بسیاری در نا

¹⁰¹ جان گرسون، (حدود ۱۴۲۹ تا ۱۳۶۳ میلادی) رئیس دانشگاه پاریس (۱۳۹۵ میلادی). گرسون که به مسئله ی فرقه سازی پاپ علاقه مند شده بود، بر شوراهای پیزا و کنستانس تأثیر گذاشت. خصومت مانع از بازگشت وی به فرانسه شد. او مدتی را در بایرن و اتریش گذراند و زندگی خود را با فعالیت های روحانی و ادبی در لیون فرانسه به پایان رساند. دغدغه ی اصلی او این بود که مردم، چه تحصیل کرده و چه عامی، زندگی برآستی پرهیزکارانه ای داشته باشند. از او به عنوان یک پیش اصلاح گر یاد شده است، اما او معتقد بود که برای رستگاری، انسان باید «آنچه را که در ضمیر اوست به انجام رساند».

امیدی گرفتار آمده، و برخی حتی جان خود را گرفتند، زیرا احساس می کردند که قادر به برآورده کردن سنت‌ها نیستند. در تمام این مدت، آن‌ها هرگز در مورد عدالت تسلی بخش ایمان و فیض چیزهای نشنیده بودند. ما شاهد آنیم که دانشجویان و الهی‌دانان¹⁰² سنت‌ها را گرد هم آورده، سپس راه‌هایی برای تسکین و آرامش وجدان‌ها می‌جویند. آن‌ها به اندازه‌ی کافی موجبات رهایی وجدان‌ها را فراهم نمی‌آورند، بلکه گاهی اوقات آن‌ها را حتی بیشتر درگیر می‌نمایند! دانشگاه‌ها و موعظه‌ها چنان مشغول گرد هم آوردن این «سنت‌ها» می‌باشند که حتی وقت کافی برای پرداختن به کتاب مقدس ندارند. آن‌ها تعالیم بسیار مفیدتر همچون ایمان، صلیب، امید، شان امور مدنی و تسلی وجدان‌ها در وسوسه‌های شدید را دنبال نمی‌کنند. از این رو، گرسون و برخی دیگر از الهی‌دانان با ناراحتی شکوه کرده‌اند که به جهت این همه تلاش برای پیگیری سنت‌ها، از توجه به نوع بهتری از تعالیم باز مانده‌اند. آگوستین به شدت از تحمیل بار بر وجدان‌های مردم باز می‌دارد. او با دور اندیشی به ژانوار یوس¹⁰³ توصیه می‌کند که آگاه باشد این سنت‌ها به عنوان چیزهایی که نه توسط خدا فرمان داده شده و نه ممنوع شده‌اند، نگاه داشته شوند، چرا که وی چنین گفته است.

بنابراین، نباید متصور شد که معلمین ما این موضوع را عجولانه یا از روی نفرت از اسقف‌ها، آن‌طور که برخی به اشتباه گمان می‌کنند، مطرح کرده‌اند. نیاز مبرمی به هشدار دادن به کلیساها در خصوص این اشتباهات برخاسته از سوء تفاهم در مورد سنت‌ها وجود داشت. انجیل ما را و ما می‌دارد که بر تعلیم فیض و عدالت ایمان در کلیساها تکیه ورزیم. اگر مردم می‌پندارند که با نگاه داشتن مراسم دلخواه خود، شایسته‌ی فیض می‌شوند، ادراک ناپذیر می‌نماید.

از این رو، کلیساهای ما آموخته‌اند که ما نمی‌توانیم با رعایت سنت‌های بشری، شایسته‌ی فیض گشته یا پارسا شمرده شویم. نباید پنداشت که چنین مراسمی عمل عبادی ضروری هستند. در این جا شهادت‌های کتاب مقدس را می‌افزاییم. «و شما چرا برای حفظ سنت خویش، حکم خدا را زیر پا می‌گذارید؟» (متی ۲۳: ۱۵). این مربوط به موضوعی بود که خلاف قانون الهی نبود، بلکه نه بدان امر شده بود و نه ممنوع گشته بود. درست شبیه به تظہیر شریعت. او در متی ۹: ۱۵ می‌گوید: «آنان بیهوده مرا عبادت می‌کنند و تعلیمشان جز فرایض بشری نیست.» بنابراین، او به یک خدمت انسانی بیهوده نیاز ندارد. کمی بعدتر اضافه می‌کند: «نه آنچه به دهان آدمی داخل می‌شود او را نجس می‌سازد، بلکه آنچه از دهان او بیرون می‌آید؛ آن است که آدمی را نجس می‌سازد» (متی ۱۵: ۱۱). پولس نیز در رومیان ۱۷: ۱۴ می‌گوید: «پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی، سلامتی و شادی در روح القدس است.» و در کولسیان ۲: ۱۶ می‌گوید: «پس مگذارید کسی در خصوص آنچه می‌خورید و می‌آشامید، یا در خصوص نگاه داشتن اعیاد و ماه نو و روز شبات، محکومتان کند.» و باز هم می‌گوید: «پس حال که با مسیح نسبت به اصول ابتدایی این دنیا مرده‌اید، چرا گویی همچون کسانی که گویی هنوز به دنیا تعلق دارند، تن به قواعد آن می‌دهید، قواعدی که می‌گوید: این را لمس مکن! به آن لب مز و بر آن دست مگذار!» (کولسیان ۲: ۲۱-۲۰). پطرس می‌گوید: «پس حال چرا خدا را می‌آزمایید و یوغی بر گردن شاگردان می‌نهد که نه ما قادر به حملش بودیم، نه پدران ما؟ زیرا ما ایمان داریم که به فیض خداوند عیسی است که نجات یافته ایم، چنان که ایشان نیز.» (اعمال رسولان ۱۵: ۱۱-۱۰). در این جا پطرس سنگین بار کردن وجدان‌ها را به وسیله‌ی آیین‌های بسیار، چه از جانب موسی و چه از جانب دیگران، منع می‌نماید. در اول تیموتائوس ۴: ۳-۱ پولس ممنوعیت گوشت را تعلیم دیوها و ارواح گمراه‌کننده می‌نامد. بنیاد نهادن یا ارتکاب چنین اعمالی با این پندار که به واسطه‌ی آن‌ها شایسته‌ی فیض می‌گردیم، یا گویی مسیحیت بدون چنین خدمتی به خدا فاقد هستی می‌گردد، خلاف انجیل است.

¹⁰² دانشجویان یا محقق الهیات، نامی برای معلمین قرون وسطی در اعترافات لوتری.

¹⁰³ اسقف برجسته‌ی دوناٹیست (قرن پنجم) در منطقه‌ی هیپو در نومیدیا.

مخالفان ما معلمین ما را به مخالفت با تأدیب و مطیع کردن نفس متهم کرده اند. همانگونه که از مکتوبات معلمین ما می‌توان آموخت، عکس این موضوع صادق است. آن‌ها همیشه تعلیم داده اند که «اگر کسی بخواهد مسیح را پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی مسیح برود» (متی ۱۶: ۲۴) با تحمل رنج و سختی. «چون کسانی که در جهان بیگانه و غریبید، از امیال نفسانی که با روح شما در ستیزند، بپرهیزید» (اول پطرس ۲: ۱۱) این به صلیب کشیده شدن با مسیح به واسطه ی رنج های بسیار است. علاوه براین، آن‌ها تعلیم می‌دهند که هر مسیحی باید خود را با محدودیت‌های بدنی یا تمرینات و کارهای بدنی تربیت کرده، مطیع گرداند. سپس نه افراط و نه تنبلی، هیچ یک نمی‌تواند او را به وسوسه ی گناه بيفکند. اما آن‌ها تعلیم نمی‌دهند که ما می‌توانیم با چنین تمرین‌هایی شایسته ی فیض شویم یا کفاره ی گناهانمان را بپردازیم. می‌بایست تعلیم داده شود که در همه حال چنین انضباط جسمی ای رعایت گردد و نه فقط در چند روز معین. مسیح فرمان می‌دهد: «به هوش باشید، مبادا عیش و نوش و مستی و نگرانی‌های زندگی دلتان را سنگین سازد و آن روز چون دامی به ناگاه غافلگیرتان کند» (لوقا ۲۱: ۳۴). همچنین در متی ۱۷: ۲۱، «اما این جنس جز به روزه و دعا بیرون نمی‌رود». پولس همچنین می‌گوید: «تن خود را سختی می‌دهم و در بندگی خویش نگاهش می‌دارم، مبادا پس از موعظه به دیگران، خود مردود گردم» (اول قرنتیان ۹: ۲۷). در اینجا او به وضوح نشان می‌دهد که بدن خود را تحت کنترل نگاه می‌داشته است، نه به این جهت که با این انضباط شایسته ی آمرزش گناهان شود، بلکه برای اینکه بدن خود را مطیع و آماده برای امور معنوی نگاه دارد، برای انجام وظایف خواندگی خود. در کلام آمده است: «می‌گویند چرا روزه گرفتیم و تو ندیدی؟ جان خویش را رنجور ساختیم و در نیافتی؟ از آن رو که شما در ایام روزه ی خویش، خشنودی خود را می‌جویید و بر کارگران خود ظلم روا می‌دارید» (اشعیا ۵۸: ۳-۷). ما سنت‌هایی را که با الزام ایام معین و غذاهای به خصوص برای وجدان‌ها ایجاد خطر می‌کنند، محکوم می‌کنیم، گویی چنین اعمالی یک خدمت ضروری است.

با این وجود، ما سنت‌های بسیاری را که موجب شایستگی و نظم در کلیسا می‌شوند، محفوظ نگاه می‌داریم. «اما همه چیز باید به شایستگی و با نظم و ترتیب انجام شود» (اول قرنتیان ۱۴: ۴۰). همچون ترتیب خوانش کلام در مراسم عشاء ربانی و روزهای مقدس اصلی. در عین حال، به مردم هشدار می‌دهیم که چنین مراسمی ما را در پیشگاه خدا شایسته نمی‌گرداند و اگر این قبیل چیزها را بدون ایجاد رنجش و یا لغزش حذف نماییم، مرتکب گناه نگشته ایم. پدران کلیسا با چنین آزادی‌هایی در مراسم انسانی آشنا بودند. در شرق، عید پاک در زمان دیگری غیر از روم نگاه داشته می‌شود. آن هنگام که رومی‌ها کلیسای شرقی را به اختلاف و تفرقه¹⁰⁴ متهم کردند، دیگران بر آن‌ها اقرار ورزیدند که نیاز نیست چنین اعمالی در همه جا یکسان و همانند باشند. ایرنائوس¹⁰⁵ می‌گوید: «تنوع در خصوص اعتقادات مربوط به روزه داری، وحدت و یک پارچگی ایمان را باطل نمی‌سازد.» پاپ گرگوری در Dist. XII¹⁰⁶ نقل می‌کند که چنین تنوعی وحدت کلیسا را نقض نمی‌کند.

¹⁰⁴ تفرقه، اختلاف و تفرقه در کلیسا؛ یونانی *schizein*، "جدا کردن، گسستن، از هم شکافتن، گشودن"؛ برای بیان نظرات متفاوت بکار برده می‌شود (یوحنا ۷: ۴۳؛ اعمال رسولان ۴: ۱۴). کلیسا این اصطلاح را به معنای اختلاف، تفرقه یا اختلاف نظر به کار می‌برد (اول قرنتیان ۱: ۱۰؛ ۱۸: ۱۱؛ ۲۵: ۱۲). این انشعاب‌ها هماهنگی و وحدت کلیسا را از بین می‌برند.

¹⁰⁵ ایرنائوس (وفات حدود ۲۰۰ میلادی) از پدران کلیسای یونان؛ اسقف لیون (۱۷۸)؛ با گنوسیسم و دیگر بدعت‌ها مخالفت کرد؛ با جدیت برای گسترش مسیحیت و دفاع از تعالیم آن تلاش کرد؛ مفهوم ربیکاپی‌تولاسیون (بازسازی همه چیز) را توسعه داد؛ بر جانشینی و سنت رسولان تأکید کرد.

¹⁰⁶ مخفف عبارت "*Distinctio duodecima*" که به معنی "شماره دوازدهم" یا "تقسیم دوازدهم" می‌باشد. این عبارت معمولاً در مراجع کلیسایی و دینی به کار برده می‌شود و به تقسیم بخش‌های مختلف یک متن، دستور حقوقی یا موضوعی مشابه اشاره دارد.

نماید. او در کتابش *Tripartite History* نمونه‌های زیادی از آیین‌های مختلف را گردآوری نموده و جمله‌ی ذیل را شرح داده است:

«غایت شاگردان مسیح وضع قوانین و قواعد مختص ایام مقدس نبود، بلکه موعظه‌ی خدا پرستی و زندگی مقدس را پیش چشم داشتند.»

ماده‌ی بیست و هفتم: نذورات مذهبی صومعه

ملاحظات: این مقاله به تجربه‌ی مارتین لوتر از زندگی در صومعه¹⁰⁷، به همراه آنچه سایر راهبین اسبق در خصوص زندگی در صومعه بیان داشته‌اند، می‌پردازد. این ایده که یک شخص باید خود را پشت دیوارهای صومعه پنهان سازد و برای جلب رضایت بیشتر خدا خویش را مشغول اعمال معنوی گرداند، به هیچ وجه توجیه کتاب مقدسی ندارد. در قرون وسطی، عوام بغایت بر این باور بودند که تنها کشیشان و کاهنان، راهب زنان و مردان هستند که به درستی دست به اعمال معنوی می‌زنند. اما چنین دیدگاهی با کلام خدا در تضاد است، کلامی که تعلیم می‌دهد چگونه تمام زندگی جز فرصتی برای جلال خدا به وسیله‌ی خدمت به همسایه نیست. حتی امروزه نیز فرض بر این است که فعالیت‌های کلیسا به نوعی از وظایف عادی و روزمره‌ی زندگی که در حیطه‌ی وظایف ما هستند، ارزشمندترند. این مقاله وظایف کتاب مقدسی مانند شوهر وفادار، زن وفادار، پسر یا دختر وفادار بودن را می‌ستاید و با دقت فراوان رهبانیت را رد می‌نماید و مشروح می‌سازد که چقدر برای کسانی که در دام آن گرفتار آمده‌اند مضر و خطرناک می‌نماید. تحمیل عفت و پاکدامنی به کسانی که این موهبت را دریافت نکرده‌اند، ال‌خصوص مضر است، زیرا بسیاری به این باور می‌رسند که به واسطه‌ی فداکاری خود و نه فداکاری مسیح، شایسته‌ی فیض خدا هستند.



با در نظر گرفتن وضعیت صومعه‌ها و اینکه هر روزه چه اعمالی برخلاف قانون کلیسا در آن‌ها به انجام می‌رسید، درک آنچه در خصوص نذرهای صومعه تعلیم می‌دهیم آسان‌تر خواهد بود. در زمان آگوستین انجمن‌های آزاد فعالیت می‌کردند. سپس، هنگامی که نظم و انضباط به تباهی کشیده شده بود، نذرهایی به منظور مسترد ساختن نظم و انضباط، درست مانند یک زندان با برنامه ریزی دقیق، فراهم آورده شد. به تدریج، علاوه بر نذرهای، قواعد دیگری نیز افزوده شدند. این قوانین اجباری، برخلاف قانون کلیسا، پیش از سن قانونی بر دوش بسیاری نهادی شده. بسیاری از روی چهل وارد زندگی رهبانی شدند. اگرچه به اندازه‌ی کافی سالدیده بودند، قادر به قضاوت در خصوص قدرت و توانایی خویش نبودند. گرچه برخی می‌توانستند با تمهیدات پر مهر

¹⁰⁷ لاتین میانه *claustrum*، "اتاقی در صومعه" ۱. صومعه یا دیر. ۲. گذرگاهی سرپوشیده در کنار حیاط که یک طرف آن دیوارکشی شده و طرف دیگر آن باز است و معمولاً ساختمان‌های اطراف یک حیاط باز را به هم متصل می‌سازد.

قانون کلیسا رهایی یابند، اما در حقیقت آن ها به دام افتاده و مجبور به ماندن بودند. در حالی که مراعات جنس ظریفتر همواره واجب است، امر مذکور بیشتر در صومعه‌های زنان صدق می‌کرد، در کلام آمده است؛ «به همین سان، شما نیز ای شوهران، در زندگی با همسرانتان با ملاحظه باشید و با آنان چون جنس ظریف تر با احترام رفتار کنید، چرا که همپای شما وارث هدیه ی فیض آمیز حیاتند، تا دعاهایتان بازداشته نشود» (اول پطرس ۷:۳). این مقررات سخت‌گیرانه در گذشته موجب رنجش و نارضایتی بسیاری از نیک صفتان می‌گردید، چرا که می‌دیدند مردان و زنان جوان برای گذران زندگی و امرار معاش به صومعه‌ها افکنده می‌شوند. آن ها شاهد نتایج ناگوار این رویه، رسوایی های ناشی از آن و دام‌هایی که بدان واسطه بر وجدان ها افکنده می‌شد بودند! خوار و برکنار ساختن مرجعیت قانون کلیسا آن هم در خصوص چنین موضوع خطیری دل های آنان را دردمند می ساخت. نظریه ی نذر ها، افزون بر تمامی چیزهای شیطانی موجود، حتی مردان با ملاحظه تر را نیز رنجاند. آن ها تعلیم می‌دادند که نذر رهبانی برابر است با غسل تعمید. و این که زندگی رهبانی شایسته ی آمرزش گناهان و پارسا شمردگی در پیشگاه خداست. بلی، آن ها حتی ضمیمه کردند که زندگی رهبانی نه تنها شخص را شایسته ی پارسایی در پیشگاه خدا می گرداند، بلکه دارای شایستگی بیشتری نیز می باشد، زیرا معروض بود که زندگی رهبانی نه تنها حافظ قانون اساسی خداست، بلکه به اصطلاح "پند و توصیه ی انجیل" را نیز در خویش دارد.

از این رو، آن ها مردم را متقاعد ساختند که پیش گرفتن رهبانیت بسی نیکوتر از غسل تعمید است و زندگی رهبانی شایسته‌تر از زندگی حکام، کشیشان و دیگرانی است که بر حسب خواندگی خود طبق فرامین خدا و عاری از هر گونه خدمات ساخته ی دست بشر خدمت می‌کنند. هیچ یک از این موارد را نمی‌توان واپس زد. چرا که تمامی این ها از آثار مکتوب آن ها در خصوص رهبانیت تحصیل می‌گردد.

چگونه تمامی این ها در صومعه‌ها پدیدار گشت؟ زمانی مدارس الهیات و سایر طرق یادگیری کشیشان و اسقف‌ها را برای منفعت کلیسا پرورش می‌دادند. حال اما دیگرسان است. نیاز به مرور آنچه بر همگان روشن است نیست. پیش از این، آن ها برای یادگیری گرد هم می‌آمدند، اما اکنون ادعا می‌کنند که رهبانیت یک سبک زندگی است که برای کسب فیض و پارسایی بنیاد نهاده شده است. آن ها حتی موعظه می‌کنند که این حالتی از کمال است! آن ها رهبانیت را بسی والاتر از تمام انواع دیگر زندگی مقرر گشته توسط خدا قرار دادند. به منظور درک بهتر تعالیم معلمین ما در خصوص رهبانیت، ما تمامی موارد را به دور از اغراق نفرت انگیز مذکور ساختیم.

اولاً، در مورد رهبانی که ازدواج میکنند، معلمین ما اظهار داشته اند بر هر کسی که فراخور زندگی مجردی نیست، ازدواج مشروع است. نذرهای رهبانی نمی‌تواند آنچه را که خدا فرمان داده و مقرر ساخته است، از میان بردارد. فرمان خدا این است: «به سبب بی عفتی های موجود، هر مردی باید زن خود را داشته باشد، و هر زنی شوهر خود را» (اول قرنثیان ۲:۷). این تنها یک فرمان از جانب خدا نیست. خدا ازدواج را بر کسانی که به موجب کار بخصوص خدا از نظم طبیعی مستثنی نیستند، تکوین و مقرر کرده است. این همان چیزی است که طبق متن پیدایش ۱۸:۲ تعلیم داده می‌شود: «نیکو نیست آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می‌سازم.» بنابراین، آنان که از این فرمان و حکم خدا اطاعت می‌کنند، گرفتار گناه نمی‌شوند.

چه ایرادی می‌توان بر آن وارد ساخت؟ بگذارید مردم هر چقدر که می‌خواهند تکلیف نذر رهبانی را بستانند، لیکن هرگز نخواهند توانست فرمان خدا را به وسیله ی نذر رهبانی منهدم سازند. قانون کلیسا تعلیم می‌دهد نذرهای رهبانی که دستور پاپ را ندارند باطل هستند؛ حال چقدر چنین نذوراتی که برخلاف احکام خدا هستند لازم الاجرا می‌باشند!

اگر واقعاً، حفظ تعهد به نذر رهبانی به هیچ وجه من الوجوه برگشت پذیر نمی‌نمود، پاپ‌های روم هرگز قادر نبودند بر آن ها استثنا قائل شوند. زیرا بر کسی جایز نیست در خصوص آنچه واقعاً از جانب خداست، تخفیف و استثنا قائل شود. پاپ‌های روم خردمندانه قضاوت کرده اند که تعهدات رهبانی با مرحمت مراعات شوند. به همین سبب است که می‌خوانیم آن ها به دفعات ترتیبات و استثنائات

بخصوصی در مورد نذرهای رهبانی تکوین کرده اند. مورد پادشاه آراگون¹⁰⁸ که از صومعه فراخوانده شد، پر آوازه است و همچنین نمونه هایی نیز از زمان ما موجود است.

در وهله ی دوم، چرا مخالفان ما در خصوص الزام یا تاثیر یک نذر اغراق می ورزند، در حالی که در خصوص ماهیت خود نذر چیزی برای بیان ندارند؟ نذر باید چیزی باشد که امکان ادایش باشد؛ باید تصمیمی باشد که آزادانه و پس از بررسی دقیق گرفته می شود. همه ی ما می دانیم که واقعا عفت ابدی چقدر میسر است، و چه اندک هستند افرادی که این نذر را آزادانه و بدون قید و شرط پذیرا می شوند! زنان و مردان جوان، پیش از آن که دارای توانایی تصمیم گیری در این خصوص باشند، متقاعد می شوند و گاهی حتی به اجبار زیر بار نذر عفت می روند. بنابراین، اصرار ورزیدن بر الزامی چنین دشوار عادلانه نیست. بر همگان روشن است نذری که آزادانه و آگاهانه ادا نشود، در واقع خلاف ماهیت یک نذر واقعی است.

اکثر قوانین شرعی نذوراتی را که قبل از پانزده سالگی منعقد گشته اند، باطل می سازد. مشهود است پیش از این سن، فرد قادر به قضاوت منطقی و تصمیم گیری در خصوص چنین تعهدی برای تمام زندگانی خویش نیست. قانون شرعی دیگری وجود دارد که سال های بیشتری را به این محدودیت می افزاید و خاطر نشان می سازد که نذر عفت نباید قبل از هجده سالگی منعقد گردد. پس از کدام یک از این دو قانون شرعی می بایست پیروی کرد؟ عمده ی افرادی که صومعه را ترک می گویند، عذر موجهی دارند، چرا که نذرهای خود را قبل از پانزده یا هجده سالگی اتخاذ کرده اند.

در نهایت، اگرچه ممکن است بتوان شخصی را که عهد نذر خود را می شکند محکوم کرد، اما بدان معنا نیست که سلب حق ازدواج چنین شخصی صحیح است. آگوستین سلب این حق را در کتابش رد می کند (Quaest. I, Cap. Nuptiarum. XXVII)¹⁰⁹. اقتدار آگوستین را نمی بایست ساده پنداشت، گرچه امروزه برخی بسیار بر آنند.

اگرچه به نظر می رسد فرمان خدا در خصوص ازدواج بسیاری از نذرهایشان رهایی می بخشد، معلمین ما استدلال دیگری در مورد نذرهای ارائه می دهند تا آشکار سازند که آن ها فاقد اعتبار و باطل هستند. هر خدمت و عبادتی برای خدا که توسط انسان برای کسب پارسایی و فیض، بدون فرمان خدا، برگزیده و برپا شده باشد، نابکار و شرورانه است. زیرا مسیح در متی ۹:۱۵ می گوید: «آنان بیهوده مرا عبادت می کنند، و تعلیمشان چیزی جز فرايض بشری نیست.» پولس در همه جا تعلیم می دهد که عادل شمرده شدگی را نمی بایست در اعمال و عبادات مطلوب خویش که ساخته ی دست بشرند، جستجو کرد. عادل شمردگی به واسطه ی ایمان از آن کسانی است که باور دارند به خاطر مسیح، از جانب خدا به فیض وارد آمده اند.

بر همگان آشکار است که راهب مردان تعلیم می دهند، خدمات و مراسم دست بشر است که موجبات جبران گناهان و کسب پارسایی و فیض را فراهم می آورد. این چه چیزی جز تقلیل جلال مسیح و پنهان سازی و انکار عدالتی است که به وسیله ی ایمان حاصل می گردد؟ بنابراین، نتیجه می گیریم که نذورات رهبانی، که به طور گسترده مآخوذ گشته اند، خدمت شیرانه به خدا و ملخص، باطل و ناکارآمد هستند. همانا نذرهای شرورانه ای که مغایر با فرمان خدا موخذ گردد، فاقد ارزش و اعتبار است؛ چرا که (همانطور که در کتاب مقدس آمده است) هیچ نذری نمی بایست انسان را به شرارت ملزم سازد.

پولس می گوید: «شما که می کوشید با اجرای شریعت پارسا شمرده شوید، از مسیح بیگانه شده و از فیض به دور افتاده اید» (غلاطیان ۴:۵). از این جهت، هر که بخواهد به واسطه ی نذوراتش پارسا

¹⁰⁸ رامیرو. (قرن نوازدهم) پادشاهی که زندگی رهبانی را رها کرد تا بر آراگون اسپانیا حکومت کند.

¹⁰⁹ نام کتاب، اشاره به فصل مربوط به ازدواج، بخش با قسمت بیست و هفتم. معنی تحت اللفظی واژه ی "nuptiarum" برگرفته از زبان لاتین، به معنی "ازدواج" یا "مراسم عروسی" می باشد. این کلمه اغلب در متون کلیسایی و حقوقی به کار می رود و به مراسمات مربوط به ازدواج اشاره دارد.

شمرده شود، مسیح را عاطل گردانیده و از فیض به زیر می افتد. هر آن که بکوشد پارسا شمردگی را به نذورات رهبانی مرتبط سازد، آن را بر اعمال خویش استوار ساخته، آن که حقیقتاً جز از جلال مسیح بر نمی آید. نمی توان انکار کرد که راهبان تعلیم داده اند به واسطه ی نذرها و اعمالشان پارسا شمرده شده و شایسته ی آمرزش گناهان گشته اند. در واقع، آنان حتی مهملات خطیرتری به میان آوردند و ادعا کردند می توانند سایرین را نیز در اعمالشان سهیم سازند. اگر شخصی بر آن بود تا در این باره نکات بیشتری را متذکر سازد، تا مخالفان ما را بدتر جلوه دهد، چیزهای بس فراتری می توانست ذاکر شود، آن دسته از چیزهایی که حتی راهبان اکنون نیز به سبب آن ها خجل اند. و در رأس همه ی این ها، راهبان مردم را متقاعد می کردند که خدمات تصنعی آنان، حالتی از کمال مسیحی است. این چه چیزی جز نسبت دادن پارسا شمردگی ما به اعمال است؟ در کلیسا، ارائه ی خدمتی تصنعی و عاری از فرمان خدا به مردم و سپس تعلیم به آنان که چنین خدمتی ضامن پارسایی است، گناه کمی نیست.

زیرا عدالت ایمان، که می بایست والاترین تعلیم در کلیسا باشد، هنگامی که این اشکال "شگفت انگیز" و "فرشته وار" عبادت، با نمایش فقر، فروتنی و تجرد، در مقابل مردم جلوه می کنند، مخفی می گردد. هنگامی که به مردم گوش زد می شود، تنها راهبانند که در حالت کمال به سر می برند، بر احکام خدا و خدمت حقیقی به خدا، سرپوش نهاده می شود. کمال واقعی مسیحی این است که در دل ترس خدا را داشته باشیم، چنان که در کلام آمده است: «این ها همه از خداست که به واسطه ی مسیح ما را با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است. به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می داد و گناهان مردم را به حسابشان نمی گذاشت، و پیام آشتی را به ما سپرد» (دوم قرن تیان ۵: ۱۹-۱۸). این به معنای درخواست و انتظار یاری از خدا در هر امری با اطمینان خاطر است، هنگامی که ما بر حسب خواندگی خود زیسته و خدمت کرده، در اعمال نیک بیرونی کوشا هستیم. این جائیست که کمال و خدمت راستین خدا را در می یابیم. و با تجرد یا گدایی یا در بر کردن جامه های مندرس مطلقاً ارتباطی ندارد. مردم نظرات زیان بار گوناگونی بر اساس ستایش نادرست زندگی رهبانی، مطرح می سازند. آنان می شنوند که تجرد در ابعاد وسیع مورد ستایش قرار می گیرد، پس از زندگی متاهلی احساس گناه می کنند. آنان می شنوند که تنها گدایانند که دارای کمال اند، پس دارایی های خود را با اکراه نگاه داشته و با وجدانی گناه آلود تجارت می کنند. آنان می شنوند که چشم پوشیدن از انتقام، در انجیل تنها توصیه گشته است. از این رو، در زندگی خصوصی از انتقام گرفتن هراسی ندارند، زیرا شنیده اند که منع انتقام تنها یک توصیه و نه یک فرمان از انجیل است. برخی دیگر به این نتیجه می رسند که یک مسیحی نمی تواند به درستی صاحب یک مقام دولتی بوده یا حکومت کند.

نمونه های زیادی از مردانی داریم که خود را در صومعه ها پنهان می ساختند زیرا بر آن بودند که ازدواج و مشارکت در جامعه را ترک گویند. آنان این را ترک دنیا می نامیدند و می گفتند که در پی گونه ای از زندگی هستند که در نظر خدا پسندیده تر باشد. آنان در نیافته بودند که می بایست خدا را طبق فرامینی که خود او مقرر ساخته، خدمت کرد، و نه فرامینی که ساخته و پرداخته ی دست بشرند. تنها آن زندگانی ای که فرمان خدا را در خویشتن دارد، نیکو و کامل است. تعلیم و انتقال این به مردم دارای ضرورت است.

پیش از دوران ما، گرسون اشتباه راهبان در خصوص کمال را مورد عتاب قرار داده است. وی شهادت می دهد که تعریف و تعیین زندگی رهبانی به عنوان حالتی از کمال در نسل او امری نو برخواسته بوده است. چه بسیارند باورهای شرورانه که در نذورات رهبانی نهان گشته اند - که آنان موجب پارسایی می گردند، که کمال مسیحی را به همراه می آوردند، که امکان حراست از توصیه ها و فرامین را فراهم می آورند، که اعمالی و رای فرامین خدا هستند- اینان تمامی پوچ و نابجا هستند. و نذورات رهبانی را باطل و بی اثر می سازند.

ماده ی بیست و هشتم: اقتدار کلیسا

ملاحظات: ماده ی بیست و هشتم به شرح تفصیلی در خصوص مواد پنجم و چهاردهم می‌پردازد. دامنه ی اقتدار اسقف‌ها در کلیسا تا چه حد وسعت دارد؟ در گذر اعصار، اسقف‌ها نه تنها مبدل به رهبران کلیسا گشته اند، بلکه به چهره‌های سیاسی نیز تبدیل شده و مدعی حق حکومت بر کلیسا و دولت و وضع و اجرای قوانین در هر دو حوزه می‌باشند. اعترافنامه ی آگسبورگ با ارجاع به درک کتاب مقدس از کلیسا، روشن می‌سازد که اقتدار یا قدرت حقیقی اسقف‌ها، موعظه ی انجیل، آمرزش یا در مواقعی خودداری از آمرزش گناهان و اجرای آیین‌های مقدس است. کلیسا نباید در امور مربوط به حکومت مداخله نماید، بلکه باید تمرکز و توجه خود را بر انجیل نگاه دارد. این ماده، پایه و اساس درک لوتری از دو پادشاهی است: کار و حکومت خدا در دنیا به واسطه ی کلیسا (پادشاهی یا لشگر دست راست) و دولت (پادشاهی یا لشگر دست چپ). اسقف‌ها یا کشیشان، در کلیسا تنها مختارند که گناهان را در نام مسیح ببخشایند، تعالیم باطل و ناجا را رد نموده و آنانی را که پشتیبان این تعالیم اند مورد نکوهش قرار داده، آنانی را که آشکارا از توبه نسبت به گناهان خویش خودداری می‌ورزند، مطرود سازند. این مقاله، همانند سایر مقالات، تمرکز خود را بر تعلیم اصلی انجیل می‌گذارد: ما به فیض خدا و تنها به واسطه ی ایمان به مسیح، پارسا شمرده می‌شویم.



پیش از این مباحثات گسترده ای در خصوص قدرت اسقف‌ها جریان داشته است، که طی آن برخی به طرز هولناکی قدرت کلیسا را با قدرت دولت مغشوش ساخته اند. این آشفتگی نزاع و شورش عظیمی را سبب ساخت. و در طی آن پاپ‌ها، با اتکا بر قدرت کلیده‌ها¹¹⁰ [اعتراف و آمرزش گناهان]، مراسم جدیدی را بنا نهادند و وجدان‌ها را به وسیله ی تنبیه و راندن از کلیسا سنگین بار گردانیدند. اما

¹¹⁰ اقتدار معنوی عجیب، ویژه و منحصر به فردی که توسط مسیح به تمام کلیساها داده شده است تا تقصیر گناهکاران توبه‌کار را ببخشایند، اما تا زمانی که توبه نکنند، از بخشش آنان خود داری کند (یوحنا ۲۰: ۲۲-۲۳؛ متی ۱۶: ۱۹؛ ۱۸: ۱۸-۲۰؛ مکاشفه ۱: ۱۸). به طور خاص، دفتر کلید ها (که توسط کشیشان به دعوت کلیسا اداره می‌شود) منصبی است که مسیح به کلیسای خود داده است. جامعه ی مسیحی، به فرمان مسیح، کشیشان را فرا میخواند تا این خدمت را در نام مسیح و از طرف جماعت به طور علنی انجام دهند. خدمت کشیشی یک نهاد الهی است (افسیان ۴: ۱۱)؛ اعمال رسولان ۲۰: ۲۸؛ اول قرن‌تین ۴: ۱؛ دوم قرن‌تین ۲: ۱۰). همانطور که مارتین لوتر گفت، «خداوند در فیض خود بغایت سخاوتمند است: اول، به واسطه ی کلام شفاهی، که به وسیله ی آن آمرزش گناهان در تمام جهان موعظه می‌گردد. این وظیفه ی خاص انجیل است. دوم، به واسطه ی غسل تعمید. سوم، به واسطه ی آیین مقنس محراب. چهارم، به واسطه ی قدرت کلیده‌ها. همچنین از طریق گفتگوی متقابل و تسلی برادران، جایی که دو یا سه نفر جمع میشوند» (متی ۱۸: ۲۰) و آیات دیگر از این قبیل، به ویژه رومیان ۱: ۱۲.

آنان همچنین کوشیدند با سلب امپراتوری از امپراتور، پادشاهی های این جهان را به کلیسا منتقل سازند. افراد آگاه و خداترس برای مدت زیادی این اشتباهات را در کلیسا محکوم و رد کردند. از این رو، معلمین ما، برای تسلی وجدان ها، مسئولیت وضوح بخشیدن به تفاوت بین اقتدار کلیسا و اقتدار دولت را بر عهده گرفتند. آنان تعلیم می دادند که هر دو می بایست به عنوان نعمت های اصلی خدا بر روی زمین، مورد احترام و تکریم واقع شوند، زیرا فرمان خدا را دارند.

موضع معلمین ما این است: اقتدار کلام یا اقتدار اسقف ها (طبق انجیل)، قدرت یا فرمان خداست که انجیل را موعظه نموده، گناهان را بخشیده حفظ نمایند، و آیین های مقدس را به انجام رسانند، «کلید های پادشاهی آسمان را به تو می دهم. آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد» (متی ۱۶: ۱۹). مسیح رسولان خود را با این فرمان راهی می کند: «همان گونه که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم. روح القدس را بیابید. اگر گناهان کسی را ببخشایید، بر آن ها بخشیده خواهد شد؛ و اگر گناهان کسی را نابخشوده بگذارید، نابخشوده خواهد ماند» (یوحنا ۲۰: ۲۱-۲۲). و در مرقس ۱۵: ۱۶، مسیح رو به آنان می فرماید: «به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش [انجیل] را به همه ی خلائق موعظه کنید.»

این اقتدار تنها با تعلیم یا موعظه ی انجیل و اجرای آیین های مقدس، خواه به صورت گروهی و خواه شخصی، بر طبق خواندگی خادم، اعمال می شود. به این ترتیب نه تنها چیزهای جسمانی، بلکه چیزهای ابدی نیز عطا می گردد: عدالت ابدی، روح القدس و حیات جاودانی. این عطایا جز به واسطه ی خدمت کلام و آیین های مقدس نمی توانند به ما بخشیده شوند، همانطور که پولس می گوید: «از انجیل سرافکنده نیستیم، چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، نخست یهود و سپس یونانی^{۱۱۱}» (رومیان ۱: ۱۶). بدین جهت، کلیسا اختیار اعطای چیزهای ابدی را دارد و این اختیار را تنها به واسطه ی خدمت کلام اعمال می نماید. بنابراین، کلیسا در حکومت مدنی دخالتی ندارد، همان گونه که هنر سرودخوانی در حکومت مدنی مداخله نمی نماید. از آن رو که حکومت مدنی نیز مشغول اموری غیر از انجیل می باشد. حاکمان مدنی مدافع ذهن و ضمیر نمی باشند، بلکه از بدن ها و امور مربوط به جسم در مقابل آسیب های آشکار دفاع می کنند. «هر کس باید تسلیم قدرت های حاکم باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست. قدرت هایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده اند. پس آن که بر علیه قدرتی عصیان کند، در حقیقت علیه آنچه خدا مقرر کرده، عصیان ورزیده است؛ و آنان که چنین می کنند، مجازات را برای خود می خرند، زیرا راستکرداران از حکمرانان هراسی ندارند، اما خلافکاران از آن ها می ترسند. آیا می خواهی از صاحب قدرت هراسی نداشته باشی؟ آنچه را که درست است، انجام بده که تو را تحسین خواهد کرد. زیرا خدمتگزار خداست تا به تو نیکویی کند. اما اگر مرتکب کار خلاف شوی، بترس، زیرا شمشیر را بی جهت حمل نمی کند. او خدمتگزار خدا و مجری غضب است تا کسی را که مرتکب کار خلاف شده است، کیفر دهد. پس آدمی باید نه تنها برای پرهیز از غضب، بلکه به سبب وجدان خود نیز تسلیم قدرت ها باشد. به همین سبب نیز مالیات می پردازید، زیرا صاحبان قدرت که تمام وقت خود را وقف کار حکومت می کنند، خدمتگزاران خدایند. دین خود را به همگان ادا کنید: اگر مالیات است، مالیات بدهید؛ اگر خراج است، خراج پردازید؛ اگر احترام است، احترام بگذارید؛ و اگر اکرام است، تکریم کنید» (رومیان ۱۳: ۱-۷).

بنابراین، اقتدار کلیسا و اقتدار دولت نباید با هم اشتباه گرفته شوند. مأموریت کلیسا آموزش انجیل و اجرای مقدسات است. «پس بروید و همه ی قوم ها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعلیم دهید و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده ام، به جا آورند.

^{۱۱۱} یونانیان. ۱. یونانیان باستان. ۲. مسیحیان یونانی زبان شرق.

اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم (متی 28: 19-20). از این رو کلیسا شاید در مقام دیگری دخالت کند. شاید پادشاهی های این جهان را به خود منتقل سازد. شاید قوانین حاکمان مدنی را لغو نماید. شاید اطاعت قانونی را باطل سازد. شاید در احکام مربوط به قراردادهای مدنی دخالت نماید. شاید قوانینی به مقامات مدنی در خصوص شکل و فرم جامعه دیکته نماید. همانطور که مسیح میگوید: «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می جنگیدند تا به دست یهودیان گرفتار نیایم. اما پادشاهی من از این جهان نیست» (یوحنا ۱۸: ۳۶). همچنین، «چه کسی مرا بین شما داور یا مقسم قرار داده است؟» (لوقا ۱۲: ۱۴). پولس نیز میگوید: «حال آنکه ما تبعه ی آسمانیم و با اشتیاق تمام انتظار می کشیم که نجات دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند» (فیلیپیان ۲۰: ۳). و «چرا که اسلحه ی جنگ ما دنیوی نیست، بلکه به نیروی الهی قادر به انهدام دژهاست» (دوم قرنتیان ۴: ۱۰). بدین جهت است که معلمین ما بین وظایف این دو مقام تمایز قائل می شوند. آن ها امر می کنند که هر دو به عنوان موهبات و برکات الهی مورد احترام و قدردانی قرار گیرند.

اگر اسقفی از نظر دولتی اقتداری دارد، به این دلیل نیست که اسقف است. به عبارت دیگر، این اقتدار از طریق ماموریت انجیل به آنها واگذار نشده است. بلکه اقتداری است که از جانب پادشاهان و امپراتوران به جهت اداره ی امور مدنی در خصوص آنچه در جامعه به آن ها تعلق دارد، وصول کرده اند. این مقامی است مجزا، و نه خدمت انجیل.

از این رو، هنگامی که پرسشی در خصوص صلاحیت قضایی¹¹² اسقف ها به میان آورده می شود، می بایست اقتدار مدنی را از صلاحیت کلیسا متمایز ساخت. لیکن در عین حال، تنها اقتداری که به اسقف ها تعلق دارد، همان است که آن ها طبق انجیل یا بر حسب کلام خویشتن به عنوان حق الهی مالک اند. زیرا خدمت کلام و مقدسات بر آن ها واگذار گشته است. مطابق انجیل، آن ها هیچ اختیار دیگری ندارند مگر، اختیار آمرزش گناهان، قضاوت و داوری تعالیم و اصول، رد تعالیم و اصول مخالف انجیل و طرد افراد شرور از کلیسا، آنان که شرارتشان آشکار گشته. آن ها قادر نیستند شروران را با توان بشری مطرود سازند، بلکه صرفا به قدرت کلام. بر حسب اقتداری که انجیل بر آن ها واگذارده، به عنوان یک الزام بر حق الهی، جماعت کلیسا می بایست از آن ها اطاعت کنند، زیرا در لوقا ۱۶: ۱۰ آمده: «هر که به شما گوش فرا دهد، به من گوش فرا داده است؛ و هر که شما را نپذیرد، مرا نپذیرفته است؛ اما هر که مرا نپذیرد، فرستنده ی مرا نپذیرفته است.» اما وقتی چیزی علیه انجیل تعلیم دهند یا تثبیت نمایند، جماعت کلیسا طبق فرمان خدا از اطاعت آنان منع می گردند.

«از پیامبران دروغین برحذر باشید. آنان در لباس گوسفندان نزد شما می آیند، اما در باطن گرگان درنده اند.» (متی ۷: ۱۵)

«اما حتی اگر ما یا فرشته ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد.» (غلاطیان ۱: ۸)

«زیرا نمی توانیم هیچ عملی بر خلاف حقیقت انجام دهیم، بلکه هر آنچه می کنیم برای حقیقت است. زیرا هرگاه ما ضعیف باشیم و شما قوی، موجب شادیمان خواهد بود، و دعای ما این است که شما احیا شوید. به همین خاطر، در غیاب این مطالب را به شما می نویسم تا وقتی نزدتان آمدم، مجبور نباشم از اختیار خود با شدت عمل استفاده کنم، اختیاری که خداوند نه برای ویران کردن، بلکه برای بنا به من داده است.» (دوم قرنتیان ۱۳: ۸-۱۰)

¹¹² قدرت، اقتدار یا مسئولیت کلیسایی که به موجب حق الهی یا انسانی به کشیشان و یا اسقف ها اعطا شده است.

قوانین کلیسایی نیز این را حکم می نمایند (II. Q. VII. Cap., Sacerdotes,) and Cap. Oves¹¹³، آگوستین می نویسد:

همچنین اگر اسقف‌های کاتولیک در اشتباه بیفتند یا چیزی خلاف کتب مقدس خدا بر زبان رانند، ما نباید تسلیم آن ها شویم. (Contra¹¹⁴ Petilianus) (Epistolam¹¹⁵)

اگر اسقف ها در رسیدگی و قضاوت موارد خاص، مانند ازدواج یا ده یک، صاحب اختیار یا صلاحیت دیگری هستند، این را تنها به موجب حق انسانی خود دارند. اگر اسقف‌ها وظایف محوله ی خود را در این زمینه‌ها به انجام نرسانند، حاکمان موظفند، حتی اگر نخواهند، برای حفظ صلح، عدالت را در مورد رعایای خویش به کار بندند.

همچنین در خصوص اینکه آیا اسقف‌ها یا کشیشان حق دارند مراسمی در کلیسا باب کرده، در مورد گوشت‌ها، ایام مقدس و مراتب خادمان و غیره، قوانینی وضع کنند یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. آنانی که اسقف‌ها را مستحق در این امور می دانند، به این شهادت مسیح در یوحنا ۱۶: ۱۲-۱۳ عطف می کنند: «بسیار چیزهای دیگر دارم که به شما بگویم، اما اکنون یارای شنیدنش را ندارید. اما چون روح راستی آید، شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد؛ زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه را می شنود بیان خواهد کرد و از آنچه در پیش است با شما سخن خواهد گفت.» آن ها همچنین به مثال رسولان ارجاع می دهند که به مسیحیان امر کردند «از خوراک آلوده به بت پرستی، بی عفتی، گوشت حیوانات خفه شده و خون پرهیز کنید» (اعمال رسولان ۱۵: ۲۹). آنان از روز شبات¹¹⁶ به عنوان روز خداوند یاد می کنند، برخلاف ده فرمان، آنطور که خود ادراک می ورزند. در واقع، بیش از هر مثال دیگری به تغییر فرضی روز شبات اشاره می کنند. آنها می‌گویند اقتدار کلیسا آنقدر گسترده است که حتی یکی از ده فرمان را برانداخته است.

اما در خصوص این سوال، (همانطور که در متن اشاره کردیم) ما می آموزیم که اسقف‌ها در خصوص صدور حکمی علیه انجیل هیچ اقتدار و اختیاری ندارند. قوانین متعارف نیز چنین تعلیم می دهند (بخش نهم). ایجاد یا الزام رعایت و حفظ هرگونه سنتی به منظور جبران گناهان یا کسب فیض و پارسایی، خلاف کتاب مقدس است. هنگامی که می کوشیم با رعایت چنین چیزهایی، شایسته ی کسب پارسایی شویم، به جلال شایستگی مسیح آسیب مهیبی وارد می آوریم. پر واضح است که با چنین اعتقاداتی، سنت‌ها در کلیسا به بیکران نیل کرده اند، این در حالیست که، تعلیم مربوط به ایمان و عدالت ایمان سرکوب گشته است. رفته رفته ایام مقدس بیشتری ایجاد گشت، روزه‌ها تعیین شدند و مراسم و خدمات نوینی برای بزرگداشت مقدسین دایر شد. آن هایی که مسئول این قبیل اعمال بودند، می انگاشتند که با انجام این ها شایسته ی کسب فیض می‌گردند. چنین بود که احکام توبه فزونی یافت. هنوز هم ردپایی از این در جبران ها به چشم می خورد.

¹¹³ این عبارت به ترتیب به این معنا است: II. شماره ی دوم، Q. VII. سوال یا پرسش هفتم، Cap. Sacerdotes: فصل مربوط به کشیشان، Cap. Oves: فصل مربوط به گوسفندان.

¹¹⁴ پتیلیان، (شکوفایی حدود ۴۰۰) اسقف دوناویست کرتا [شهری باستانی در شمال غربی آفریقا- واقع در الجزایر کنونی] که در خصوص غسل تعمید نوشت. آگوستین با او مکاتبه کرد و علیه دیدگاه های او نوشت.

¹¹⁵ کلمه ی "contra" به لاتین معنی "ضد"، "مخالف" یا "به سمت مخالفت با" را دارد. کلمه ی "Epistolam" به لاتین به معنی "نامه" یا "نامهای مکتوب" می‌باشد. این واژه در متون لاتین برای اشاره به نامه ها یا ادبیات نامه نگاری استفاده می‌شود. در عبارت "Epistolam، Contra" به معنی "نامه" است. و معنی کلی عبارت می‌شود "بر خلاف نامه ی پتیلیانوس" یا "مخالف نامه ی پتیلیانوس".

¹¹⁶ شبات یا سبت، روز فراغت مطابق با روز استراحت پس از خلقت (پیدایش ۳: ۲؛ خروج ۲۰: ۸، ۱۱؛ ۱۷: ۳۱). قوانین عهد عتیق در خصوص روز هفتم توسط مسیح لغو شده است، چرا که او خود «سبت» به معنای آسودگی و آرامش ما است (عبرانیان ۹-۱۱: ۴).

کسانی که چنین سنت‌هایی را بنیان می‌نهند، وقتی گناه را در غذاها، ایام و امثال آن‌ها قرار می‌دهند، برخلاف فرمان خدا عمل می‌کنند. آنان کلیسا را تحت اسارت شریعت سنگین بار می‌کنند، گویی برای کسب شایستگی پارسایی، باید اموری همچون خدمت‌هایی که در لایوان¹¹⁷ (فصل‌های ۷-۱) امر شده است، به انجام رسد. آن‌ها مدعی‌اند که مسیح ترتیب چنین خدماتی را به رسولان و اسقف‌ها واگذار کرده است. آن‌ها طوری در خصوص شریعت موسی نوشته‌اند که پاپ‌ها را نیز تا حدی منحرف ساخته‌اند. چنین است که آن‌ها با اعلام ارتکاب هر گونه عمل یدی در روز شبات و ایام مقدس به عنوان گناه کبیره- حتی اگر هیچ‌کس آزرده خاطر نشود-، یا حفظ ساعات دعا، یا اینکه برخی غذاها وجدان را آلوده می‌نمایند، یا اینکه روزه گرفتن موجب خشنودی خدا می‌گردد، کلیسا را متحمل بار سنگینی کرده‌اند. یا می‌گویند که در مورد یک گناه حفظ شده [پادآوری گناه در ذهن و وجدان]، گناه فقط می‌تواند با تصویب کسی که مورد را محفوظ داشته بخشیده شود، اگرچه قانون کلیسایی تنها از محفوظ داشتن مجازات کلیسایی¹¹⁸ می‌گوید و نه از گناه.

چه کسی اسقف‌ها را محق تحمیل چنین سنت‌هایی به کلیسا گردانیده؟ سنت‌هایی که بر وجدان‌ها دام می‌گسترانند. در اعمال رسولان ۱۵:۱۰، پطرس ما را از گذاشتن یوغ بر گردن شاگردان منع می‌نماید، «پس حال چرا خدا را می‌آزمایید و یوغی بر گردن شاگردان می‌نهد که نه ما قادر به حملش بودیم، نه پدران ما؟» و پولس در دوم قرنتیان ۱۳:۱۰ می‌گوید که اقتداری که به او داده شده برای بنا بوده است و نه از برای تخریب؛ «در غیاب این مطالب را به شما می‌نویسم تا وقتی نزدتان آمدم، مجبور نباشم از اقتدار خود با شدت عمل استفاده کنم، اقتداری که خداوند نه برای ویران کردن، بلکه برای بنا به من داده است.» چرا دشمنان با سنت‌های خویش موجبات ازدیاد گناهان را فراهم می‌آورند؟

شهادت‌های روشنی در دسترس‌اند که ایجاد سنت‌ها را به گونه‌ای که آن‌ها شایستگی کسب فیض یا ملزومات رستگاری را مهیا می‌آورند، ممنوع می‌کنند. پولس در کولسیان ۲:۱۶ می‌گوید: «پس مگذارید کسی در خصوص آنچه می‌خورید و می‌آشامید، یا در خصوص نگاه داشتن اعیاد و ماه نو و روز شبات، محکوم‌تان کند.» و سپس:

«پس حال که با مسیح نسبت به اصول ابتدایی این دنیا مرده اید، چرا همچون کسانی که گویی هنوز به دنیا تعلق دارند، تن به قواعد آن می‌دهید، قواعدی که می‌گوید: این را لمس مکن! به آن لب نزن و بر آن دست مگذار! این‌ها همه مربوط به چیزهایی است که با مصرف از بین می‌رود، و بر احکام و تعالیم بشری بنا شده است. و هر چند به سبب در بر داشتن عبادت داوطلبانه و خوار کردن خویشتن و ریاضت بدنی، ظاهری حکیمانه دارد، اما فاقد هر گونه ارزش برای مهار تمایلات نفسانی است» (کولسیان ۲: 20-23).

همچنین در تیتوس ۱:۱۴ او آشکارا سنت‌ها را با این کلمات منع می‌نماید: «به افسانه‌های یهود و احکام منکران حقیقت گوش نسپارید.» در متی ۱۵:۱۴، مسیح در خصوص آنانی که سنت‌ها را لازم می‌پندارند، می‌گوید: «آن‌ها را به حال خود واگذارید. آن‌ها راهنمایی‌کننده نیستند. هر گاه کوری عصا کش کور دیگر شود، هر دو در چاه خواهند افتاد.» و در آیه ۱۳ او چنین خدماتی را رد می‌کند: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد، ریشه کن خواهد شد.»

اگر به اسقف‌ها حق سنگین بار کردن کلیساها به واسطه‌ی ایجاد سنت‌های بی‌کران و دام افکندن بر وجدان‌ها، واگذار شده است، چرا کتاب مقدس اغلب بنا نهادن و گوش فرا سپردن به سنت‌ها را منع

¹¹⁷ مربوط به لایوان، کتاب لایوان در عهد عتیق، یا (به طور کلی) قوانین آیینی یهود.

¹¹⁸ کلیسایی، وابسته به کلیسا، مربوط به کلیسا، یونانی *eklesia*، "مجمع" رهبری کلیسا، آیین یا اعضای آن.

می نماید؟ چرا آن ها را "تعالیم دیوها" می نامد؟ «اما روح، آشکارا می گوید که در زمان های آخر، برخی از ایمان روی گردان شده، از ارواح گمراه کننده و تعالیم دیوها پیروی خواهند کرد» (اول تیموتائوس ۴:۱). آیا روح القدس بیهوده در خصوص این ها هشدار داده است؟

بدین سان، احکام و مقررات بیهوده ای که ضروری و شایسته ی کسب فیض می نمایند، با انجیل در مغایرتند. ماحصل، هیچ اسقفی مجاز نیست چنین خدماتی را وضع و یا طلب نماید. تعلیم آزادی مسیحی در کلیساهای می بایست محفوظ بماند. به بیان دیگر، اسارت شریعت مستلزم پارسا شمرده شدن نیست؛ همانطور که در نامه به غلاطیان (۵:۱) آمده است: «مسیح ما را آزاد کرد تا آزاد باشیم. پس استوار بایستید و خود را بار دیگر گرفتار یوغ بندگی نسازید». حفظ اصل انجیل ضروری است، بدین معنا که ما فیض را آزادانه از طریق ایمان به مسیح کسب می نماییم، نه به واسطه ی مراسم گوناگون و یا اعمال عبادی که ساخته و پرداخته ی دست بشرند.

پس در خصوص آیین یکشنبه و مراسمات مشابه در خانه ی خدا چه می پنداریم؟ پاسخ ما چنین است که اسقف ها یا کشیشان مجازند به منظور حفظ نظم امور در کلیسا، احکام یا مقرراتی وضع نمایند، اما نباید تعلیم دهند که بدان جهت ما شایسته ی کسب فیض و یا جبران گناهان خویشتن ایم. وجدان ها نباید در بند این جمله به عنوان الزام بوده و تصور کنند که نقض کردن آن ها، بی آنکه هتک حرمتی صورت پذیرد، گناه است. از این رو، در اول قرن نهم، پولس منعقد می سازد که: «هر زنی که سر نپوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را بی حرمت کرده است؛ این کار او درست مانند این است که سر خود را تراشیده باشد». یا در خصوص لزوم نظم و ترتیب در عبادت جمعی «اگر فرد دیگری که نشسته است مکاشفه ای دریافت کند، فرد نخست سکوت اختیار نماید (اول قرن نهم ۱۴:۳۰).

در خور است که کلیساهای چنین احکامی را به منظور حفظ عشق و آرامش و ممانعت از بی حرمتی نگاه دارند، تا تمامی امور در کلیساهای با توالی و بی تشویش انجام پذیرند. «همه چیز باید به شایستگی و با نظم و ترتیب انجام شود» (اول قرن نهم ۱۴:۴۰)، «هر کاری را بدون غر و مجادله انجام دهید» (فیلیپیان ۲:۱۴). رعایت چنین احکامی تا آن هنگام که وجدانها را بر آن ندارد که مستلزم نجات هستند، یا تغییر بدون هتک حرمت به دیگران را گناه نداند، بلامانع است. به عنوان مثال، هیچ کس نمی گوید زنی که با سر برهنه در ملاء عام ظاهر می گردد، بی آن که کسی را بی حرمت سازد، گناه می کند.

یکی از احکام کلیسا، برگزاری روز خداوند، عید پاک، پنطیکاست و ایام و آیین های مقدس مشابه است. این پندار که به موجب اقتدار کلیسا، ما روز خداوند را الزاماً به عوض روز شبات به جای می آوریم، خطایی مهیب است. کتاب مقدس خود روز شبات را لغو کرده است. «پس مگذارید کسی در خصوص آنچه می خورید و می آشامید، یا در خصوص نگاه داشتن اعیاد و ماه نو و روز شبات محکومتان کند. این ها تنها سایه ی امور آینده بود، اما اصل آن ها در مسیح یافت می شود» (کولسیان ۲: ۱۶-۱۷). این کلام تعلیم می دهد از آن هنگام که انجیل پدیدار گشته، تمامی مراسم موسی قابل چشم پوشی اند. با این حال، از آنجا که ضرورت می نمود روز خاصی برای افراد معین گردد تا بدانند چه وقت می بایست گرد هم آیند، بر می آید که کلیسا روز خداوند را بدین منظور برگماشته است. «در روز خداوند، در روح شدم و صدایی بلند چون بانگ شیپور از پست سر شنیدم» (مکاشفه ۱: ۱۰). به نظر می رسد که این روز بیشتر به همین دلیل انتخاب شده باشد: تا مردم الگویی از آزادی مسیحی داشته و بدانند که نه شبات و نه هیچ روز دیگری [برای نجات] ضروری نیست.

بحث های سهمناکی در خصوص تغییر قواعد، مراسم جدید و تغییر روز شبات در جریان اند. آن ها تمامی نشأت گرفته از این باور غلط اند که مراسم در کلیسا باید همانند مراسم ذکر شده در فصول ۷-۱ لایوان باشد، و اینکه مسیح رسولان و اسقف ها را متصدی ایجاد مراسمی نوین که مستلزم نجات هستند، ساخته. این اشتباهات آن هنگام که پارسایی حاصل از ایمان آنقدر که می بایست واضح تعلیم داده نشده بود، به کلیسا راه یافتند. برخی بحث بر می انگیزند که آیا نگاه داشتن روز خداوند یک حق الهی، یا همانند آن، می باشد یا خیر. آن ها معین می سازند که تا چه میزان کار یدی در روزهای مقدس مجاز است. چنین مباحثاتی جز دام هایی بر وجدان چه هستند؟ ولو آن هنگام که می کوشند

سنت‌ها را اصلاح کنند، برای هیچ کس قابل ادراک نخواهد نمود، مگر اینکه باور استلزام و حاجت بقای این سنت‌ها به یکباره باطل اعلام گردند. آن سنت‌هایی که پارسایی ایمان و آزادی مسیحی را نمی‌شناسند.

در اعمال رسولان ۲۰:۱۵، به رسولان امر شد که از خون پرهیزند. حال چه کسی این را رعایت می‌کند؟ آنان که خوردن خون را برمی‌گزینند، مرتکب گناه نشده‌اند، چرا که غایت خود رسولان هم تحمیل بار بر وجدان‌ها تحت اسارت سنت‌ها نبود. آنان به منظور حفظ حرمت‌ها برای مدتی از خوردن خون منع می‌نمایند. زیرا در این امر همواره باید به مقصود انجیل رجوع نمود.

به ندرت پیش می‌آید که قوانین کلیسایی جز به جز رعایت گردند. روز به روز قوانین بی‌شماری، حتی در میان متعصب‌ترین طرفداران سنت، از رده خارج می‌گردند. به منظور طریقه‌ی صحیح با وجدان، باید آگاه باشیم که قوانین کلیسایی می‌بایست عاری از اندیشه‌ی ضرورت [برای نجات]، نگاه داشته شوند. حتی اگر سنت‌ها ترک گفته شوند، هیچ آسیبی متوجه وجدان نمی‌گردد.

اگر اسقف‌ها بر رعایت سنت‌هایی که نمی‌توان با وجدان آسوده رعایت کرد اصرار نورزند [زیرا بی‌انتهایند و نگاه داشتن تمامی آن‌ها غیرممکن است]، می‌توانند به راحتی اطاعت مشروع مردم را حفظ نمایند. در عوض، آن‌ها امر به مجرد کرده، هیچ واعظی را نمی‌پذیرند، مگر آنانی که سوگند یاد کنند از تعلیم خالص و ناب انجیل صرف نظر خواهند نمود. کلیساها از اسقف‌ها نمی‌خواهند که به بهای آبروی خویش، توافقات را مسترد سازند، ولو اگر برای کشیشان نیک این عمل ناشایست بنماید. آن‌ها تنها خواستار آنند که اسقف‌ها بارهای نابرابری را که اخیراً در تضاد با رسم کلیسای جهانی مقبول واقع شده‌اند، معزول نمایند. شاید بدو برخی از این احکام معقول می‌نمودند، اما برای آیندگان ناهنجار و نقیض‌اند. همچنین آشکاراست که شماری از آن‌ها از جانب ایده‌های سهو و باطل اتخاذ گشته‌اند. از این رو، اکنون بر حسب رحمت پاپ مبادله‌پذیرند. چرا که چنین تغییر و تبدیلی وحدت کلیسا را به تزلزل نمی‌افکند. بسی سنت‌های بشری که بر امتداد ایام متحول گردیدند، به همان سان که قوانین خود ايجاب می‌نمایند. لیک اگر برای دشمنان آن تغییرات محال می‌نماید، چنان که آن‌ها را گناه می‌خوانند، شایسته است که ما از قاعده‌ی رسولان تبعیت کنیم که به ما امر می‌دهند، "خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد" (اعمال رسولان ۲۹:۵).

در اول پطرس ۳:۵، پطرس اسقف‌ها را از سروری و حکومت بر کلیساها منع می‌نماید؛ «نه آنکه بر کسانی که به دست شما سپرده شده‌اند سروری کنید، بلکه برای گله نمونه باشید.» مقصود ما سلب نظارت از اسقف‌ها نیست. بلکه تنها یک چیز را خواهانیم، اینکه تعلیم خالص انجیل را رخصت داده، از فرایضی که تغییر آن‌ها را گناه می‌خوانند، صرف نظر نمایند. اگر قادر به ترک آنان نیستند، خود دانند که چگونه به سبب تفرقه افکنی بر اثر لجابت خویشان، در برابر خدا حاضر می‌آیند.

استنتاج

این ها مقالات اصلی اند که گمان می رود مورد مباحثه و مذاکره باشند. امکان ذکر سوءاستفاده های فراتری داشتیم، ولو مجرداً به طرح نکات اصلی بسنده کردیم تا از به درازا انجامیدن مفرط این اعتراف نامه ممناعت به عمل آوریم. چرا که بر اساس این ها، بقیه را نیز می توان به سهولت قضاوت نمود. به عنوان مثال، شکایات فراوانی در خصوص آمرزش نامه ها، زیارت اعتاب مقدسه و استفاده ی سوء از تکفیر و اخراج، وجود داشت. کلیساهای ما از بسیاری جهات توسط معامله گران آمرزش نامه ها گرفتار بلا آمدند. بحث های لایتناهی بین کشیشان و راهبان بر سر اینکه چه کسی در کلیساهای حق شنیدن اعترافات، برگزاری مراسم تشییع جنازه، و موعظه در مواقع غیر عادی و سایر را دارا است، جریان داشته است.

ما از بیان آن دسته چشم پوشی کردیم تا درک نکات اصلی و اساسی زیربط که مختصر آمده اند، میسر بنماید. هیچ چیز در آن به منظور ملامت فرد یا افرادی، به میان آورده نشده است. ما تنها مواردی را که ضروری می پنداشتیم متذکر شده ایم تا استنباط گردد که در تعالیم و مراسم ما، چیزی مغایر کتاب مقدس یا کلیسای جهانی مقبول واقع نشده است.

پر واضح است که در این امر بسی دقت و توجه به کار بسته ایم تا اطمینان یابیم هیچ تعلیم کفرآلود جدیدی به کلیساهای ما وارد نمی آید. این مقالات را بر حسب فرمان اعلیحضرت پیش می نهیم تا نمودی از اعتراف نامه و چکیده ای از تعالیم معلمین خود را به مردم عرضه نماییم. اگر فردی مشتاق افزودن چیزی بدان باشد، طبق اراده ی خدا، آماده ایم تا اطلاعات کامل تری در مطابقت با کتاب مقدس پیش آوریم.

خدمتگزاران وفادار و مطیع اعلیحضرت شاهنشاه:

یوحنا، دوک ساکسونی، برگزیننده.

جورج، مرزبان براندنبورگ.

ارنست، دوک لونبرگ.

فیلیپ، کنت هسن.

جان فردریک، دوک ساکسونی.

فرانسیس، دوک لونبرگ.

ولفگانگ، شاهزاده ی آنهالت.

مجلس سنا و قضات نورنبرگ.

مجلس سنای روتلینگن.